

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مہارت ہاے تعلیم و تربیت

تألیف: حسن مشکاتی

| | | |
|---------------------|---|--|
| سرشناسه | : | مشکاتی، حسن، ۱۳۳۸ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : | مهارت‌های تعلیم و تربیت/ تالیف حسن مشکاتی. |
| مشخصات نشر | : | اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت، ۱۳۹۷. |
| مشخصات ظاهری | : | ۱۷۰ص: نمودار (بخشی رنگی). |
| شابک | : | ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۷۹-۴-۵ |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیبا |
| یادداشت | : | کتابنامه. |
| موضوع | : | اسلام و آموزش و پرورش |
| موضوع | : | Islamic education |
| موضوع | : | تعلیمات دینی |
| موضوع | : | Religious education |
| موضوع | : | کلاس‌داری |
| موضوع | : | Classroom management |
| رده بندی کنگره | : | BP/۳۳۰/۱۳۹۷۱۸/۴م۵ |
| رده بندی دیویی | : | ۴۸۳۷/۲۹۷ |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۵۳۹۱۰۷۴ |



مهارت‌های تعلیم و تربیت

حسن مشکاتی

=====

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت

مدیر چاپ: عبدالرسول ملک احمدی

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

طراح جلد: نفیسه میرفندرسکی

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷/اول

تعداد صفحه: ۱۷۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد



فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول: مفهوم‌شناسی و کلیات تعلیم و تربیت

۱. تعاریف تعلیم ۱۷
۲. تعاریف تربیت ۱۸
- ۱-۲. معنای لغوی ۱۸
- ۲-۲. معنای اصطلاحی ۱۸
- ۲-۳. از دیدگاه روانشناسی: ۱۹
- ۲-۴. تعریف قرآنی و کامل ۲۱
۳. نتیجه‌گیری از تعاریف تعلیم و تربیت ۲۲
۴. تعریف کلی و تحلیل تعلیم و تربیت ۲۳
- ۴-۱. «تعلیم و تربیت» چیست؟ ۲۴
۵. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت ۲۵
۶. انواع و ابعاد تعلیم و تربیت از نظر کیفی ۲۷
- ۱-۶. تربیت طبیعی یا تربیت مادی، جسمی و زیستی ۲۷
- ۲-۶. تربیت اجتماعی ۲۷
- ۳-۶. تربیت فکری و فرهنگی ۲۸
- ۴-۶. تربیت انسانی ۲۹
۷. انواع تعلیم و تربیت از نظر زمانی ۲۹
- ۱-۷. کوتاه‌مدت یا مقطعی ۲۹
- ۲-۷. بلندمدت یا دوره‌ای ۳۰
۸. سیر تعلیم و تربیت ۳۰
- ۱-۸. مرحله اول: جذب ۳۰
- ۲-۸. مرحله دوم: حفظ فراگیر ۳۱
- ۳-۸. مرحله سوم: سازندگی (ساخت) ۳۳
- ۴-۸. مرحله چهارم: کارآیی ۳۳

فصل دوم: مهارت‌های تعلیم و تربیت

۱. بخش اول: روش‌های مبنایی و اصولی ۳۶



- ۱-۱. روش تشکیل نگرش ۳۶
- ۱-۱-۱. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر ۳۸
- ۱-۱-۲. شرح کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر ۳۹
- ۱-۲. روش تشکیل عقیده ۵۰
- ۱-۲-۱. مفهوم تشکیل عقیده ۵۰
- ۱-۲-۲. مبانی تشکیل عقیده ۵۰
- ۱-۲-۳. کاربرد تشکیل عقیده در تعلیم و تربیت فراگیر ۵۱
- ۱-۲-۴. تشکیل نگرش و عقیده در آیات قرآن ۵۴
- ۱-۲-۵. تشکیل نگرش و عقیده در روایات ۵۶
- ۱-۳. روش تشکیل شخصیت و تأمین هویت ۵۷
- ۱-۳-۱. مفهوم‌شناسی هویت و شخصیت ۵۷
- ۱-۳-۲. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟ و یا هر دو بر هم تأثیر یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟ ۵۸
- ۱-۳-۳. تعلیم و تربیت اسلامی چه می‌گوید؟ ۵۹
- ۱-۳-۴. کاربرد تشکیل شخصیت و تأمین هویت در تعلیم و تربیت فراگیر ۶۰
- ۱-۳-۵. آسیب‌شناسی تشکیل شخصیت و تأمین هویت ۶۲
- ۱-۴. روش ایجاد شاکله ایمان ۶۳
- ۱-۴-۱. تعریف لغوی ۶۳
- ۱-۴-۲. ایمان چگونه بوجود می‌آید؟ ۶۳
- ۱-۴-۳. شکل‌یابی ایمان و تعلیم و تربیت فراگیر ۶۴
- ۱-۴-۴. نشانه حصول یا تکمیل ایمان ۶۴
- ۱-۴-۵. نقش دعا در تثبیت ایمان ۶۶
- ۱-۴-۶. آیات تشکیل ایمان: ۶۸
- ۱-۴-۷. رفتارهای تربیت‌شده بر اثر ایمان: ۶۹
- ۱-۵. روش تشکیل اخلاق حسنه ۷۰
- ۱-۵-۱. مفهوم‌شناسی اخلاق ۷۰
- ۱-۵-۲. شکل‌یابی اخلاق حسنه در تعلیم و تربیت فراگیر ۷۱
- ۱-۳-۵. نقشه‌های استعمارگران ۷۲
- ۱-۶. روش ایجاد هدف ۷۴
- ۱-۶-۱. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر ۷۴



- ۱-۶-۲. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا) ۷۴
- ۱-۷. ارزشگذاری ۷۶
- ۱-۷-۱. تعریف ۷۶
- ۱-۷-۲. ارزش شناسی ۷۶
- ۱-۷-۳. کاربرد ارزشگذاری در تعلیم و تربیت فراگیر ۷۸
- ۱-۷-۴. ارزشگذاری و ارزش شناسی در قرآن ۷۸
- ۱-۷-۵. دست یافته گان به ارزش ها ۸۰
- ۱-۷-۶. ارزشگذاری در نماز ۸۱
- ۱-۸. روش محبت نمودن ۸۲
- ۱-۸-۱. نکات کاربردی روش محبت ۸۳
- ۱-۸-۲. محبت در قرآن و روایات ۸۵
- ۱-۹. روش ایجاد جو حسن و قبح ۸۷
- ۱-۱۰. روش ایجاد شرایط و محیط ۸۷
- ۱-۱۰-۱. مفهوم شناسی ۸۷
- ۱-۱۰-۲. انواع شرایط و محیط ۸۸
- ۱-۱۰-۳. عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب ۸۹
- ۱-۱۰-۴. کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر ۹۰
- ۱-۱۰-۵. عوامل مؤثر بر شرایط و محیط تعلیم و تربیت ۹۴
- ۱-۱۰-۶. موضع تربیتی ۹۴
- ۱-۱۱. روش ایجاد شاکله تفکر صحیح ۹۵
- ۱-۱۱-۱. مفهوم شناسی تفکر صحیح ۹۵
- ۱-۱۱-۲. فواید تفکر صحیح ۹۷
- ۱-۱۱-۳. کاربرد ایجاد تفکر صحیح در تعلیم و تربیت فراگیر ۹۸
- ۱-۱۱-۴. منشأ تفکر صحیح ۱۰۰
- ۱-۱۱-۵. تفکر صحیح در متون اسلامی ۱۰۱
- ۱-۱۲. روش تربیت دینی ۱۰۵
- ۱-۱۲-۱. مفهوم ۱۰۵
- ۱-۱۲-۲. تربیت دینی چگونه حاصل می شود؟ ۱۰۶
۲. بخش دوم: روش های رفتاری ۱۰۷
- ۲-۱. روش «ایجاد رفتار تازه» ۱۰۷



- ۲-۲. روش «افزایش رفتار موجود» ۱۰۸
- ۲-۳. روش «نگهداری رفتارهای مطلوب» ۱۰۹
- ۲-۴. روش «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب» ۱۱۰
- ۲-۵. روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب» ۱۱۳
- ۲-۶. روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش» ۱۱۵
- ۲-۷. روش «استفاده از مقررات» ۱۱۶
- ۲-۸. روش «ساختن ظاهر» ۱۱۷
- ۲-۹. روش «ساختن درون و باطن» ۱۲۱
- ۲-۱۰. روش «فریضه‌سازی» ۱۲۲
- ۲-۱۱. روش «محاسبه‌ی نفس» ۱۲۳
- ۲-۱۲. روش «آراستن ظاهر» ۱۲۵
- ۲-۱۳. روش «تزیین کلام» ۱۲۵
- ۲-۱۴. روش «توبه» ۱۲۶
- ۲-۱۵. روش «تبشیر» ۱۲۷
- ۲-۱۶. روش «تعلیم حکمت» ۱۲۷
- ۲-۱۷. روش «موعظه حسنه» ۱۲۸
- ۲-۱۸. روش «یادآوری نعمت‌ها» ۱۲۸
- ۲-۱۹. روش «عبرت‌آموزی» ۱۲۸
- ۲-۲۰. روش «تزکیه» ۱۲۹
- ۲-۲۱. روش «براز توانایی‌ها» ۱۲۹
- ۲-۲۲. روش «انذار» ۱۳۰
- ۲-۲۳. روش‌های دیگر: ۱۳۰

فصل سوم: اصول اداره کلاس‌های تربیتی

۱. توان تربیتی ۱۳۳
- ۱-۱. تعریف ۱۳۳
- ۱-۲. عوامل مؤثر در توان تربیتی: ۱۳۳
۲. نحوه و شیوه بکارگیری یک روش تربیتی ۱۳۴
۳. شناخت فراگیر ۱۳۴
۴. ارتباط ۱۳۵



- ۱-۴. مفهوم‌شناسی فرآیند ارتباط ۱۳۵
- ۲-۴. ارتباط در فرآیند تدریس ۱۳۵
- ۳-۴. تحلیل ارتباط در فرآیند تدریس ۱۳۶
- ۴-۴. روش‌های ارتباطی ۱۳۷
۵. حاکم بر مدار یک کلاس ۱۳۸
- ۱-۵. رابطه و جریان آموزشی و یادگیری ۱۳۸
- ۲-۵. ارتباط عاطفی ۱۳۹
- ۳-۵. رابطه فکری ۱۳۹
- ۴-۵. جریان تربیتی ۱۳۹
- ۵-۵. «تعامل احساسی - شناختی» ۱۳۹
۶. آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر ۱۴۰
۷. رعایت نظم ۱۴۰
۸. معارفه ۱۴۱
۹. آماده‌سازی ۱۴۲
۱۰. محتوای تدریس ۱۴۲
- ۱-۱۰. محتوای تدریس چیست؟ ۱۴۲
- ۲-۱۰. نحوه ارائه محتوا: ۱۴۳
- ۳-۱۰. اجزای محتوا ۱۴۳
۱۱. جذابیت‌ها ۱۴۴
۱۲. محرک‌ها ۱۴۵
۱۳. شکل‌دهی ذهن فراگیر با نماد: ۱۴۵
۱۴. مشارکت فراگیر ۱۴۶
۱۵. ایجاد روحیه نشاط در کلاس ۱۴۷
۱۶. بازنگری ۱۴۸

فصل چهارم: برنامه تربیتی

۱. برنامه‌ی تربیتی ۱۵۱
- ۱-۱. تعریف ۱۵۱
- ۲-۱. فواید، لزوم و اهمیت ۱۵۱
- ۳-۱. ویژگیهای برنامه تربیتی ۱۵۲
- ۴-۱. مراحل برنامه تربیتی (کاربرد برنامه تربیتی در مراحل مختلف زندگی) ۱۵۳



- ۱-۴-۱. مرحله‌ی اول: انتخاب همسر(ازدواج والدین)..... ۱۵۳
- ۱-۴-۲. مرحله‌ی دوم: قبل از انعقاد نطفه..... ۱۵۴
- ۱-۴-۳. مرحله‌ی سوم: انعقاد نطفه(کوتاه‌ترین مرحله، ولی بسیار مهم)..... ۱۵۵
- ۱-۴-۴. مرحله‌ی چهارم: پس از انعقاد نطفه..... ۱۵۶
- ۱-۴-۵. مرحله‌ی پنجم: تولد و نوزادی (ایجاد شخصیت فردی)..... ۱۵۶
- ۱-۴-۶. مرحله‌ی ششم: دوران کودکی..... ۱۵۶
- ۱-۴-۷. مرحله‌ی هفتم: پایان دوران کودکی، نوجوانی، دوره اطاعت، ۷ تا ۱۴ سالگی..... ۱۵۷
- ۱-۴-۸. مرحله‌ی هشتم: دوران بلوغ، دوران وزارت یا تولد ثانی یا دوران تحولات درونی..... ۱۵۸
- ۱-۴-۹. مرحله نهم: ازدواج و تشکیل خانواده مطلوب..... ۱۵۹
- ۱-۴-۱۰. پس از دوران بلوغ و تا پایان عمر..... ۱۶۳
۲. برنامه‌ی خودسازی (برنامه تربیتی یا حداقل‌های خودسازی)..... ۱۶۴
- فهرست منابع و مأخذ..... ۱۶۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ

انى تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و عترتى، ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا

سخن ناشر

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان، در راستای هدف محوری خود (تربیت نیروی کارآمد برای تبلیغ دین) و برای تحقق رهنمود اعلام شده از طرف رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر فراهم کردن زمینه نقش آفرینی اساتید و دانشجویان دانشگاه در جامعه جهانی، اقدام به تأسیس انتشارات نموده است.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت به منظور تأمین نیازهای علمی مخاطبان در سطوح مختلف، منشورات خود را در سه سطح «کتاب پژوهشی»، «کتاب درسی» و «کتاب عمومی» در حوزه علوم انسانی و اسلامی منتشر می کند.

مجموعه کتابهای سطح یک (کتاب پژوهشی) آثار فاخر علمی پژوهشی هستند که مخاطب آن اساتید و متخصصان در حوزه یاد شده می باشند. منابع درسی یا کمک درسی مورد نیاز دانشجویان در رشته های علوم انسانی و اسلامی، تحت عنوان مجموعه کتابهای سطح دو (کتاب درسی) منتشر می شوند. مجموعه کتابهای سطح سه (کتاب عمومی) به آثاری گفته می شود که با هدف ترویج علم و برای مخاطب عمومی منتشر می گردند.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت با تقدیر از مؤلف محترم و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همکاری کرده اند، این «کتاب درسی» را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

انتشارات

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان



مقدمه

انسان کیست؟ از کجا آمده؟ چه باید انجام دهد؟ و بالاخره، به کجا می‌رود؟ در طول تاریخ، این سؤالات، همواره برای بشر مطرح بوده است.

انسان به رشد و تکامل نیازمند است و این مهم توسط دیگر انسان‌ها و در میان جامعه انسانی انجام‌پذیر می‌باشد. حاصل زیست بشر تاکنون این بوده است که: برای تعالی یافتن، جلوگیری از هدررفتن و ضایع شدن توانایی‌ها و نیروهای عظیم و ارزشمند درونی، لازم است انسان تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد.

آیا گمشده ملت‌ها، و راه حل انواع مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... را در تعلیم و تربیت، نمی‌توان جستجو کرد؟ هر چه بر مفسد، جرم و جنایت‌ها و انواع مشکلات و ناهنجاریها افزوده شود، نیاز به تعلیم و تربیت بیشتر می‌شود.

در میان جامعه، و در هر زمان، لازم است انسان‌های تربیت شده‌ای باشند، تا انسان‌های دیگر را تحت تربیت خود قرار داده، تعالی بخشند. اینان مریانی‌اند که به مصداق (... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارٍ) در راه او، به مهم‌ترین قیام‌ها، که همانا قیام به تعلیم و تربیت انسان‌هاست، دست می‌زنند. نقش حساس فرهنگ‌سازان و مریبان در جامعه به عنوان سازندگان انسان‌ها و قائمان لله، از آن جهت نمودار و روشن



می‌گردد که کمبود یا نبود آنان در جامعه، مساوی است با سقوط ارزش‌ها، فقدان رشد و تعالی، بروز سنت‌های غلط، خرافات و انحرافات مختلف، فساد و فتنه و ...

در قرآن کریم بطور متعدد از تعلیم و تربیت بعنوان هدف بعثت پیامبر اسلام ﷺ ذکر شده و اولین آیات نازل شده قرآن، آیاتی بودند که تعلیم و تربیت را تعقیب می‌نمودند.

لذا بیشترین تلاش و کوشش انبیاء، اوصیای الهی و مصلحان، در طول تاریخ صرف این مهم شده، که با تعلیم و تربیت صحیح، فرد و جامعه را پرورش دهند.

کتاب حاضر، بر اساس سرفصل درس کارگاه مهارت‌های تعلیم و تربیت (که از دروس دوره‌های دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان می‌باشد) تدوین شده و برای دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های مرتبط با تعلیم و تربیت، مشاوره، روانشناسی اسلامی و ... هم‌چنین برای همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت (والدین، برنامه‌ریزان، مدرسین، مربیان، دبیران، معلمان و ...) کاربرد و کارایی لازم را دارا می‌باشد.

در پایان از خانم فروز دیبانی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام که در تدوین، تنظیم و ویرایش این مجموعه همکاری نموده‌اند، تشکر می‌گردد.

امید است تلاش‌های ما در تربیت نسلی پویا و مهذب متمرکز گردیده، شاهد آینده‌ای درخشان برای دین، انقلاب و میهن اسلامی بوده و رضایت امام زمان عجلتعالی فرجه را جلب نمائیم.

با تشکر

حسن مشکاتی

چاپ اول - تابستان ۱۳۹۷

فصل اول

مفهوم شناسی و کلیات تعلیم و تربیت

آنچه در فصل اول می‌خوانیم:

۱. تعاریف تعلیم
۲. تعاریف تربیت
- از نظر لغوی
- معنای اصطلاحی
- از دیدگاه روانشناسی
- از دیدگاه قرآن (تعریف قرآنی و کامل)
۳. نتیجه‌گیری از تعاریف
- تعلیم و تربیت
۴. تعریف کلی و تحلیل تعلیم و تربیت
- «تعلیم و تربیت» چیست؟
۵. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت
۶. انواع و ابعاد تعلیم و تربیت از نظر کیفی
- تربیت طبیعی
- تربیت اجتماعی
- تربیت فکری و فرهنگی
- تربیت انسانی
۷. انواع تعلیم و تربیت از نظر زمانی
- کوتاه مدت یا مقطعی
- بلند مدت یا دوره‌ای
۸. سیر تعلیم و تربیت
- جذب
- حفظ فراگیر
- سازندگی
- کارآئی



۱. تعاریف تعلیم

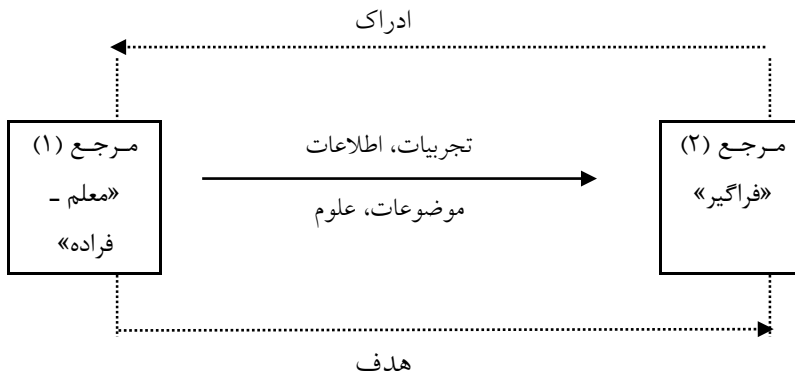
۱-۱. ایجاد زمینه‌ها و عوامل برای اینکه فراگیر دانشی را واجد شود.

۱-۲. انتقال اطلاعات، علوم و تجربیات از مرجعی به مرجع دیگر به طوری که فهمیده و ادراک

شده و بر مبنای هدفی مشخص باشد.

با بازگو نمودن صرف یک مطلب، تعلیم حاصل نمی‌شود بلکه زمانی تعلیم به صورت واقعی خود انجام شده است که همراه با ادراک مطالب باشد. منظور از اهداف در انتقال مطالب نیز معمولاً اهداف کلی، مرحله‌ای و رفتاری می‌باشند. اکتفا کردن به بیان مطلب در تعلیم و عدم وجود ادراک در نظام آموزشی حاکم بر کشور، باعث مواجه شدن با مشکلات عدیده و عقب ماندگی در عرصه‌های مختلف می‌شود.

اجزاء و فرآیند تعلیم در شکل زیر مشخص گردیده است:





علت اینکه نقطه چین روی نمودار وجود دارد این است که هدف انتقال دهنده دقیقاً معلوم نیست و البته ادراک هم معلوم نیست بصورت کامل رخ دهد.

* می توان گفت: اگر ادراک رخ ندهد، تعلیم نیز رخ نداده است.^۱

بعنوان مثال آموزش چهل حدیث و تنها حفظ آن از سوی فراگیران تنها آنان را در مدار تعلیم قرار می دهد و تربیت زمانی ایجاد می شود که مفاهیم احادیث به فرد رشد داده و به او ارزش دهد.

۲. تعاریف تربیت

تعاریف ذیل، که هر کدام از زاویه یکی از علوم بیان شده است:

۲-۱. معنای لغوی

اضافه نمودن و رشد و نمودادن

تربیت از نظر لغوی یعنی اضافه و زیادنمودن و رشد و نمودادن است.

* جنبه کاربردی مفهوم لغوی تربیت، یعنی هر روز چیزی اضافه شود و در بُعد غیر جسم و درون، زیاد نمودن خصوصیات انسانی است.

۲-۲. معنای اصطلاحی

در مورد انسان به کار می رود و آن یعنی رشد، نمو و پرورش نهادهای درونی و رفتارهای انسان است.

رشد ← نمو ← پرورش ← تربیت

رشد هم در مورد انسان صادق است، هم در مورد موجودات دیگر.

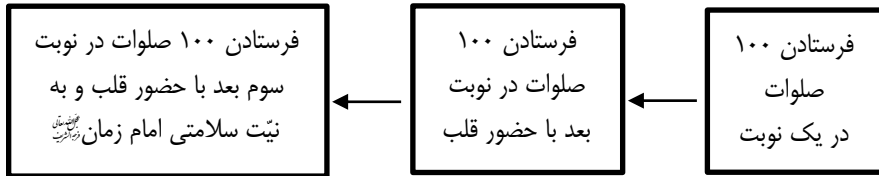
وقتی موجودی از جایی به جایی دیگر یا از وضعیتی به وضعیت دیگر حرکت کند،

۱. در این کتاب مواردی که با ستاره (*) مشخص گردیده و یا معمولاً زیر آن خط کشیده شده معمولاً به جنبه های کاربردی آن مبحث اشاره دارد و می تواند بعنوان یک اصل، روش یا قانون تربیتی تلقی گردد.

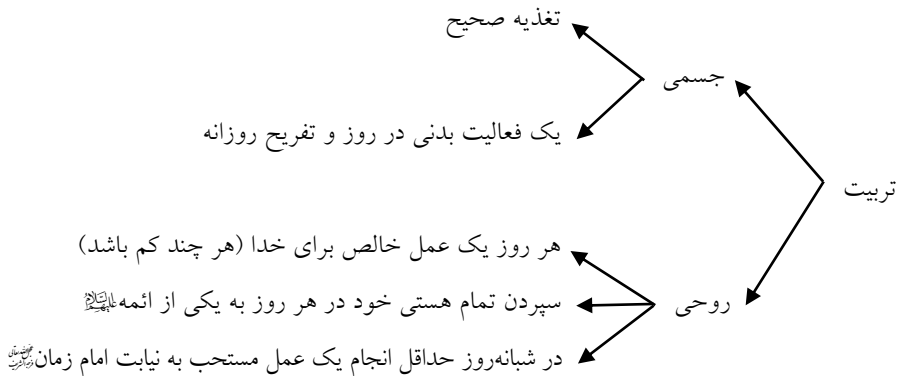


رشد صورت گرفته است.

بطور مثال در مورد انسان رشد بدین صورت انجام می‌پذیرد:



تداوم رشد، منتهی به نمو می‌شود و پرورش، تداوم نمو است (که بر مبنای هدف و برنامه تحقق می‌یابد). برای بسیاری از جانداران، ممکن است نمو نهایی وجود داشته باشد اما نمو انسان را نهایی نیست.



۳-۲. از دیدگاه روانشناسی:

ایجاد تغییرات مثبت در فراگیر

* تغییرات مثبت یعنی به وجود آوردن رفتار و عادات مطلوب و نیز ترک دادن رفتارها و عادات ناهنجار. اگر مربی بتواند تغییراتی در فراگیر ایجاد نماید و این تغییرات پا برجا بماند، تربیت انجام شده است.

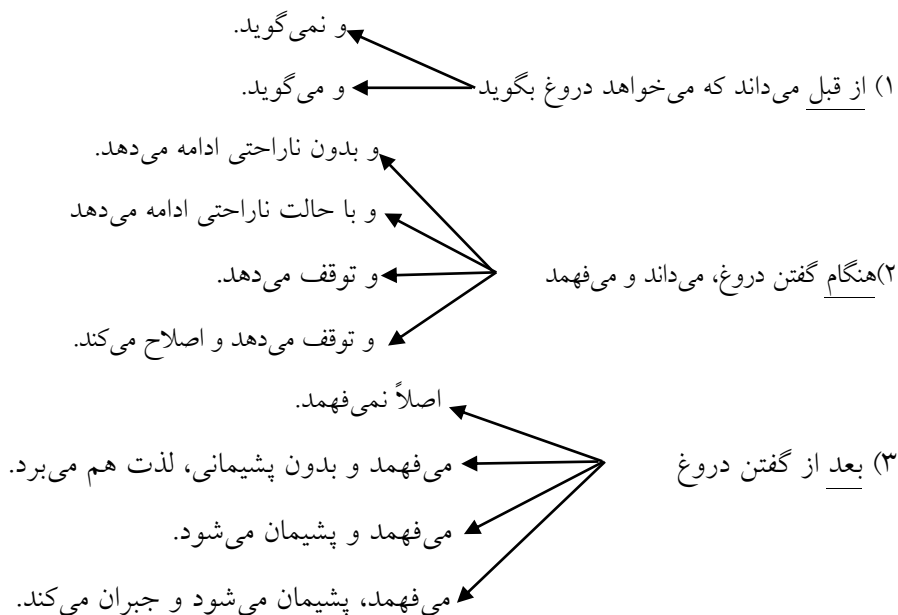
به هر کاری که فرد انجام می‌دهد رفتار گفته می‌شود و رفتار تثبیت شده، عادت نامیده می‌شود. عادت، رفتار یا حالتی است تثبیت شده، که فرد بی‌اختیار مرتکب آن می‌شود.



عادات خوب: عاداتی که تحت برنامه و هدف باشند، منس و شاکله گردند، خوب هستند.

* مربی با تبدیل حالات، رفتارها و عادات ناهنجار به هنجار، فرد را در مدار تربیت قرار می دهد.

به عنوان مثال در دروغ گفتن، ابتدا به عنوان فعل نمود می یابد، سپس عادت می شود (=تداوم فعل)، آنگاه تبدیل به یک خصلت ناهنجار می گردد. مربی که هدف او تربیت است برای رسیدن به این هدف لازم است بررسی نماید فراگیر از لحاظ ارزش ها، در کدام یک از حالات دروغ قرار دارد، پس، زمینه هایی به وجود آورد تا ارزش ها برای او مفهوم یافته، ایجاد زمینه ها و شرایط تربیت را محقق سازد، در مجموع ۳ حالت نسبت به دروغ وجود دارد که در ذیل مشخص شده است:



لازم به ذکر است ایجاد و یا ترک هر یک از رفتار و عادات، با روشی جداگانه انجام پذیر خواهد بود. هدف مربی باید ایجاد تغییر (ایجاد یا ترک) در افراد باشد.



تشویق، اهداء جوایز، برخورد مناسب و ... که مربی در برنامه خود قرار می‌دهد، از جمله اقداماتی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب انجام می‌پذیرد.

۴-۲. تعریف قرآنی و کامل

انجام کلیه اعمال و رفتارها بر اساس نگرش، عقیده،^۱ ایمان و اخلاق حسنه و بطور کلی زیستن فرد بر مبنای آنها و در نهایت واجد شدن حسن عمل.

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ)^۲

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است.

* از نظر تعلیم و تربیت اسلامی (قرآن و دستورات ائمه علیهم‌السلام) بین فعل و عمل تفاوت وجود دارد:

۱. افعال (رفتار): انجام دادن کاری (فعلی) با اعضاء (مانند دست و پا و زبان و چشم و...) اعم از ارادی و غیرارادی بودن مانند راه رفتن، حرف زدن، نگاه کردن.
 ۲. اعمال (کردار): از نگرش فرد سرچشمه گرفته و عامل و علت آن عقیده بوده و به آن اجر (حداقل بهشت) تعلق گرفته و ملاک و میزان و حساب فردای قیامت بوده، باعث قرب و رضای الهی است (اجر والای عمل).
- مانند: اصلاح ذات‌البین، بخشش مال، جهاد در راه خدا، مقابله با مفسد، فرار از غیبت و دروغ و تهمت، طاعات و فرائض، تفکر درباره خداوند و ... (اینها اگر با نیت الهی و از روی نگرش و عقیده انجام شوند، عمل محسوب شده و اجر دارند و اگر بدون هدف و نیت خدایی باشند تبدیل به نوع اول یعنی رفتار شده و چندان اجری بدنبال نخواهند داشت).

۱. مفاهیم نگرش و عقیده در فصل دوم ذکر شده است.

۲. ملک/۲



۳. یک «عمل کامل» عبارت است از:

(الف) اصل و نفس عمل (از نظر فلسفه، علت و فواید و اهداف و نتایج و تأثیر آن مانند وجود فلسفه برای نماز و روزه و حجاب و ... فریضه و واجب بودن آنها و توجه لازم داشتن به آنها).

(ب) شکل و نحوه انجام دادن آن (از نظر شرایط و نوع آن عمل مانند نحوه خواندن نماز و اینکه عمل خلاف شرع و عرف و عقل انجام نشود).

(ج) احکام، حدود و میزان عمل (از نظر مقدار و محدوده عمل) مانند تعداد رکعات و وضو داشتن و ...)

*نکته مهم: شرط صحت و قبولی یک عمل در تعلیم و تربیت اسلامی تحقق همه موارد فوق برای یک عمل است.^۱

۳. نتیجه گیری از تعاریف تعلیم و تربیت

۳-۱. هدف و مقصود نهایی تعلیم، امر حیاتی تربیت است؛ و دو واژه تعلیم و تربیت، مکمل و متمم یکدیگر بوده، هر کدام بدون دیگری دارای نقص می باشند؛ حتی می توان آن را بدون ارزش دانست و اصولاً تربیت منهای تعلیم، امکان پذیر نیست؛ چرا که تربیت از مسیر تعلیم خواهد گذشت. لذا این دو واژه همواره با هم بکار برده می شوند. و هر دو با هم بعنوان یک فرآیند و جریان تلقی می شوند.

با تعلیم بدون تربیت نمی توان به آرمان های والای بشری و بُعد انسانیت انسان نائل آمد، و گاهی، حتی از آنها دور شده، ضدیت با ارزش های انسانی و اخلاقی حاصل می شود. آنچه در جوامع اروپایی و آمریکایی در حال حاضر وجود دارد، پیشرفت در

۱. در بعضی مستحبات، نفس عمل مهم است، در بعضی موارد، اگر به شکل عمل توجه نگردد، باز عمل پذیرش می شود، مانند: نماز شب که نشسته خوانده شود.



علم، صنعت و تکنولوژی و مواجهه‌بودن با ابتذال و ضدیت با ارزش‌های الهی است. ولی اگر به فرآیند تعلیم و تربیت (هر دو باهم) پرداخته شود و به تدریس و تعلیم تنها اکتفا نشود، و تعلیم و تدریس، مقدمه و لازمهٔ تربیت دانسته شود و امکانات و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها را در جهت آندو تنظیم نمود، مسلماً اهداف والای انسانی که همان سعادت و خوشبختی در این دنیا و سرای آخرت است تحقق خواهند یافت.

با توجه به آیات قرآن اولین مربی و معلم، خداوند است و می‌توان گفت اولین شاگرد حضرت آدم^۱.

۲-۳. گاهی آموزش و تعلیم همان تربیت بوده و تفکیک‌ناپذیرند. آموزش‌های اجتماعی، یا آموزش‌های اخلاقی مانند راستگویی، آموزش نیکوسخن‌گفتن، همان تربیت است. لذا صرف انواع منابع انسانی و مالی در آموزش‌های فرد و جامعه هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری است. آموزش صرف هنگامی است که نسبت به علمی، فقط اطلاعات آن علم منتقل شود.

بعنوان مثال در علم ریاضیات، قوانین، در علم شیمی، فرمول‌ها و در علم فیزیک، قواعد آن به فراگیر آموزش و انتقال داده شود، هرچند که این یادگیری‌ها گاه بطور مستقیم (بکارگیری این اطلاعات در زندگی روزمره) و یا غیرمستقیم (تقویت حافظه و قوای ذهنی) ممکن است جنبهٔ تربیتی پیدا کنند.

۴. تعریف کلی و تحلیل تعلیم و تربیت

در صفحات قبل تعاریف تعلیم و تربیت بطور جداگانه بررسی شد حال به تعاریف هر دو باهم بعنوان یک فرآیند و جریان پرداخته می‌شود.

۱. ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق/۴ و ۵) (پروردگارت) کسی است که بوسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حمد/۲) ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، ﴿وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...﴾ (انعام/۱۶۴) او پروردگار همه چیز است.



۴-۱. «تعلیم و تربیت» چیست؟

۴-۱-۱. «تعلیم و تربیت»، مجموعه‌ی منظمی از اعمال و رفتار است که انسان آگاهانه و از روی عمد (= تکلیف، رسالت، تعهد) و بر مبنای اصول و قوانین مشخص، برای رسیدن به اهداف و ارزش‌ها انجام می‌دهد. لذا آشنایی با قوانین حاکم بر رفتار آدمی و رعایت مبانی و اصول تعلیم و تربیت، عامل موفقیت و سعادت او بوده، از انواع انحرافات و شقاوت‌ها جلوگیری می‌نماید.

حاصل و نتیجه‌ی تعلیم و تربیت، ساخته‌شدن و ساختن است، با مشاهده فرد خودساخته و با سعادت، می‌توان به این نتیجه پی برد که وی تحت مجموعه‌ی برنامه‌ی تربیتی و تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

۴-۱-۲. تعلیم و تربیت کوششی است هدف‌دار، یعنی اینکه می‌دانیم چه می‌خواهیم؟ و به کجا می‌رویم؟ و مسیر زندگی در چه جهتی است؟ و هر روز باید چه انجام داد؟ و اهداف روزانه و غایی ما چیست؟ و لذا فرآیند تعلیم و تربیت بطور صحیح و اصولی، نیازها را به خواسته‌ها و استعدادها را به توانایی‌ها تبدیل می‌کند. اهداف روزانه و غایی لازم است با ارزش و متعالی بوده و توان متکامل نمودن انسان را دارا باشند، چرا که وصول به آن، منافع فرد و مصالح اجتماع را تضمین می‌نماید.

* نکته مهم اینکه، تعلیم و تربیت مستلزم طرح و نقشه‌ی مناسب بوده که به آن برنامه‌ی تربیتی گفته می‌شود.

۴-۱-۳. تعلیم و تربیت، فرآیندی کاربردی و مبنای زیست انسان بوده و باید از آن در تمام ابعاد زیست‌طولی و عرضی استفاده نمود.

زیست عرضی انسان شامل اعمالی است که در یک روز انجام می‌دهد از قبیل: وضو، نماز، اشتغال، صبحانه، آشپزی، بچه‌داری، خانه‌داری و ... سپری شدن یک روز و



حرکت در عرض.

زیست طولی از تولد، سپری شدن دوره نوزادی، طفولیت، کودکی، نوجوانی، میانسالی، پیری و مرگ و مراحل پس از آن. طرح و نقشه‌هایی برای راه آینده (نظیر تحصیلات، نوع شغل، انتخاب همسر و خصوصیات آن، تعداد فرزند و ...) در زیست طولی مطرح می‌شوند.

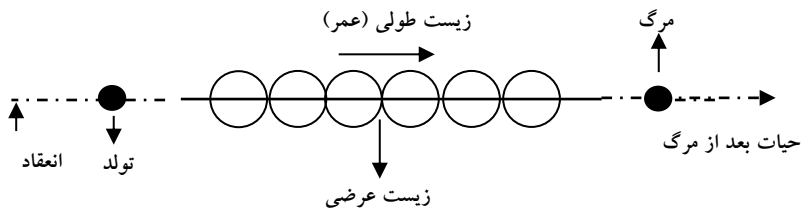
۵. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت

الف) اوجب واجبات چیست؟

می‌توان گفت اوجب واجبات، ساخته شدن و ساختن است. یعنی خودسازی در تمام ابعاد که این مهم، محصول تربیت و تعلیم است.

ب) تفاوت انسان با دیگر موجودات، تمایز او در میان انسان‌ها و فضیلت و برتری او در عالم خلقت، نتیجه تعلیم و تربیت است. آدمی در زندگی خود به دنبال سعادت و خوشبختی و کامیابی بوده و از شقاوت و تیره‌روزی و بدبختی و مصائب، گریزان.

ج) انسان از هر نژاد، دین و فرهنگ، محور فعالیت‌های روزانه (زیست عرضی) و دراز مدت (زیست طولی) خود را بر مبنای دو اصل «کسب سعادت» و «پرهیز از شقاوت» متمرکز می‌کند.



د) دستورات اسلام و سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام از یک سو، ایجاد جامعه سالم و برقراری عدالت و دوری از ظلم، فسق و فساد از سوی دیگر موجب سازندگی



انسان‌هاست، و همواره تلاش نموده‌اند برای ایجاد جامعه مطلوب انسان‌های مطلوب را پرورش دهند، و این مهم ممکن نیست مگر با تعلیم و تربیت، لذا همواره دستورات اسلام، سفارشات قرآن و ائمه علیهم‌السلام در راستای تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده است و از اینجاست که اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت مشخص می‌شود.

هدف از کسب و کار، ازدواج، انتخاب همسر، تحصیل علم و ... همه و همه بر دو اصل فوق مبتنی است. فردی سعادت را در کسب مال حلال می‌داند و دیگری سعادت را در کسب سود از راههای غیرمشروع. تفاوت در کجاست؟

و آنچه این دو اصل را محقق ساخته و خوشبختی دو جهانی را برای او حاصل می‌کند، به جریان‌افتادن فرآیند تعلیم و تربیت است.

همانگونه که برای آتش افروختن و ایجاد حرارت، تنها نیروی موجود در نوک کبریت کافی نیست و نیاز به عاملی است که حرارت لازم را ایجاد نماید و آن همان سطح زبر کنار جعبه کبریت است که حاصل اصطکاک آن با سر کبریت، اشتعال و ایجاد حرارت می‌باشد، در وجود انسان‌ها نیز نیرویی وجود دارد که تمنای سعادت برای انسان نموده و از آنچه موجب شقاوت اوست، گریزان است. صرف وجود این نیرو برای سعادت انسان کافی نیست، بلکه نیاز به عامل مهم دیگری به نام تعلیم و تربیت است که سعادت فرد را تضمین نماید. این نیرو زمانی که تحت مجموعه برنامه‌ای قرار گیرد، حاصل و برون‌داد آن، فردی سعادت‌مند خواهد بود. در نتیجه برای وصول به سعادت، رفاه و آسایش در همه ابعاد، توجه جدی به تعلیم و تربیت برای همه ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند.



۶. انواع و ابعاد تعلیم و تربیت از نظر کیفی

۱- ۶. تربیت طبیعی یا تربیت مادی، جسمی و زیستی

در این نوع تربیت که از قوانین طبیعت پیروی می‌کند، فراهم آوردن زمینه رشد مغزی و جسمی ضروری است. و لازم است حفظ صحت و تندرستی جسم را مقدمه سلامت روان دانست و از طبیعت غریزی و قوای ذاتی و طبیعی انسان بعنوان وسیله‌ای در جهت تعالی روح استفاده نمود.

*تغذیه علمی، تفریح سالم و ورزش از ضروریات این نوع تربیت است.

هدف بسیاری از والدین در تربیت فرزندان، تربیت طبیعی و تأمین خوراک و پوشاک و ... می‌باشد، حال آنکه این تربیت فقط نوعی از انواع آن و مقدمه‌ای است برای تربیت‌های بعدی نه همه تربیت و غایت آن.

۲- ۶. تربیت اجتماعی

اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی داشتن.

تضاد با اجتماع مانع حرکت، رشد، تکامل و تعالی فرد است. جامعه برای فرد، زمینه و مرکز و مهدی است که می‌تواند در آن پرورش یابد. از ضروریات این نوع تربیت آموزش و فراگیری، برقراری و تنظیم روابط اجتماعی (روابط عاطفی، عقلی، رسمی، دوستی و ...) و همچنین فراگیری نحوه معاشرت اجتماعی می‌باشد.

جنبه‌های کاربردی تربیت اجتماعی:

۱. فراگیر بتواند حدود و مقررات اجتماعی را رعایت نماید.

۲. سازش اجتماعی بیابد.

۳. جنبه اعتدال را در امورات در نظر بگیرد.

۴. روابط و معاشرت‌های اجتماعی را تنظیم نماید.



۵. در محیط خود ایفای نقش نماید.

۶. به مدیریت و رهبری در حد خود برسد.

به عنوان مثال مربی به فراگیر آموزش می‌دهد؛ هنگام برخورد با بزرگترها سلام کن. در برقراری ارتباط می‌گوید: با بزرگتر از خود شوخی نکن. برای انتخاب دوست، دوستان خوب انتخاب کن، سپس در محیط فAMILI می‌شناس می‌کند با چه کسی دوستی کن. در جهت تنظیم روابط می‌گوید: با سن کوچکتر یا بزرگتر از خود چگونه دوستی کن. والدین لازم است معاشرت اجتماعی را با نزدیکان و یا معاشرت با هم‌خوابگاهی را در یک سربازخانه یا خوابگاه دانشجویی به فرزند آموزش دهند.

در تربیت فوق دو موضوع روابط اجتماعی و معاشرت اجتماعی مطرح است، تماس مقدمه ارتباط و ارتباط مقدمه معاشرت است.

تماس ← ارتباط ← معاشرت

۳-۶. تربیت فکری و فرهنگی

از ویژگی‌های این نوع تربیت، پرورش هوش، فهم و بصیرت، تمدن (= سیر تاریخی زیست انسان)، حصول ادبیات ملی، رشد قوه تعقل، فهم واقعیات و مهم‌تر دخالت تفکر در همه امورات است.

از ضروریات این نوع تربیت وجود الگوهای فردی (عقیده)، الگوهای جمعی (فرهنگ اسلامی)، خوگرفتن انسان با این الگوها، ادراک و اکتساب آنان، مبنای زیست فردی و جمعی قراردادن این الگوها و زندگی فردی و جمعی نمودن با آنان می‌باشد. لازم به ذکر است الگوهای صحیح و مورد تأیید، آیات و احادیث مطلوب تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشد.

* بُعد کاربردی این نوع تربیت، تفکر در امور و سپس عمل است.



۴-۶. تربیت انسانی

«رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند»

این نوع تربیت هدف خلقت و آفرینش انسان است. او با وصول به این نوع تربیت به معنا و مفهوم انسانی دست یافته و با آن عبث و بی‌فایده نخواهد بود. نیل به اطمینان و ایمان درونی و صفای باطن از نمودهای این نوع تربیت است. برای کسب این نوع تربیت لازم است از تربیت طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گذر نمود.

* غایت این نوع تربیت دفع رذائل، کسب فضایل روحی، روانی و اخلاقی، تکامل همه‌جانبه انسان، گذر از نفسانیات و رسیدن به ارزش‌های متعالی و معقول می‌باشد.

۷. انواع تعلیم و تربیت از نظر زمانی

هر فرد در طول چه مدتی باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد؟

۱-۷. کوتاه‌مدت یا مقطعی

در این حالت فرد در مدت زمان کوتاهی تحت برنامه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، مانند: کلاس‌های آموزش قرآن و مشابیه، کلاس‌های تقویتی و تجدیدی، کلاس‌های کوتاه مدت تابستانه در کانون‌ها، مساجد، جلسات مقطعی و ... که در این صورت تعلیم و تربیت یا سطحی است و یا به آموزش صرف یک درس، مانند تجوید و روانخوانی در زمانی کوتاه تبدیل می‌شود، طبیعی است اهداف تعلیم و تربیت چندان تحقق نخواهند یافت. ولی در شرایط خاص و در صورت بالابودن توان تربیتی مربی و معلم و مناسب‌بودن فضا و محیط و شرایط و در صورت فراهم‌بودن بستر مناسب ممکن است اهداف تعلیم و تربیت تحقق یافته، در فرد تحولی ایجاد شود.



۲-۷. بلندمدت یا دوره‌ای

در این حالت فرصت کافی برای تحقق برنامه‌ها و اهداف تعلیم و تربیت وجود دارد و فرد در مدت زمان لازم می‌تواند تحت برنامه قرار گیرد، مانند: طول سال تحصیلی، جلسات هفتگی سالیانه در مساجد و

۸. سیر تعلیم و تربیت^۱

برای تربیت نیروهای انسانی (فراگیر، فرزند، ...) لازم است فرد یا افراد در راستای تغییر، رشد، سازندگی و تربیت، مسیری را طی نمایند. این سیر معمولاً در ۴ مرحله می‌باشد.

۱-۸. مرحله اول: جذب

* در این مرحله لازم است مربی و والدین با خوش‌رویی، برخورد صحیح، ایجاد ارتباط عاطفی، ادراک فراگیر، احترام و تکریم‌نمودن و شخصیت‌دادن به فرد، وی را جذب نموده، با او رابطه دوستانه برقرار نمایند.

لازم بذکر است تنها با انواع تبلیغات مانند اطلاعیه، نمایش فیلم، جوایز، توصیه‌ها و موارد مشابه جهت ثبت‌نام در کلاسها و جلسات، افراد را نمی‌توان جذب نمود.

* اهداف مرحله جذب:

۱ - انس گرفتن فراگیر با مربی و محیط (کلاس)

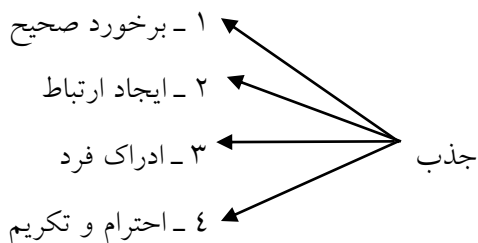
۲ - شناخت فراگیر از نظر استعدادها، توانایی‌ها، نیازها، خواسته‌ها، کمبودها و ناهنجاری‌های

احتمالی

۳ - شناخت محیط و برنامه تربیتی فراگیر

نتیجه مرحله جذب ایجاد انگیزه در فراگیر می‌باشد.

۱. ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ (عنکبوت/۲)



۲-۸. مرحله دوم : حفظ فراگیر

حفظ فراگیر معادل استمرار ارتباط و حضور فراگیر است. در صورتی که وی در اختیار مربی باشد، می‌توان او را تحت برنامه تربیتی قرار داد.

✳ عوامل مؤثر در حفظ فراگیر یعنی برای اینکه فراگیر در اختیار مربی باشد.

۱. استفاده از انواع تشویق‌ها: (پایین‌ترین مرحله تشویق، جایزه است، مثل استفاده از کارت صدآفرین در دوره ابتدایی، استفاده از تقدیرنامه و لوح سپاس در دوره راهنمایی و دبیرستان).
۲. استفاده از جذابیت‌های چهارگانه: جذابیت در مطلب (استفاده از داستان‌ها و حکایات و ...)، جذابیت در فضای آموزشی، جذابیت در روش تدریس و نهایتاً جذابیت در ویژگی‌های مربی از نظر ظاهری، شخصیتی و اخلاقی.

۳. تداوم ارتباط دوستانه با فراگیر: ارتباط عاطفی، ارتباطی قلبی و توأم با شور و احساسات است و نتیجه برقراری چنین ارتباطی، نزدیک‌شدن و پیوند محکم با فرد می‌باشد.
- تداوم ارتباط از طریق برخوردهای شاد و با نشاط، تحویل گرفتن و احترام گذاشتن، مشورت نمودن، همراز شدن، صمیمی شدن، زمان‌هایی را با هم بسربردن (در نماز جماعت، مجالس، اردوها، دیدار، سفر و ...)، ایجاد وجه اشتراک‌های اخلاقی، فکری، ایجاد ارتباط معنوی (با توحید و از خداگفتن و ...) حاصل خواهد شد.



۳-۸. مرحله سوم: سازندگی (ساخت)

این مرحله توسط برنامه تربیتی و در پرتو جو عاطفی انجام پذیر خواهد بود.
(در فصل چهارم به آن پرداخته می شود)

۴-۸. مرحله چهارم: کار آبی

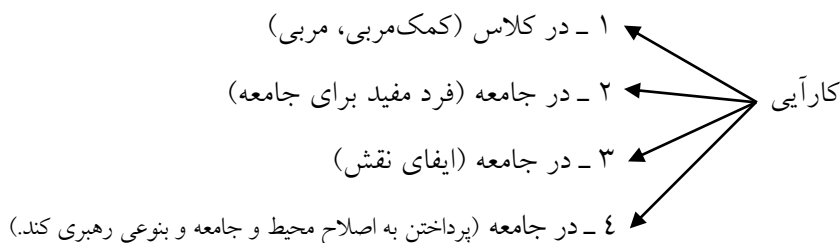
(قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...)

«بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهیم، و آن اینکه دو نفر دو نفر یا به

تنهایی برای خدا قیام کنید.»

پس از طی مراحل سه گانه فوق، لازم است فراگیر، به نوعی مفید واقع شده، در اجتماع به عنوان فردی فعال در زمینه ای ایفای نقش نموده، به اصلاح جامعه بپردازد؛ حتی بتواند نقش مدیریتی یا اصلاح و رهبری را ایفا نموده، خود مولد باشد. (لازم است توجه او را به وظایف و مسئولیت های الهی جلب نمود).

* لازم به ذکر است یک کلاس و یا جلسه عبارت است از مربی و حداقل یک فراگیر و لذا مربی برای مربی شدن و کلاس داری نمودن بهتر است ابتدا از کلاس و جلسات با نفرات کم شروع نماید.



پیامبران علیهم السلام و ائمه اطهار علیهم السلام و رهبران، در طول تاریخ، برای هدایت انسان ها، به دنبال مردم می رفته اند و نمی نشستند تا مردم بیابند هدایت شوند.

فصل دوم

مهارت‌های تعلیم و تربیت

آنچه در فصل دوم می‌خوانیم:

بخش اول: روش‌های مبنایی و اصولی

۱. روش تشکیل نگرش
۲. روش تشکیل عقیده
۳. روش تشکیل شخصیت و تأمین هویت
۴. روش ایجاد شاکله ایمان
۵. روش تشکیل اخلاق حسنه
۶. روش ایجاد هدف
۷. ارزشگذاری
۸. روش محبت نمودن
۹. روش ایجاد جو حُسن و قبح
۱۰. روش ایجاد شرایط و محیط
۱۱. روش ایجاد شاکله تفکر صحیح
۱۲. روش تربیت دینی

بخش دوم: روش‌های کاربردی

۱. روش «ایجاد رفتار تازه»
۲. روش «افزایش رفتار موجود»
۳. روش «نگهداری رفتارهای مطلوب»
۴. روش «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب»
۵. روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»
۶. روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»
۷. روش «استفاده از مقررات»
۸. روش «ساختن ظاهر»
۹. روش «ساختن درون»
۱۰. روش «فریضه‌سازی»
۱۱. روش «محاسبه نفس»
۱۲. روش «آراستن ظاهر»
۱۳. روش «تزیین کلام»
۱۴. روش «توبه»
۱۵. روش «تبشیر»
۱۶. روش «تعلیم حکمت»
۱۷. روش «موعظه حسنه»
۱۸. روش «یادآوری نعمت‌ها»
۱۹. روش «عبرت‌آموزی»
۲۰. روش «تزکیه»
۲۱. روش ابراز توانایی‌ها»
۲۲. روش «انذار»
۲۳. روش‌های دیگر



از مهم‌ترین مهارت‌های تعلیم و تربیت آشنایی و تسلط بر روش‌های تعلیم و تربیت می‌باشد. تعریف روش^۱: نحوه‌ی مشخص و شیوه‌ی انجام یک فعل تربیتی، روش تربیتی است. به عبارت دیگر، راهی که مربی برای پیاده نمودن اجزاء برنامه تربیتی اتخاذ می‌کند، روش تربیتی است.

بر عوامل تربیتی (مربیان و والدین) لازم است که با روش‌های تربیتی بطور کافی آشنا شوند.

روش‌های تعلیم و تربیت را می‌توان در دو بخش مبنایی و اصولی و روش‌های کاربردی دسته بندی نمود.

در این راستا متناسب با موقعیت کنونی فراگیر (که در چه مرحله‌ای از تربیت قرار دارد)، سن، جنس، جایگاه اجتماعی و... روش و یا روش‌هایی را برای او برگزید.^۲

۱. روش در مقابل واژه لاتین "متد" به کار می‌رود و واژه متد در فرهنگ فارسی معین و فرهنگ انگلیسی آریانپور به روش، شیوه، راه، طریقه، طرز و اسلوب معنی شده است. به‌طور کلی، «راه انجام دادن هر کاری را روش می‌گویند». (صفوی، امان‌الله، کلیات روشها و فنون تدریس، ص ۱۹۲)

۲. برای به جریان درآوردن تعلیم و تربیت ابتدا باید با برنامه تربیتی و توان تربیتی آشنا شد و آنگاه به انواع روش‌های تربیتی پرداخت. بدون برنامه تربیتی، روش‌های تربیتی یا به اجرا در نمی‌آیند و یا به نتیجه لازم نمی‌رسند.



۱. بخش اول: روش های مبنایی و اصولی

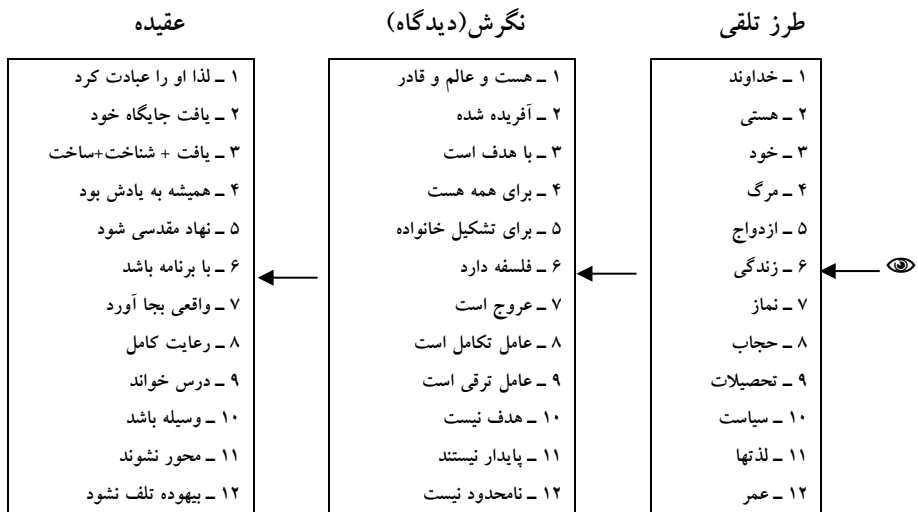
این روش ها بطور مستقیم و غیرمستقیم اثر می گذارند و باعث اصلاح، ایجاد، محو یا نگه داری رفتارها بطور اساسی است و با ابقای آن رفتارها، تغییرات، ساخت و رشد اساسی را به دنبال دارند. این روش ها زمان بیشتری می برند ولی تأثیر آنها عمیق است و با تغییر شرایط اثر خود را از دست نمی دهند. این روش ها با توجه به تفاوت های فردی و شرایط و موقعیت فرد، انتخاب می شوند. (دقت شود)

۱-۱. روش تشکیل نگرش

نگرش: واژه "attitude" معادل های فارسی متعددی همچون «طرز تلقی»، «وجهه نظر»، «باز خورد»، «وضع روانی»، «ایستار»، «گرایش» و «نگرش» دارد، ولی اکنون اصطلاح «نگرش» قبول عام یافته و به صورت های مختلف نیز تعریف شده است.^۱

مفهوم تشکیل نگرش: توجه، نگاه، طرز تلقی، دیدگاه، دریافت، ادراک و برداشت هر فردی، نسبت به وجود خود، وقایع و پدیده ها، جهان هستی و آفرینش و نهایتاً خالق و علت همه اینها.

این مفهوم در ذیل بطور نمودار آمده است:



۱. سالازی فر، محمدرضا و دیگران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۱۰.



به عبارت دیگر "تشکیل نگرش" یعنی:

۱-۸. اینکه فرد بداند وجود دارد (= خوددانی و خودیابی) و کیست؟ برای هدف بودن خویش، جوابی داشته و ادراک نماید که برای چه وجود دارد. (= خودشناسی)

۲-۸. برای آفرینش و جهان هستی هدف مشخصی قائل باشد.

۳-۸. در مورد خالق و مبدأ آفرینش نیز به یک نتیجه قطعی رسیده، حضور و وجود خداوند را بر خود حس نماید. (انسان موحد = تشکیل شدن نگرش نسبت به خداوند)

۴-۸. برای سرانجام و عاقبت زیست خود، توجیه مشخصی داشته باشد و بطور قطعی بداند چه مسیری را در زیست طولی طی خواهد نمود، درک کند در طول زیست خود چه دوران‌هایی را طی نموده است؛ و پس از طی مراحل، مرگ به سراغ او خواهد آمد و بعد از مرگ هم هستی هست.

در زیارت آل یس مسیر زیست طولی انسان به خوبی ترسیم شده است:

«وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّشْرَحَقَّ وَالتَّبَعْتَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ

حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالتَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ»^۳

«و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی می‌دهم که

زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و مرصاد

(کمینگاه) حق است و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و

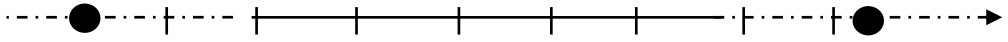
بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید درباره آن دو حق است»

۱. الف) هُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ (حدید/ ۴) «هر جا باشید او با شماست.» ب) أَلَمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق/ ۱۴) «آیا او نمی‌داند که خداوند

همه اعمالش را می‌بیند؟!» ج) وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (آل عمران/ ۱۵۶) «او خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»

۲. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵) «هر کس مرگ را می‌چشد»

۳. مکارم شیرازی، ناصر، مفاتیح نوین، ص ۵۰۵.



حیات بعد از مرگ مرگ پیری بزرگسالی میانسالی جوانی نوجوانی خردسالی طفولیت نوزادی تولد دوران جنینی

همانگونه که مشخص گردید در مجموع هنگامی که هست و نیست‌ها نسبت به

چیزی یا پدیده‌ای برای فرد مشخص شده، شکل یابد و این شاکله، تحقق یافته و پایدار

بماند، عینی شود، فرد نسبت به آن چیز و یا پدیده تشکیل نگرش داده است.

۱-۱-۱. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر

با ذکر مثالی در مورد نماز کاربرد تشکیل نگرش تبیین می‌گردد:

ابتدا فرد به نماز توجه کرده، آن را دریافت می‌نماید ولی هنوز نگرش او نسبت به نماز تشکیل نشده، ممکن است آن را با تأخیر به‌جا آورد، در مرحله بعد طرز تلقی او پاسخ‌هایی است که به چیستی، چرایی، اهمیت، ضرورت و فواید نماز می‌دهد و آن‌گاه هست و نیست‌ها نسبت به نماز برای او اینگونه مشخص می‌گردد که نماز از سوی خدا می‌باشد و در هیچ حالی از انسان ساقط نمی‌شود. در مرحله بعد شاکله‌ی اهمیت نماز برای فرد پایدار می‌ماند و هنگام اذان بین نماز و مسأله دیگر، نماز را ترجیح می‌دهد. اگر این شاکله ناپدید نشود، نماز برای او عینیت یافته، به صورت عمل بر اندام جاری می‌گردد. در این حالت فرد نسبت به نماز تشکیل نگرش داده است.

تشکیل نگرش در مورد یک پدیده باعث می‌شود فرد آن پدیده را برای خود مطلوب دانسته، آن را خود انتخاب نماید. در این صورت انگیزه‌ی کافی برای پذیرش آن خواهد داشت لذا باعث تثبیت آن عامل می‌شود. تثبیت عامل، امنیت و آسایش والدین را به همراه دارد و باعث می‌شود فراگیر به وظایف خود آشنا گشته و خللی بر پیکر خانواده وارد نیاید. نهایتاً از میزان تخلفات کاسته می‌شود، اینها از محاسن تشکیل نگرش در فرد می‌باشد.



* حاصل اینکه این اصل مهم باید بعنوان یک مبنا مورد توجه والدین، مربیان و همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد:

«تشکیل نگرش منشأ اولیه هدایت و تعلیم و تربیت و همچنین انگیزه اصلی در

تشکیل و اصلاح کلیه رفتارهاست.»

۲-۱-۱. شرح کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر

حصول نگرش در تربیت افراد، بسیار مهم و حساس است و یک مربی هنرمند، شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که بتواند نگرش فراگیران را از مرحله شعار به مرحله شعور برساند، وی جنبه کاربردی نگرش را مد نظر قرار داده و در کلاس، آیات و احادیث را به گونه‌ای انتخاب و طرح می‌نماید که به وسیله‌ی آن‌ها نگرش صحیحی در افراد ایجاد نماید. به این موضوع بسیار مهم باید توجه نمود که قبل از هر گونه اقدام، برای تعلیم و تربیت فراگیر، مربی لازم است خود را مقبول و مطلوب ساخته، به مرحله پذیرش برسد.

لازم است مربی در ۴ محور، نگرش فراگیر را تشکیل دهد:

۱. «تشکیل نگرش» نسبت به خود
۲. «تشکیل نگرش» نسبت به نظام هستی
۳. «تشکیل نگرش» نسبت به خداوند
۴. «تشکیل نگرش» نسبت به مرگ و پس از آن



۱. تشکیل نگرش نسبت به خود^۱

مربی در گام اول برای تشکیل نگرش فراگیر نسبت به خودش، ابتدا باید به تنظیم ارتباط فکری با وی پرداخته و سپس در نظر او مقبول و مطلوب شود و او را تکریم کرده، درک نماید. سپس در دومین اقدام، شرایط تبدیل فکر فراگیر به تفکر با زمینه‌ی وجود خود او، که، کی هستیم؟ برای چه هستیم؟ چرا هستیم؟ و ... را فراهم نماید.

و در گام سوم، او را متوجه وجود خود نموده، وی را به خوددانی و خودیابی برساند. یعنی این‌گونه برداشت نماید که وجود دارد و هستی او بیهوده نمی‌باشد.

(چهارم) سپس نهادها و استعدادها و ابعاد وجودیش را به وی نشان دهد یعنی او را متوجه موارد ذیل نماید:

وجود، کارآیی، ارزش و فواید، نیروی فکر و تعقل، حالات نفس، انواع نیازها و طریقه تأمین آنها، استعدادها (نظیر نیروی اراده، اختیار، انتخاب و...)، استعدادهای اجتماعی (مانند برقراری ارتباط و دوست‌یابی، تسلط، اداره و مدیریت بر محیط مانند خانواده، فرزندی، همسررداری و برنامه‌ریزی برای پیشرفت خود و...) و استعدادهای اقتصادی (مانند راه صحیح کسب درآمد سرشار و...) و

و او را به این نتیجه برساند (پنجم) که خود را بیهوده از دست نداده و به دنبال کسب سعادت باشد.

در این راستا نهایت تمامی اقدامات تربیتی مربی (ششم) این است که فرد برای خودسازی و اصلاح رفتارها، مصمم خواهد شد و با این تصمیم، مربی از میزان موفقیت خود آگاه می‌شود.^۲

۱. أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ... (روم/۸) «آیا آنها در دل خود نیندیشیدند ...»

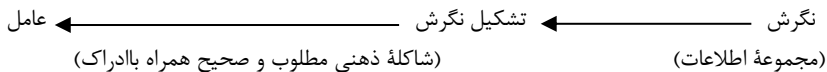
۲. آسیب‌شناسی نگرش نسبت به خود: خود فراموشی نسبت به خود، نشانه‌ی فقدان نگرش است. نگرش زمانی شکل می‌گیرد که



مثال دیگر: همان‌گونه که فرد در فصل زمستان با تن‌پوش مناسب و مصرف ویتامین‌ها در مقابل بیماری مصون خواهد ماند، تشکیل نگرش نیز در فرد از وی مواظبت نموده و از آسیب‌های ممکن وی را حفظ می‌نماید.

فرد به وجود خود توجه نموده، آن را یافته باشد و نسبت به نحوه بودن، فلسفه بودن، علت بودن و مهم‌تر از همه چگونه بودن، شاکله‌ای در خود شکل دهد. یعنی در ذهن و وجود فرد به گونه‌ای تنظیم و ثبت گردد که من به عنوان یک فرد وجود دارم حال باید چگونه باشم؟ در بخش نگرش فرد به خود توجه نموده و در بخش تشکیل نگرش برای خود اینگونه مبنا قرار خواهد داد که: وجود من بدون هدف نبوده و من به این خاطر وجود دارم که ...

فراگیر بر اساس این «مبنا» سعی در رشد و تکامل خود و فهم قوای درونی و تربیت آنها خواهد کرد، در صورتی که این مبنا توسط مربی در درون فرد تثبیت شده و شاکله‌ای در ذهن او ایجاد گردد، آن شاکله منشأ رفتار خواهد بود. مربی موفق قبل از مطرح نمودن عوامل و یا موضوعی (نماز، حجاب، دوست‌یابی، درس‌خواندن و ...) ابتدا نگرش فرد را نسبت به آن عامل و یا موضوع تشکیل داده، سپس خود عامل را وارد محیط می‌نماید.



گروهی از عوامل تربیتی (والدین، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت) ابتدا عامل (پدیده‌ها، موجودات، اشیاء، انتخاب‌ها و ...) را مطرح می‌نمایند در حالی که ابتدا لازم است تشکیل نگرش گردد و سپس عامل مطرح گردد، در این صورت فرد خود به خود نسبت به انجام وظیفه‌ی خود و با انگیزه‌ی و میل کافی اقدام خواهد نمود به طور مثال در گروهی از خانواده‌ها برای ترغیب فرد نسبت به نماز از جایزه، تنبیه، تهدید، خشونت، استدلال و باید و نباید ... استفاده می‌کنند در حالی که با تشکیل نگرش فرد نسبت به نماز، ابتدا نماز به عنوان اصل در وجود فرد پذیرفته شده، تثبیت می‌گردد و با مطلوب‌شدن نماز، فرد بدون دخالت و تذکر والدین نماز را بجا می‌آورد.

در مورد تشکیل شدن نگرش می‌توان گفت: نگرش همچون مواد خام (نظیر شن و سیمان و آجر) است و تشکیل نگرش همان مخلوط نمودن شن و سیمان با آب طبق برنامه و اصول است. چنانچه غیر از برنامه و اصول عمل گردد ساختمانی برپا نمی‌شود. در مورد یک عامل مانند درس‌خواندن؛ نگرش و مواد خام آن رفتن به مدرسه است. از سن ۶ سالگی با فرستادن فراگیر به آمادگی (= آمادگی برای دبستان یعنی آمادگی برای تشکیل نگرش) و طرح جذابیت‌های مدرسه نگرش او به مدرسه تشکیل می‌گردد. به عنوان مثال تهیه کیف مطابق سلیقه او، جلوه دادن به مدرسه، بیان نتایج آن به زبان ساده و تشریح خوبی‌های آن و اهمیت آن و ایجاد جو مطلوب و آنگاه خود به این نتیجه می‌رسد که باید به مدرسه رفت و درس خواند و آن را به عنوان جایگاه مطلوب محسوب نمود. در این حالت ساختمانی که با این فرمول ساخته می‌شود غیر قابل تغییر خواهد بود، اما در صورتی که فرد تنها نگرش نسبت به درس‌خواندن داشته باشد، درس برای وی مطلوب نبوده، انگیزه‌ی کافی برای تحصیل ندارد و سریعاً تحت تأثیر عواملی این ساختمان فرو ریخته، نگرش فرد تغییر یافته و نسبت به تحصیل بی‌علاقه و یا منصرف خواهد شد. بنابراین علت ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و یا عدم موفقیت در تحصیلات، در نگرشی است که والدین و دیگر عوامل تربیتی به آنان می‌دهند (درس برای من اجباری است)، ذهنیت صحیحی نسبت به درس به او داده نشده و در نتیجه درس برای او تحمیل بوده و مطلوب نمی‌باشد و یا دیدگاه گروهی از خانواده‌ها نسبت به دوست و همبازی فرد این است که نیازی به آن ندارد و تمامی امکانات را برای فرد مهیا نموده تا ضرورتی برای خروج وی از منزل نباشد و برخی دیگر از والدین بر خلاف نگرش قبلی، تعدادی از همسالان را برای فرزند انتخاب می‌نمایند تا وی در محیطی سالم، بیرون از محیط خانواده به بازی و فعالیت بپردازد.



۲. تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی

در محور دوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی لازم است مربی از عجایب و اسرار و شگفتی‌ها و نظم خلقت برای فراگیر صحبت کند.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحُكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

به یقین در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. * (همان) کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب دوزخ نگاهدار. تا متوجه نظام هستی شده و آنرا دریافت و ادراک نماید و جایگاه خود را در این نظام بیابد. [گذشته (= تاریخ)، حال و آینده]

۳. تشکیل نگرش نسبت به خداوند

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ... «خدایا خودت را به من بشناسان...»^۲

در محور سوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به خداوند، فرد باید در ابتدا متوجه وجود خداوند گردد (خدادانی) و او را در جهان درون و برون بیاید (خدایابی) و ادراک کند (عقلی و قلبی) که او خالق وی و نظام هستی است، ازلی و ابدی بوده و وجودی یکتا و بی‌مانند است (قل هو الله احد).

۱. آل عمران/ ۱۹۰ و ۱۹۱

۲. مکارم شیرازی، ناصر، مفاتیح نوین/ص ۶۱۸



نسبت به همه چیز عالم آگاه «وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا»^۱ و بر انجام هر کاری قادر است «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (خداشناسی) و پس از طی صحیح این مراحل در او حالتی به وجود می‌آید؛ که باید او را پرستش و ستایش نمود (خداپرستی = موحد) و آنگاه احساس دوستی و عشق فراوانی نسبت به او در فرد ایجاد خواهد شد (ایمان) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا...»^۲ و در همه امور او را در نظر گرفته (تقوا) و همیشه خود را محضر او می‌داند و او را بر خود ناظر و آگاه می‌یابد و در همه‌ی امور او را دخالت می‌دهد (یقین)

خدادانی خدایابی خداشناسی خداپرستی ایمان حقیقی تقوا یقین

۴. تشکیل نگرش نسبت به مرگ و پس از آن

یکی از اقدامات مبنایی و بسیار مهم و سرنوشت‌ساز که عامل تعیین‌کننده‌ای در سعادت و شقاوت انسان دارد، تشکیل دیدگاه فرد نسبت به مرگ و پس از آن است:

الف) اهمیت موضوع معاد

۱. حدود ۱۲۰۰ آیه (یک‌سوم از مجموع آیات قرآن) در قرآن مربوط به موضوع معاد است.
۲. بعضی از سوره‌های اواخر قرآن بطور کامل و بعضی بطور عمده در این‌باره ذکر شده است.
۳. بعد از توحید، مهمترین مسأله از دیدگاه قرآن بحث معاد و اعتقاد به آن و حیات پس از مرگ، اجرای عدالت و مجازات و پاداش می‌باشد و در حدود ۳۰ جای قرآن این دو موضوع (مبدأ و معاد) با هم آمده است.

۲ . انعام/۵۹

۳ . نساء/۱۳۶



ب) نتایج و فواید تشکیل نگرش و اعتقاد به مرگ و جهان پس از آن

۱. احساس ارزش در زندگی (اعتقاد به معاد = ارزش)
۲. معنی بخشیدن (بقای انسان) به زیست طولی (عمر) و هدفمندشدن زندگی و مفهوم دار شدن آن و عدم پوچی و فناشدن.
۳. ایمان به خداوند بدون ایمان به معاد تکمیل نمی شود.
۴. عامل تعیین کننده در تربیت، تهذیب، تزکیه نفس و انگیزه ی قوی برای خودسازی.
۵. عامل اجرای عدالت و قوانین الهی.
۶. علت عمل به وظایف، حقوق و تکالیف الهی.
۷. ایجاد انگیزه برای تلاش، مجاهده، ایثار و شهادت است.
۸. عامل کنترل و بازدارنده در برابر مفسد، فحشاء، منکرات، جرم و جنایات می باشد.
۹. عامل صبر و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات زندگی است.
۱۰. ایجاد آرامش روحی و روانی و فکری در فرد و عدم فرار از مرگ و پذیرش آن.

ج) زمینه های تشکیل نگرش نسبت به معاد:

مربی لازم است در زمینه های زیر بطور مستدل و با تکیه بر آیات قرآن، روایات و دلایل عقلی و شواهد لازم، نگرش فرد را تشکیل، و او را به مرگ و جهان پس از آن عقیده مند نماید.^۱

۱. «مرگ» و «حقیقت آن» و «قبض روح» و «فلسفه مرگ».
۲. «برزخ»: فلسفه و دورنما و ویژگی های عالم برزخ از قبیل: «سؤال قبر»، «فشار قبر» و ...

۱. در این زمینه ها کتب فراوانی تألیف شده که در جلد ۵ و ۶ پیام قرآن آیت... مکارم شیرازی و جمعی از دانشمندان، این موارد بخوبی آمده است و مطالعه این ۲ جلد برای مربیان و والدین ضروری تر و از اهمیت بیشتری برخوردار است و مطالب این قسمت از ابتدا تا پایان، از این ۲ جلد اقتباس شده است.



۳. «رستاخیز» و «قیامت» و «زنده‌شدن مردگان» (روز قیام و بپاخاستن، قیام مردم و فرشتگان، قیام حساب و قیام گواهان، از روز قیام در قرآن ۷۰ مورد نام برده شده است و ۷۰ مورد به یوم‌القیامه تعبیر شده است).

۴. حشر و نشر در قیامت^۱

۴-۱. «بعث و برانگیختن» (برانگیخته‌شدن مردگان از قبر و فرستاده‌شدن آنها برای حساب، به سوی محاکم و دادگاههای قیامت)

۴-۲. «حشر» (جمع‌کردن، که حدود ۳۰ مرتبه در قرآن کلمه حشر در مورد قیامت بکار رفته و آن، یکجا جمع‌شدن همه‌ی انسان‌ها که در طول تاریخ بشر بر صفحه‌ی زمین ظاهر شده‌اند، می‌باشد).

۴-۳. «نشر» (گستردن یا نشور که انتشار انسان‌ها در نقاط مختلف محشر و انتشار نامه‌های اعمال است).

۵. «معاد»:

بازگشت به سوی خداوند و آن حیات جسمانی است که در قیامت بازگشت می‌کند و روح به آن می‌پیوندد.

۶. «لقاءالله»:

لقاء رب و دیدار پروردگار، و آن شهود باطنی، دیدار و ملاقات روحانی و معنوی با خداوند است و لذا آن ملاقات حسی پروردگار نیست.

چرا که ملاقات حسی تنها در مورد اجسام است که دارای مکان و زمان و رنگ و کیفیات دیگرند، بطوری که می‌توان آنها را با چشم ظاهر دید. روز رستاخیز، روز برطرف‌شدن

۱. مکارم‌شیرازی، ناصر، پیام قرآن ج ۵، ص ۴۳ - ۳۸

۲. همان، ص ۴۴



حجابها و کنار رفتن پرده‌ها و ظهور آیات حق و تجلی خداوند بر قلوب است.

۷. «رجوع الی الله»^۱ (بازگشت به سوی او، اِنَّالله وَاِنَّا اِلَيْهِ راجِعُونَ):

و آن این است که جسم به سوی روح می‌رود و تعالی و تکامل می‌یابد و به سوی آن وجود نامتناهی و کمال مطلق پیش می‌رود. رستاخیز و قیامت از دیدگاه قرآن یک نوع بازگشت است، و مفهوم این واژه این است که چیزی که از نقطه‌ای آمده باشد، باز به همان نقطه برگردد و آن روحی نیست که از ذات پاک او جدا شده باشد، چرا که او واجب‌الوجود است و از هر نظر بسیط و خالی از اجزاء ترکیبی است، بلکه منظور این است که از یک روح بزرگ که از اشرف مخلوقات خدا می‌باشد، در او دمیده شده است.

۸. توصیف قیامت با نامهایی که در قرآن ذکر شده است:

حدود ۷۰ نام است، مانند یوم‌الحساب، یوم‌الحسرة، یوم تبلی‌السرائر و ...، در قیامت حوادث بسیار مختلف و گوناگونی رخ می‌دهد و هر یک از این حوادث چهره‌ای از آن روز را نشان می‌دهد که قرآن برای نشان‌دادن این ویژگی‌ها، از نام‌های گوناگون استفاده می‌کند و این ویژگی‌ها و اسامی مختلف قیامت، آثار تربیتی فوق‌العاده‌ای دارند که در بیداری و آگاهی و تهذیب نفوس و اصلاح قلوب و دعوت به سوی تقوی و بازداشتن از زشتی‌ها بسیار مؤثر است.

۹. نامه‌ی عمل و پرونده‌ی کارها و اعمال انسان:

فرشته‌های مراقب اعمال، نویسندگان نامه‌ی عمل، اقسام نامه‌های عمل، ویژگی‌های نامه اعمال که آیات مربوط به اینها پیام‌های تربیتی مهمی دارند و هشدار است برای اینکه فرد مراقب گفتار و رفتار خویش باشد که همه چیز ثبت

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن ج ۵، ص ۴۷



می‌شود و یکجا در قیامت بی‌کم‌وکاست ارائه داده خواهد شد و در صحنه محشر نامه اعمال در برابر دیده‌ی همگان گشوده می‌شود و به آن رسیدگی می‌شود.

۱۰. «تجسم اعمال»:

دیدن اعمال خود و تحویل اعمال در آن روز، اینکه در قیامت و در دادگاه عدل الهی، یا مراحل دیگر آن روز، اعمال ما مجسم می‌گردد و به صورت‌های مناسبی در برابر ما ظاهر می‌شود. اعمال بد به صورت موجوداتی زشت و زننده و موذی و ناراحت‌کننده و اعمال خوب به صورت موجوداتی زیبا و جالب و دلپذیر و روح‌بخش در آن صحنه ظاهر می‌گردند و همراه صاحبش خواهند بود. در نتیجه اعمال آدمی در صورت‌های مناسبی در عالم برزخ و قیامت، مجسم می‌گردند.

۱۱. «محکمه‌ی عدل الهی»؛ «ترازوی سنجش اعمال» و «محاسبه‌ی سریع اعمال»:

اینکه همه در آن دادگاه بزرگ احضار می‌شوند، صحنه‌ای که تکان‌دهنده و بسیار وحشتناک است، حتی اعمالی به اندازه یک خردل و یک ذره مورد محاسبه قرار می‌گیرد و نیت‌ها نیز در پرونده‌ی اعمال کاملاً نمایان است، نسبت به تمام مظلومان عالم از ظالمان احقاق حق می‌شود و آنچه را که بسیاری از مردم هرگز باور نمی‌کردند، آشکارا با چشم خود می‌بینند. حق و عدالت بر تمام آن دادگاه بزرگ سایه افکنده و کوچک و بزرگ حتی انبیای مرسلین در آن دادگاه حاضر می‌شوند، همچنین بیان شاهدان و گواهان روز قیامت که به جز ذات پاک خداوند عبارتند از: انبیاء مرسلین، اوصیاء و امامان معصوم، ملائک مقرب، اعضاء و جوارح انسان، زمینی که انسان بر آن می‌زیسته و زمان.



۱۲. «سؤال»:

چیزهایی که سؤال می‌شود: اطاعت الهی، معصیت او، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام عمر، جوانی، مال، نماز، همنشینان و آسانی و سختی حساب محشر (با توجه به میزان فهم، مسئولیت‌ها، مقدار عقلی که در دنیا به فرد داده شده) و آسانی حساب با: حسن خلق، خوشرفتاری و آسان گرفتن، کسانی که آلوده به مال و مقام دنیا کمتر بوده‌اند، و سختی حساب برای افرادی چون: ظالم و ستمگر، کج خلق، و کسانی که در دنیا در حساب بندگان خدا سخت می‌گرفتند، و کسانی که بدون حساب وارد دوزخ می‌شوند مانند مشرکین، پیشوای ستمگر، تاجر دروغگو و ثروتمندان بخیل.

۱۳. «صراط و مرصاد»:

پل و گذرگاهی که بر روی دوزخ کشیده می‌شود و همگان باید از آن بگذرند. صراط پلی است بر دوزخ در مسیر بهشت که نیکان و بدان بر آن وارد می‌شوند، نیکان به سرعت از آن می‌گذرند و به نعمت‌های بی‌پایان حق می‌رسند و بدان سقوط کرده، سرازیر دوزخ می‌شوند. گذرگاهی است مخوف، لغزنده، خطرناک، باریکتر از مو، تیزتر از شمشیر، گذرگاهی که مواقف و ایستگاههای متعددی دارد و در هر موقف از چیزی سؤال می‌کنند که عبارتند از: نماز، امانت، صله رحم، عدالت. گذرگاهی که اجازه‌ی عبور از آن بدون ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام و تخلق به اخلاق آنها امکان‌پذیر نیست. توجه به این موارد و تشکیل نگرش و عقیده در این زمینه‌ها و ایمان به آنها، بازتاب گسترده‌ای در اعمال انسان و تربیت او خواهد داشت و او را به دقت هر چه بیشتر در انتخاب راه‌های زندگی و جداسازی دقیق حق از باطل، و تخلق به اخلاق اولیاءالله وادار می‌سازد.



۱۴. «بهشت و بهشتیان» و «دوزخ و دوزخیان»:

اینکه اسباب ورود به بهشت مواردی است از قبیل: اطاعت خدا و رسول ﷺ، خوف از خدا، خودسازی و تزکیه نفس، ایمان و عمل صالح، جهاد و شهادت، تقوی، ترک هواپرستی، احسان و نیکوکاری، اخلاص، تولی و تبری، صدق و راستی، صبر در برابر شدائد، انفاق، اهتمام به نماز و

و اینکه، نعمت‌های جسمانی بهشت کدامند؟ و لذات روحانی بهشت چیستند؟ و مقامات بهشتی تبیین شود که بهشت دارای مقامات و درجات و مراتبی است و تفاوت مقامات اولیاءالله ایجاب می‌کند که درجات آنها در بهشت متفاوت باشد. بهشت کسانی که در قله‌های ایمان و معرفت و اعمال صالح هستند، با کسانی که در مراتب پایین‌ترند فرق دارد.

و همچنین تبیین ماهیت دوزخ شود و بیان شود که دورخ از آن کیست؟ و عذاب‌های جسمانی و روحانی اهل دوزخ کدامند؟ و راهیان جهنم چه کسانی هستند؟ افرادی از قبیل: کافران، منافقان، کسانی که غرق گناهند، عاصیان، سبک اعمالان، رباخواران، ظالمان و ستمکاران، قاتلان و جانپان.

* البته راز موفقیت مربی در این است که برای خود در این چهار محور تشکیل نگرش در حد مطلوب حاصل شده باشد.

خلاصه بحث

تشکیل نگرش در ابعاد سه‌گانه مسائل خوددانی، خودیابی و خودشناسی، محورهای خداشناسی و خودسازی را به حاصل و نتیجه‌ی ثمربخش و مطلوب می‌رساند. به عبارت دیگر آنچه که این مسائل را به عینیت و تحقق وامی‌دارد همان تشکیل نگرش است. اگر تربیت‌کننده، والدین یا مربی، فرد را به تشکیل نگرش نیل داد، راه زیادی را از تربیت طی نموده و در غیر این صورت به موفقیت دست نمی‌یابد.



هنگامی والدین و یا مربی در انجام وظیفه‌ی خود که همان امر سرنوشت ساز تعلیم و تربیت می‌باشد، موفق می‌گردد که اساس فعل تربیتی خود را بر مبنای تعلیم و تربیت (بویژه مبنای تشکیل نگرش) استوار سازد و در غیراینصورت از رفتارها و تلاش‌های خود که به قصد تعلیم و تربیت انجام می‌دهد حاصل چندانی به دست نیاورده، به موفقیت نمی‌رسد و تلاش او از ارزش لازم برخوردار نخواهد بود.

۲-۱. روش تشکیل عقیده^۱

۱-۲-۱. مفهوم تشکیل عقیده

می‌توان گفت عقیده اصول و قواعدی است که در زندگی روزانه (زیست عرضی) از آن استفاده می‌شود و به طور معمول نوع رفتارهای هر فرد (نوع راه رفتن، نوع صحبت کردن، نوع آرایش مو و ...) بر مبنای اصول و قواعدی است که بر اساس آن زیست روزانه خود را تنظیم می‌نماید.

* هرگاه استنتاج‌ها و دست‌آوردهای حاصل از تشکیل نگرش، تبدیل به مجموعه‌ای از اصول، قوانین و خط مشی گردند، آنگاه عقیده شکل‌یابی شده است. به عبارت دیگر عقیده «تشکیل شدن» مجموعه‌ی ایده‌ها و نبایدها (و یا تهیه و تدوین دستورالعمل و نقشه زندگی) است.

۲-۲-۱. مبانی تشکیل عقیده

معمولاً تشکیل عقیده بر اساس زیر می‌باشد:

الف) تشکیل عقیده بر اساس آنچه که می‌خواهند. (عوامل تشکیل دهنده عقیده اینگونه افراد والدین، دوست، ماهواره، فرهنگ غربی و ... می‌باشد.)
ب) تشکیل عقیده توسط خود فرد (بدون معیار، نامشخص و بر اساس نظرات

۱. تعریف لغوی عقیده: العقیده ما عُقِدَ علیه الْقَلْبُ وَ الضَّمِيرُ آنچه که قلب و ضمیر به آن وابسته است. - مَا تَدَبَّرَ بِهِ الْإِنْسَانُ وَ اِغْتَقَدَهُ رِيشَةُ عَقِيدَةٍ، عقد بوده و جمع آن عقاید است. (لویس معلوف، المنجد، ص ۵۱۹)



شخصی و التقاطی).

ج) تشکیل عقیده آنطور که، باید باشد، یعنی بر اساس طرح و برنامه مشخص، الگو، سیره‌ی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، قرآن، دین، شرع، آگاهانه و بر اساس ملاک و معیار. (= نوع مطلوب تشکیل عقیده)

گاهی دیده می‌شود که عقیده توسط عوامل بی‌صلاحیت تشکیل می‌گردد مانند آموزش و القاء افکار و رفتارهای نامناسب در بعضی مراکز علمی و آموزشی، زیستن مانند غربی‌ها و القاء این‌گونه زیست به دیگران، راه رفتن، صحبت کردن، نوع پوشش، نوع آرایش موی سر و ... که در جامعه از طریق فیلم‌ها و سریال‌های نامطلوب و نامناسب داخلی و خارجی الگوگیری نموده و توسط افراد نابخرد در جامعه گسترش داده می‌شود. مهمترین نوع تشکیل دادن عقیده، عقیده‌مندی فراگیر به دین است، به گونه‌ای که فراگیر آن را به عنوان یک مجموعه عقاید، بطور مطلوب پذیرفته و اساس زندگی روزمره‌ی خود قرار دهد.

۳-۲-۱. کاربرد تشکیل عقیده در تعلیم و تربیت فراگیر

حاصل و نتایج تشکیل نگرش در عقیده تبلور می‌یابد؛ در نتیجه نوع، شیوه و نحوه‌ی هرگونه عمل (از قبیل انواع رفتارها، گفتارها، اندیشه، افکار و...) و میزان آنها به تشکیل عقیده مربوط می‌شود.

در هر انتخاب، تصمیم، سنجش، ارزیابی و قضاوت نسبت به افراد و امور، این مجموعه شکل یافته (عقیده) نقش تعیین کننده دارد، لذا می‌توان گفت به زندگی خط مشی داده و زیست عرضی انسان بر آن استوار است.

اگر عقیده تشکیل شود برای فرد مشخص می‌گردد که در هر موقعیت و در هر زمان و مکان و نسبت به هر چیز یا پدیده‌ای چه موضعی را اتخاذ نماید؟ و چگونه رفتار کند؟



در نتیجه در برخورد با هر موضوعی می تواند سریعاً تصمیم گیری نماید. (که چگونه، به چه شکل و تا چه حد و میزان رفتار کند)

تشکیل عقیده ملاک زیست عرضی (شبانه روز) است.

تشکیل عقیده در فراگیر مساوی است با تشکیل شاکله‌ی تعلیم و تربیت در او.

(تشکیل شدن عقیده یعنی ثبات و استواری و عدم نفوذپذیری از سنخ غیرخود)

نهایت تشکیل عقیده در حد متعالی این است که فراگیر، قرآن و ولایت ائمه علیهم السلام را به عنوان ملاک عمل قرار داده و اهداف و گفتار و سخن آنان را دستورالعمل و نقشه‌ی زندگی خود قرار دهد.

نحوه تشکیل عقیده در فراگیر با ذکر مثال در مورد نماز توضیح داده می شود:

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۱

«آنها هنگامی که (اذان می گویند و مردم را) به نماز فرا می خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند این به خاطر آن است که آنها جمعی نابخردند.»

در مرحله نگرش، فرد نسبت به آن دیدگاه و طرز تلقی خاصی دارد.

در مرحله تشکیل نگرش، آن را عروج و عاملی برای تکامل روح و روان می داند، «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»^۲ به آن علاقه‌ی قلبی پیدا کرده، به عنوان یک اصل پذیرفته، به

آن اهمیت داده و در درونش برای نماز جایگاه رفیعی در نظر می گیرد.

و در مرحله‌ی عقیده، می داند که باید آن را بجا آورد و نماز خواند.

چگونگی انجام نماز برای وی مشخص است (که باید آن را چگونه بجا آورد و چه هنگامی و با چه حالت و نحوه‌ای؟، اول وقت و با جماعت و با حالت طمأنینه)، لذا

۱. مائده/۵۸

۲. قمی، عباس، سفینه‌ی بهر، ج ۲، ص ۲۶۸



هنگام فرارسیدن وقت آن (شنیدن اذان) بی‌قرار شده، فعالیت‌های دیگر را متوقف نموده، با شوق به سوی آن می‌شتابد. (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ)، در هر فرازی از آن اندیشه نموده و مفهوم آن را با تمام وجود حس می‌کند. چنین نمازی باعث معراج مؤمن بوده، او را از فحشاء و منکر باز می‌دارد.^۱

در اندرون من خسته دل ندانم کیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

* در عقیده‌مندی به نماز یکی از بزرگان^۲ می‌فرماید:

نماز به منزله‌ی کعبه،

تکبیره‌الاحرام، پشت سر انداختن هر چیز غیرخدا و داخل شدن در حرم الهی است،

و قیام به منزله‌ی صحبت دو دوست.

و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آقاست.

و سجده نهایت خضوع و خاک‌شدن و عدم‌شدن در مقابل اوست.

و وقتی که عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می‌گردد، اولین چیزی را که

سوغات می‌آورد، سلام از ناحیه‌ی اوست.

۱. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت/۴۵) «نماز(انسان را) از زشتی‌ها و

منکرات باز می‌دارد و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید.»

۲. مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت



۴-۲-۱. تشکیل نگرش و عقیده در آیات قرآن^۱

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكَوَأَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ^۲

«آیا مردم گمان می کنند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و

آزمایش نخواهد شد؟!»

این آیه سنت الهی آزمایش را بیان می فرماید و دیدگاه را تشکیل می دهد.

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ^۳

«این، بیان و هشدار است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.»

این آیه دیدگاه نسبت به قرآن را بیان می کند.

...كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...^۴

«هر انسانی طعم مرگ را می چشد.»

این آیه دیدگاه نسبت به مرگ را تبیین می دارد.

۱. آیات دیگر: الف) أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون/۱۱۵) «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟!» مؤمنون/ ۱۱۵ این آیه هدف مندی انسان را یادآور شده و دیدگاه را تشکیل می دهد.

ب) وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ فِي أَنفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ (ذاریات/ ۲۱-۲۰) «در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی بینید؟!» عنکبوت/ ۲ این آیه دو عالم کبیر و صغیر را یاد آورده و دیدگاه انسان را شکل می دهد.

ج) وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/ ۵۶) «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» این آیه اهداف خلقت انسان را بیان می کند. (نگرش)

د) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ (ملک/ ۲) «آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او توانا و آمرزنده است» این آیه دیدگاه به زندگی و هدف خلقت را بیان می کند. (نگرش)

ه) وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (حشر/۱۹) و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به (خودفراموشی) گرفتار کرد... در این آیه می فرماید باید همیشه به یاد او بود و در همه ی امور قبل از هر اقدام، او را در نظر داشت = تشکیل عقیده

۲. عنکبوت/ ۲

۳. آل عمران/ ۱۳۸

۴. آل عمران/ ۱۸۵



أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ^۱

« آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! »

در این آیه می‌فرماید هوای نفس اله نباشد = تشکیل عقیده

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ^۲

« آنها که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند، و (تنها) به زندگی دنیا

راضی شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند»

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۳

«(همه) آنها جایگاهشان آتش است، به سزای آنچه که انجام می‌دادند»

پیام آیات فوق:

۱. ملاقات خداوند در روز رستاخیز حتمی است.

۲. زیست عرضی هدف نیست.

۳. دل به زندگی چندروزه نباید بست.

۴. دائم باید به یاد خداوند بود و ... = تشکیل عقیده

بَلِ اللَّهِ فَاَعْبُدُوهُ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ^۴

«بلکه تنها خدا را عبادت کن و از شکرگزاران باش.»

... إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ^۵

«به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند بزودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.»

۱. فرقان/۴۳

۲. یونس/۷

۳. یونس/۸

۴. زمر/۶۶

۵. غافر/۶۰



... وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^۱

«و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! به آمرزش تو امیدواریم؛ و بازگشت (ما) به

سوی تو است.»

و آیات بسیاری دیگر.

۵-۲-۱. تشکیل نگرش و عقیده در روایات

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ... إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ...^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ... همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عادل، سنت زنده و پا

بر جا ...

قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمُ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ.^۳

احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه مخالفین (مرجئه)، بر شما سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند.

می‌توان گفت: علم کلام، در بخش نظری «عقیده‌ی اسلامی» قرار داشته و حوزه‌ی فقه، در بخش عملی آن است، «کلام»، حراست، سلامت و اصلاح عقل و فکر را بر عهده داشته، و اخلاق، سلامت قلب و دل و درون را. و فقه بر مبنای آن دو (کلام و اخلاق) حراست، سلامت و اصلاح عمل و رفتار را تضمین می‌کند. لذا دشمنان بدین سبب است که کلام و فقه شیعه را در طول تاریخ نشانه رفته و می‌روند.

در راستای تشکیل عقیده، علم فقه باید و نبایدها را در سه زمینه حقوق، تکالیف و

۱. بقره/۲۸۵

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۷۶

۳. همان



وظایف نسبت به خود، جامعه و خداوند، تبیین می‌نماید:

(الف) تعیین حقوق نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

(ب) تعیین دقیق واجبات، محرمات، مکروهات و مستحبات (تعیین حدود)

(ج) تعیین وظایف و تکالیف نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

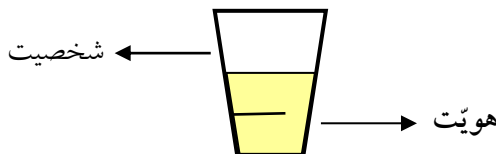
(د) تعیین بایدها و نبایدها در فروع دین (نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر

به معروف و نهی از منکر ...)

۳-۱. روش تشکیل شخصیت و تأمین هویت

۱-۳-۱. مفهوم‌شناسی هویت و شخصیت

برای شخصیت و هویت از نظر علوم مختلف و دانشمندان تعاریف مختلفی وجود دارد. تا آنجا که برخی برای شخصیت تا پنجاه تعریف ذکر کرده‌اند.^۱ لذا با توجه به مفروضات مکاتب و علوم و دیدگاه‌ها و دانشمندان می‌توان گفت؛ هویت فرد را (که همچون محتوای درونی یک ظرف است) نگرش، عقیده و درونیات وی (ایمان و اخلاق حسنه) تشکیل می‌دهند و شخصیت وی را که به مثابه ظاهر یک ظرف، است ظاهر فرد اعم از اعمال، افعال و گفتار او تشکیل می‌دهند.



از دیدگاه قرآن، ارزش‌های درونی مانند ایمان، تقوا، اخلاص و ... بعنوان هویت

مطلوب محسوب می‌گردند.

۱. دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، ص ۱۰؛ مایلی، ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت،

ترجمه محمود منصور، ص ۱؛ احمد ترابی، «انسان‌های آرمانی در نگاه قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۶ - ۱۵، ص ۲۱۰.



* باید دانست موفقیت در امورات روزمره زندگی از قبیل تحصیل و دیگر مسائل فردی و اجتماعی تحت تأثیر شدید هویت و شخصیت فرد می‌باشد و او را در تمامی امور زندگی یاری می‌نمایند.

«تعلیم و تربیت» کوششی است در راستای تشکیل شخصیت و تأمین هویت برای هر

انسانی.

بسیاری از انسان‌ها دارای تصویری از خود هستند (خودپنداره)^۱ که غالباً این تصور به عنوان تمامیت وجود خود در نزد شخص محسوب می‌گردد و گاهی این مانعی است برای توجه انسان به بخش عظیمی از شخصیت و هویت خود. لذا لازم است از صاحب‌نظران در مورد نوع هویت و شخصیت خود نظرخواهی نمود.

۲-۳-۱. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟

و یا هر دو بر هم تأثیر یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟

برای تشکیل آنها، ابتدا باید از شخصیت شروع شود یا از هویت؟ یا هر دو به موازات هم؟

عده‌ای معتقدند شخصیت، دو سوم وجود انسان و هویت یک سوم وجود آن را تشکیل می‌دهد.

عده‌ای معتقدند آنچه مهم است شخصیت است، و این عامل است که در تعاملات خانوادگی و جامعه مشارکت دارد و هویت هر چه باشد مهم نیست.

مهم این است که فرد از نظر شخصیتی دچار مشکل نشود تا دیگران از آسیب او مصون باشند و از نظر ظاهر، فرد مرتب و هنجار بنظر برسد، حال در درون، هر چه بر او

۱. خودپنداره دو نوع می‌باشد، خودپنداره مثبت: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق هستند و باید تبدیل به معرفت نفس شوند. خودپنداره منفی: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق نیستند.



بگذرد چندان اهمیتی ندارد.

عده‌ای به عکس آن نظر می‌دهند و معتقدند اگر فرد از هویت (باطن) خوب برخوردار باشد به محیط خود آسیبی وارد نخواهد کرد، حال ظاهر او هم مطلوب بنظر نرسد، ...

۳-۳-۱. تعلیم و تربیت اسلامی چه می‌گوید؟

از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی، انسانی کامل است که هم از هویت مطلوب و هم از شخصیت هنجار برخوردار باشد. هم باطن (هویت)، ظاهر (شخصیت) را می‌سازد و هم ظاهر بر باطن اثر می‌گذارد. هر دو متمم و مکمل هم بوده و غیرقابل تفکیک می‌باشند. یکی بدون دیگری معنا نداشته و به هم وابسته‌اند. و برای سازندگی و تربیت باید به هر دو توجه لازم بشود، چنانچه از یکی غافل ماند آن دیگری هم با اخلال مواجه خواهد شد.

* مربی در ابتدا لازم است به ساخت هویت (درون و باطن و ساخت فکر و اندیشه و نهایتاً عقیده و هم دل و قلب و احساسات و نهایتاً ایمان) پرداخته و به موازات آن به ساخت شخصیت (شکل‌دهی رفتارها) پردازد.

هویت، تأثیر مستقیم و عمیق و گاهی سریع بر شخصیت گذاشته و شخصیت هم در حفظ هویت مطلوب و یا تغییر آن تأثیر می‌گذارد هر چند گاهی ممکن است به تدریج و با تأخیر انجام گیرد. در مجموع هر دو تابع هم هستند.

دستورات قرآن و سیره‌ی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام مربوط به هر دو بخش است،

گاهی معطوف به هویت و گاهی به شخصیت.^۱

۱. *إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صَوْرَتِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَى نِيَّاتِكُمْ وَ قُلُوبِكُمْ* پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «خداوند به شکل شما و اموال شما نگاه نمی‌کند بلکه به دل‌ها و اعمال شما توجه می‌نماید. (طوسی، محمدبن الحسن، امالی، ص ۵۳۶) - *لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ* «از ما نیست کسی که هر روز به حساب نفس خود نرسد» (کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۳) - *الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ* «مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند» (کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۹۲) - *كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا* (احزاب/۷) «زینت ما باشید و مایه ننگ ما



... إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مائده/۲۷) «خدا تنها از پرهیزکاران می پذیرد» وَلَا تَمَشْ فِي الْأَرْضِ

مَرَحًا... (إسراء/ ۳۷) «و بر زمین، با تکبر راه مرو»

۴-۳-۱. کاربرد تشکیل شخصیت و تأمین هویت در تعلیم و تربیت فراگیر

* کاربرد این موضوع، تعیین شاکله و شخصیتی مطلوب و با ارزش، و تحقق

یافتن هویتی مطلوب و با ارزش برای افراد است.

الف) پیشگیری

* اصل و اصطلاح معروف «پیشگیری، مهم‌تر از درمان است»، در این مبحث کاربرد

و نقش تعیین کننده دارد و بدین شکل می‌باشد که ابتدا والدین، قبل از تولد، به دادن

هویت و شخصیت مطلوب به فرزند (با آماده‌سازی خود، توافق والدین برای زمان

بچه‌دار شدن، تشکیل روحیه‌ی فرزنددار شدن، نگاه مناسب به موضوع فرزنددار شدن و ...)

توجه نموده پس از تولد شروع به پیاده نمودن برنامه‌ی «ارائه هویت و شخصیت به

فرزند» نمایند (با انتخاب نام مناسب، ولیمه و ...)

و هر چه بر سن کودک افزوده می‌شود، هم بر توجه به این مهم افزوده خواهد شد و

هم به افراد دخیل در آن (مانند وابستگان کودک) و سپس در دوران ابتدایی معلم و

مربیان، صدا و سیما و دیگر عوامل تربیتی و اثرگذار نیز، به آنها افزوده خواهند شد.

اگر به میزان توجه به عریض و طویل نمودن انواع سرمایه‌گذاری‌ها برای ساختمان و

تشکیلات سازمانهایی از قبیل دادگستری و نیروی انتظامی، مراکز سیاسی، پاسگاهها و

نیروهای ویژه و گشت‌های ارشاد و ... ، به همان اندازه به مراکز و بخش‌هایی که عقیده

و نگرش می‌سازند (از قبیل: آموزش و پرورش، حوزه‌های علمیه، مساجد و ...) توجه

نگریدید«مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۰» «و سخن حق بگوید.» وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا(بقره/۸۳) «و به مردم نیک

سخن بگوید.» - إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ(لقمان/۱۹) «(و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خرن است.»



بشود، از هزینه‌هایی که برای اصطکاک‌ها و ... صرف می‌شود، کاسته شده، مراجعات به آن سازمان‌های بازدارنده کمتر خواهد شد و نهایتاً در هزینه‌ها، بودجه و سوخت نیروی انسانی، صرفه‌جویی خواهد شد.

از نظر آسیب‌شناسی هویت و شخصیت، برای حفظ هویت و شخصیت فرد و اجتماع از انواع آسیب‌ها، با توجه به مسائل و ویژگی‌های عصر حاضر (ماهواره‌ها، اینترنت و اعتیاد، بمباران فرهنگی، استحاله دینی و ...) بهترین راه پیشگیری «توحید درمانی» است.

ب) درمان

تجربه نشان داده است بسیاری از اختلالات رفتاری و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی با تغییر و خنثی‌سازی دیدگاه و عقاید منفی و دادن نگرش مطلوب به آنچه که محور موضوع است، مانع ادامه درگیری‌ها، طلاق، اعتیاد و یا تداوم آنها شده است.

* از نظر تعلیم و تربیت اسلامی (و همان‌گونه که تجربه هم ثابت کرده است) سریع‌ترین، کوتاه‌ترین، مطمئن‌ترین، بهترین و مؤثرترین راه درمان انواع ناهنجاری‌ها و حتی پیشگیری از مواردی مانند: اختلالات رفتاری، انواع اختلافات، مشاجرات اجتماعی، منازعات خانوادگی، ابتلا به انواع مفسدات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، مسائل حاد فردی و پدیده‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد و طلاق و ... همان‌گونه که قبلاً هم مطرح گردید، «توحید درمانی» صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ است.

* مهم‌ترین، بزرگترین و واجب‌ترین رسالت خانواده‌ها، عوامل مختلف تربیتی، رهبران، مدیران و برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی این است که «رنگ خدایی» به همه جا و



همیشه و با انواع وسایل و روش ها بدهند.

۵-۳-۱. آسیب شناسی تشکیل شخصیت و تأمین هویت

افرادی بر اثر برهم خوردن تعادل درونی (با غفلت از درون) دچار اختلالات رفتاری و فکری می شوند و همین عوامل باعث انتخاب های غیر صحیح و غیر منطقی می گردند و رفتارهای آنان به تدریج تغییر یافته، ابتدا کج فکر، کج خلق، کج سازگار و ناسازگار شده، سپس به خطاکاری و بزهکاری گرایش یافته و ممکن است نهایتاً به مشکل عصبی و روانی دچار شوند.^۱

نتیجه و محصول این سیر، انواع ناهنجاری ها، اختلافات و مشاجرات، اعتیادها، طلاق، مفاسد، فحشاء و در شرایطی خاص، قتل و حتی کشتار جمعی خواهد شد.

آنچه در این سیر، در خانواده ها پیش می آید: کج خلقی و بداخلاقی در زندگی خانوادگی، انواع اختلافات، درگیری ها و نهایتاً در حالت حاد آن طلاق است.

و یا از نگاه نامطلوب همسر، به جنس مخالف شروع شده و سپس به گفتگوهای تحریک آور و نهایتاً انواع روابط نامشروع می رسد، و یا از ارتباط، با اشخاص ناسالم، شروع شده و به شرکت در مجالس نامناسب گرایش یافته، سپس کشیدن سیگار و نهایتاً در حالت حاد آن معتاد به یکی از انواع مواد مخدر می شود.

۱. سیر ناهنجاری های رفتاری عبارت است از:

(الف) کج فکری: یعنی اینکه فرد ابتدا از تفکر صحیح و در حقیقت از مسیر تعادل فکری خویش خارج شده است.

(ب) کج خلقی: در مرحله بعد، فرد نیات پاک و حالات و ارزش های اخلاقی را از دست می دهد.

(ج) کج سازگاری: سپس با جمع (مانند خانواده، کلاس، گروه و مشابه) و تصمیمات جمعی مخالفت می کند و معترض است.

(د) ناسازگاری: در این حالت به ضدیت می رسد. با خانواده، اجتماع و کلاس متضاد است و سازش نکرده، راه خود را در پیش می گیرد (مانند فرارها از خانه و مدرسه)

(ه) خطاکاری: در این مرحله دست به خرابکاری زده و با خانواده و اجتماع مقابله کرده و حتی به آنان آسیب می رساند.

(و) بزهکاری: در این حالت فرد مرتکب اعمال خلاف شد، مجرم شناخته می شود و بر خلاف قوانین اجتماعی عمل کرده توسط قانون مجازات می شود.

(ز) مشکل عصبی و روانی: افراد در مراحل فوق ممکن است دچار مشکلات عصبی و روحی و روانی شوند.



از برخورد و تماس جوانان با جنس مخالف شروع شده سپس به مرحله‌ی آشنایی و مراوده رسیده و سپس به عشق‌های خیابانی و گاهاً ازدواج اجباری و سپس زندگی تحمیلی و بعضاً هم طلاق.

از معاملات مبهم شروع شده و نهایتاً گرایش یافتن به نزول و ربا و
از عدم توجه به ارباب رجوع شروع شده و... نهایتاً به رانت، توصیه، رشوه و... گرایش می‌یابد.

۴-۱. روش ایجاد شاکله ایمان

۴-۱-۱. تعریف لغوی

ایمان: هُوَ التَّصَدِيقُ الَّذِي مَعَهُ أَمْنٌ

امن: طمأنينة النفس وزوال الخوف^۱

می‌توان گفت حاصل خوددانی و خودیابی و خودشناسی، تصدیق و حاصل خداشناسی و خودسازی امن است.

ایمان حالتی اکتسابی و اختیاری و تدریجی و قابل شدت و ضعف است ... حالتی است روانی ...^۲

۴-۱-۲. ایمان چگونه بوجود می‌آید؟

به جریان افتادن خودیابی و طی مراحل لازم تا خودشناسی و قرارگرفتن وی در مدار خودسازی، جو و حالتی را در فرد بوجود می‌آورد که ایمان نامیده می‌شود. فضای درونی حاصل از سیر خودیابی به خودسازی، (ایمان) نیروی انجام کلیه‌ی اعمال به شکل مطلوب می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت، ایمان، حالت، جو و فضای حاصله پس از طی مراحل خودیابی تا خودسازی است.

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۹۱-۹۰

۲. سالاری فر، محمدرضا، روان‌شناسی اجتماعی، ص ۱۴۲



۳-۴-۱. شکل یابی ایمان و تعلیم و تربیت فراگیر

شکل یابی ایمان یک اصل بسیار مهم در اجراء و تحقق تعلیم و تربیت هر انسان است. اگر این عامل و اصل حیاتی در فرد بوجود آید، هنگام عمل، از وی رفتار، افکار و گفتار هنجار و مطلوب دیده خواهد شد. احساس حالت ایمان باید در فرد شروع شده، به جریان درآمده، افزایش یافته و نهایتاً به حد اعلا رسیده و شکل یابی گردد.

اگر ایمان در فرد حضور یافته، به حد کارآیی رسیده و شاکله‌ی آن بوجود آید، آنگاه نیروی عظیمی در فرد حاصل می شود که آن، عامل و علت اعمال بوده، او را در همه حال، اداره می کند.

با شکل گیری ایمان لزومی بر امر و نهی مربی - والدین نخواهد بود. چراکه اعمال فراگیر فی نفسه، بطور صحیح انجام خواهند شد. در این حالت (پس از شکل گیری ایمان)، نقش مربی به عنوان راهنما و نظارت خواهد بود، به گونه ای که مربی مراقب است در منشأ بوجود آمدن این نیروی عظیم (خودیابی - خداشناسی) خلل و آسیبی وارد نشده، شاکله آن در حد مطلوب محفوظ بماند.

۴-۴-۱. نشانه حصول یا تکمیل ایمان

قال علی عليه السلام: **الإيمانُ معرفةٌ بالقلبِ، وإقرارٌ باللسانِ، وعَمَلٌ بِالْأَرْكانِ**.^۱

ایمان معرفت با قلب (عقل) و اقرار به زبان و عمل به ارکان (دین) است.

در واقع ایمان درختی است که ریشه آن شناخت خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین و معاد است و به دنبال آن بر زبان ظهور پیدا می کند و ثمره این شجره طیبه انجام

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷.



وظایف الهی است، بنابراین کسانی که در انجام وظایف کوتاهی می‌کنند ایمانشان ناقص است و از دو حال خارج نیست یا گرفتار ضعف ایمانند و یا هوا و هوس چنان بر آنها غالب شده که از تجلی ایمان در عمل پیش‌گیری می‌کند.

با توجه به آیات قرآن (انفال/ ۴-۲) ایمان کامل علاوه بر اعتقاد قلبی و عمل به ارکان مسائل دیگری را نیز شامل می‌شود؛ از جمله این‌که هنگامی که نام خدا برده می‌شود دل لرزان گردد و احساس مسئولیت کند و هنگامی که آیات قرآن بر او خوانده شود ایمانش رشد یابد.^۱

* نحوه‌ی عمل نشان‌دهنده‌ی حضور ایمان است. زبان، چشم و اندام‌ها، عرصه و جولانگاه ایمان است.

یک کودک دو ساله به راحتی قلمی را جابه‌جا می‌کند اما برای بلندکردن یک میز نیروی کافی در وی وجود ندارد. به تدریج با بزرگ‌تر شدن کودک، نیروها در وی جمع شده، عظیم می‌گردد و سپس به حد کارآیی می‌رسد. در این حالت نیروها شکل‌بندی شده، منشأ اعمال و رفتار خواهند بود. نیروی ایمان نیز حالت و جوی است اکتسابی، ابتدا در وجود انسان شروع می‌شود، بسته شده و به حد‌اعلای خود می‌رسد که در این حالت برای انسان کارآمد بوده و منشأ اعمال و رفتار می‌گردد.

نیاز به ایمان و میزان کارآمد بودن نیروی ایمان در افراد مختلف، بنا به متفاوت بودن نیازها، خواسته‌ها و تمایلات انسانی و جایگاه وی در جامعه، متفاوت است. امر و نهی‌های پیوسته نسبت به نماز و ... تربیت نام ندارد بلکه فرد به نیروی درونی نیاز دارد که آن نیرو، عامل رفتار (نماز) شود و آن، همان حالت و جوی است که ایمان نامیده می‌شود و با شکل‌گیری آن، رفتارها، تربیتی می‌شوند. ایمان مظلوف است و ظرف آن دل، درون یا قلب است. با ثابت شدن و واردنشدن خلل در آن، ایمان از کارآیی برخوردار

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۷۳۴-۷۳۳



می شود و در مقابل محرمات و واجبات به صحنه می آید و این در صورتی است که شاکله‌ی آن در انسان وجود داشته باشد.

در حقیقت، ابزار، وسیله، راه و روش رسیدن به هدف تعلیم و تربیت، ایمان است. بدون این وسیله و ابزار، فعل تعلیم و تربیت انجام نمی شود. تقوا حالت رشد یافته‌ی ایمان است. وقتی ایمان عظیم و کارآمد شد، فرد به تقوا دست یافته و نهایتاً فردی که تقوا را پیشه‌ی خود سازد به تقرب دست می یابد. مقام قرب یعنی این که مبنای رفتارهای انسان رضای حق باشد و در راستای رضای الهی حرکت نماید. نتیجه‌ی مهم این که تعلیم و تربیت یعنی ایجاد این وضعیت در فرد، و فراگیر به این حالت نمی رسد مگر آن که از خودیابی شروع نماید.

۵-۴-۱. نقش دعا در تثبیت ایمان

در راستای تثبیت یا تقویت ایمان، می توان دعا را به عنوان یکی از راه‌های آن برشمرد، زیرا فرازهای دعا از طرفی انسان را به خودیابی واداشته و از طرفی نوعی خودشناسی به انسان داده و به موازات خودشناسی فرد را به سوی شناخت خالق سوق می دهد، حاصل این مجموعه آن است که در انسان نوعی رشد ایجاد شده، او را در مسیر خودسازی قرار می دهد.

نکته‌ای که باید در نظر داشت آن که دعا مقدمه‌ی عمل است و خواندن ساعت‌های مداوم دعا، عملی محسوب نمی گردد. حاصل دعا این است که فرد با قرائت آن، رذایل اخلاقی را از خود دور نموده و تغییراتی در اعمال خود ایجاد نماید که همین مسأله، تفاوت انسان با سایر موجودات و انسان با انسان دیگر است و آنچه باعث تغییر در فرد می گردد، ساخته شدن است. یعنی دعا در چهارچوب ساخته شدن فرد وارد شده، وی را از موقعیتی که فرد قبل از دعا به آن تعلق داشت، به موقعیت مطلوب فعلی (بعد از دعا) و برخورد صحیح او با امیالش و ... وارد می نماید و این محصول، ساخته شدن است.



تداوم ارتباط انسان با خدا از طریق دعا (بعبارتی مانند نیروی عظیم ایمان در وجود فرد و کاسته نشدن و جلایافتن آن)، عامل واسطه‌ای است که انسان را دائماً در مدار تقویت ایمان قرار می‌دهد.

فلسفه ماه مبارک رمضان نیز در راستای ایجاد، تقویت، افزایش و رساندن نیروی عظیم ایمان به حد اعلا و یا جلادادن آن است. جشن عید فطر، به خاطر ایجاد شرایطی است که قبلاً وجود نداشته، به خاطر افزایش یافتن یا تقویت و شفاف نمودن آن است.

پس از ماه مبارک رمضان، ایمان به میزانی که تقویت یافته است، در مقابل انجام واجبات و ترک محرمات فرد را مدد می‌رساند. برای عده‌ای این ایمان کارآیی لازم را نیافته و تنها مدتی اندک پس از ماه مبارک رمضان، او را اداره می‌نماید و برای گروهی تا رمضان آینده، این نیروی عظیم، از کارآیی کافی برخوردار می‌شود.

در مجموع ماه رمضان، ماه آزمایش، اصلاح، افزایش یا تکمیل ایمان‌دارها و ایجاد ایمان برای کسانی است که فاقد آنند و عید فطر که پس از یکماه می‌آید، جشن مهمی است، جشن پیروزی آن آزمایش، اصلاح، افزایش، تکمیل و یا ایجاد است.

عامل دیگری که ایمان انسان را بقاء بخشیده و آن را ایجاد و یا تقویت می‌نماید، نماز است. می‌توان گفت ماه رمضان بیشتر باعث تقویت میناها و فریضة نماز باعث حفظ میناهای تقویت شده می‌شوند.

همانگونه که قبلاً بیان شد حالت در حال رشد و تعالی شاکله‌ی ایمان، تقوا نام دارد و با این نیرو، فرد می‌تواند کلیه افکار، رفتار و گفتار خود را بر الگوی صحیح تطبیق نموده، عمل نماید (برترین الگوها برای همه مسلمانان قرآن و عترت می‌باشند = آنگونه که باید باشد) او از محرمات و سینات و زشتی‌ها و ناپاکی‌ها دوری جسته، واجبات را به شکل مطلوبی انجام داده و به مستحبات توجه کرده و به مقام قرب الهی می‌رسد. یعنی قبل از هرگونه اقدام و عمل، رضای او را در نظر گرفته و در این راستا کوشش و تلاش کافی انجام می‌دهد.



۶-۴-۱. آیات تشکیل ایمان!

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٢﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٣﴾

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هاشان ترسان می‌گردد، و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده (۲) می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد، و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. آنها که نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (۳) (آری)، مؤمنان حقیقی آنها هستند، برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است، و برای آنها، آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ...^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید!

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا - که هر کس خود را پاک کرده، رستگار شده

قَوْلٍ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ^۴ وای بر آنان که قلب‌هائی سخت در برابر ذکر خدا دارند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسِكُمْ...^۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید!

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۶ آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست.

۱. آیه دیگر؛ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ... (مؤمنون/۱)

۲. انفال/ ۴-۲

۳. نساء/ ۱۳۶

۴. شمس/ ۹

۵. زمر/ ۲۲

۶. مائده/ ۱۰۵

۷. رعد/ ۲۸



وَعَلَى اللَّهِ فَائْتَوَكِلِ الْمُؤْمِنُونَ أُنْجَاهُ الَّذِي فِي ذُنُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ إِلَيْنَا الْكِتَابَ وَالْحَقُّ فِي الْكِتَابِ لِيُنذِرَ الْبَشَرَ لِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (جنگ) شدند و خدا یار آنها بود، و همیشه باید اهل ایمان به خدا توکل کنند.
و آیات فراوان دیگر.

۷-۴-۱. رفتارهای تربیت‌شده بر اثر ایمان:^۲

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^۳ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَاْ . وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ^۴ . وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ^۵ . عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۶ . اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى^۷ . فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ^۸

(به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی هادعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن!) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید!) (و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن!) (و در کارها، با آنان مشورت کن!) (بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که بی تکبر بر زمین راه می‌روند، و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بزرگواری می‌گذرند). (عدالت کنید، که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است!) (پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید

۱. آل عمران/ ۱۲۲

۲. آیه دیگر: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران/ ۱۳۴)

۳. اعراف/ ۱۹۹

۴. آل عمران/ ۱۳۰

۵. قصص/ ۷۷

۶. آل عمران/ ۱۵۹

۷. فرقان/ ۶۳

۸. مائده/ ۸

۹. حجرات/ ۱۰



۵-۱. روش تشکیل اخلاق حسنه

۱-۵-۱. مفهوم‌شناسی اخلاق

پیامبر اکرم ﷺ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۱

«من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

از اصول مهم تعلیم و تربیت تشکیل اخلاق حسنه می‌باشد.

اخلاق، شاکله‌ای از خصلت‌ها و صفات درونی است که منشأ رفتارهاست و بر دو نوع اخلاق

صفتی و اخلاق رفتاری^۲ است و شاکله‌های اخلاق عبارتند از اخلاق حسنه و اخلاق سیئه.

همانگونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر ﷺ، تزکیه نفوس و تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه بوده است. قرآن اهمیت زیادی برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس قائل است گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌شمرد.^۳

در قرآن کریم تزکیه اخلاق، مقدم بر نماز و یاد خدا ذکر شده، که اگر تزکیه نفس و پاکی دل و صفای

روح، در پرتو فضائل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا به جایی می‌رسد و نه نماز روحانیتی به بار می‌آورد.^۴

در مجموع، قرآن، اهتمام فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس بعنوان یک

مسئله اساسی و زیربنایی دارد چرا که برنامه‌های دیگر از آن نشأت می‌گیرد و به تعبیر

دیگر بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.^۵

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانور، ج ۶۸، ص ۳۸۲

۲. اخلاق بر دو گونه است: ۱- اخلاق صفتی ۲- اخلاق رفتاری. اخلاق صفتی مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.

۳. اخلاق رفتاری، اعمال و رفتاری است که از خلقیات درونی فرد سرچشمه می‌گیرد.

۴. برخی آیات مربوط به این مطلب عبارتند از: سوره جمعه/۲، آل عمران/۱۶۴، بقره/۱۲۹ و ۱۵۱، شمس/۹ و ۱۰ و لقمان/۱۲

۵. سوره اعلیٰ/۱۴ و ۱۵ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى)

۵. آیت‌الله مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۱: مطالعه عمیق این کتاب برای کلیه مربیان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و

تربیت و برنامه‌ریزان کشور برای تربیت‌نمودن، از واجبات است. برای تشکیل شاکله‌ی اخلاق حسنه از این کتاب می‌توان استفاده کرد.

**۲-۵-۱. شکل‌یابی اخلاق حسنه در تعلیم و تربیت فراگیر**

الف) مربی لازم است زمینه‌ای را فراهم آورده تا با تهذیب نفس در افراد، شاکله‌ی اخلاق حسنه ایجاد گردد، وی با مراجعه به علم اخلاق و جاری‌شدن مفاهیم این علم مهم بر خود، می‌تواند برای فراگیر تشکیل اخلاق حسنه بدهد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!»

ب) تأثیر اخلاق در رفتار انسان، چیزی نیست که بر کسی مخفی باشد، چرا که از طرفی بسیاری از رفتارهای آدمی از صفات درونی او سرچشمه می‌گیرد (مانند فرد متکبر که تکبر در درون قلب او لانه کرده و روح و فکر او را به رنگ خود درآورده است، لذا راه رفتن، سخن گفتن، نشست و برخاست او همه رنگ تکبر دارند) و از سوی دیگر، تکرار یک رفتار نیز می‌تواند در شکل‌گیری اخلاق اثر بگذارد و تکرار یک رفتار (خوب یا بد) تدریجاً تبدیل به یک حالت درونی می‌شود.

لذا برای اصلاح جامعه و رفتارهای مردم (فراگیران) باید به اصلاح ریشه‌های اخلاقی رفتارها پرداخت، به همین دلیل بیشترین کوشش‌های انبیای الهی و مصلحان، مصروف این امر شده است که با تربیت صحیح، فضایل اخلاقی را در فرد فرد جامعه پرورش دهند.

وجود فضائل اخلاقی در انسان، سبب بالارفتن سطح علم و دانش اوست چرا که انسان وقتی می‌تواند به حقیقت علم برسد که از لجاجت، کبر، خودپرستی و تعصب کورکورانه که سد راه پیشرفت‌های علمی است، خالی باشد.

ج) ملکات درونی، منشأ رفتار و اعمال هستند و فرد در این مرحله، به وسیله‌ی تمرین، صفتی را در خود به صورت ملکه درآورده، سپس بدون نیاز به تفکر و اندیشه،



رفتارها از وی سر می زند.

نمودار تشکیل اخلاق حسنه

انتخاب و تعیین صفت ← تکرار ← شکل گیری =ملکه ← انجام و ارتکاب عمل
 مربی لازم است پس از تشکیل دادن نگرش فرد، عقیده‌ی وی را شکل داده و سپس
 مجموعه‌ی اخلاق حسنه را در وی ایجاد نماید. پس از انجام این مراحل رفتارهایی که از
 فرد سر می زند رفتارهای تربیت شده بوده و جنبه‌ی عبادت خواهند داشت. مانند آیه ذیل:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

«کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و
 از (خطای) مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

که در آن، تشکیل اخلاق حسنه قید شده و می توان گفت محسنین کسانی هستند که
 با تشکیل اخلاق حسنه به این مقام رسیده اند. (قابل توجه اینکه واژه محسن و مشتقات
 آن در آیات مختلف قرآن کریم ۳۸ بار تکرار شده است.)

۵-۳-۱. نقشه های استعمارگران

اگر استعمار، قرآن را بگیرد (یعنی قرآن درک نشود تا محور گردد، و فقط ظاهر آن باشد
 مثل کسانی که تفسیر قرآن را ممنوع می دانند) عقیده، ایمان و اخلاق را هم گرفته است.
 استعمارگران فقط کافی است بر ۳ محور فوق مسلط شوند تا بر آن کشور و منابع آن
 سلطه یابند:

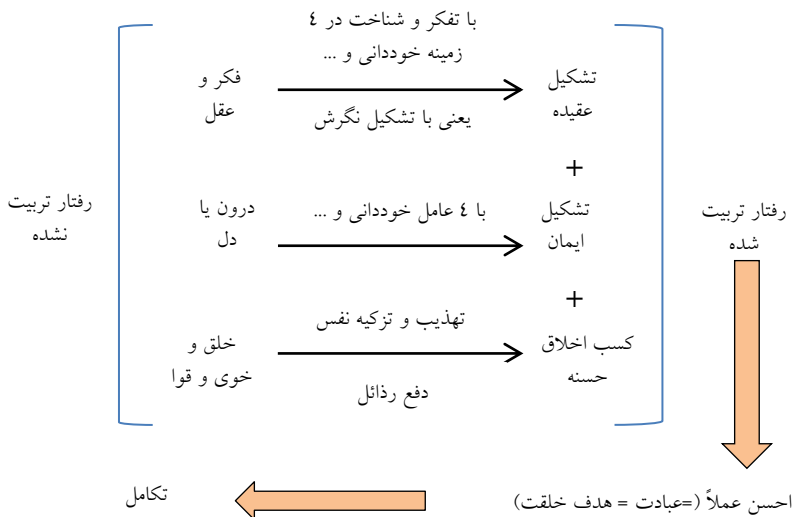
در محور اول (عقیده) با تسلط بر: مراکز حساس از قبیل دانشگاه، مطبوعات،
 فرهنگ سازان، اساتید و معلمان و ... سپس جناح بندی های سیاسی.



در محور دوم (ایمان) با دین‌سازی (وهابیت - بهائیت) یا تقویت شبه‌دین‌ها (تصوف = ایستابودن)، یا ایجاد شبهه در متون اصلی دین (قرآن اعتبار ندارد، تقلید یعنی چه؟) و یا ایجاد اختلاف بین جناح‌های مذهبی.

در محور سوم (اخلاق) با ایجاد و ترویج مفاسد اجتماعی و تحریک شهوات.

جمع‌بندی مباحث تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه:



(تعلیم و تربیت اسلامی)



۱. الف) وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶)

ب) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (ملک/۲)



۶-۱. روش ایجاد هدف

۶-۱-۱. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر

در مدار تعلیم و تربیت جامعه، یکی از مهمترین وظایف رهبران، مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران یک کشور ایجاد هدف است. بدون وجود هدف، فرد در زندگی خود سرگردان گشته و از شور و نشاط لازم برخوردار نخواهد بود و در مقابل، ایجاد هدف به فرد حرکت داده، باعث می‌شود ارزش‌ها برای وی مفهوم خود را پیدا نمایند.

مسیر و جهت زندگی طولی را هدف تعیین می‌نماید. همچنین ایجاد هدف در فرد باعث سامان‌دادن به زیست عرضی، و احساس آرامش و ارزش می‌شود و در فرد روحیه تلاش و نشاط را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود فرد از زندگی خود احساس لذت کند. (با وجود مشکلات، سختی‌ها و نارسایی‌ها)

در حقیقت عدم وجود هدف در فرد نشانه‌ای است بر اینکه وی از دیدگاه و عقیده‌ی مطلوبی برخوردار نبوده و فاقد ارزش‌های والا در زندگی است و صرفاً به دنبال گذراندن عمر و امرار معاش و از این قبیل می‌باشد و در نتیجه موضوعاتی از قبیل خودیابی، خودشناسی، خداشناسی و خودسازی برای او مفهومی نداشته و از ارزش و اهمیت لازم برخوردار نمی‌باشند، چرا که اصولاً این مفاهیم برای او مطرح نمی‌باشند، لذا در زندگی سرگردان شده و به احساس پوچی رسیده، به حالت یکنواختی و سردی خاصی دچار می‌گردد.

۶-۱-۲. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

۱. توجه جدی به ایجاد هدف به عنوان یک اصل مهم تربیتی از سوی مربی.
۲. تبیین اهمیت، نقش و تأثیر وجود هدف و عواقب وخیم ناشی از فقدان آن در زندگی برای فراگیر توسط مربی و شناساندن جایگاه و کاربرد هدف به او به گونه‌ای که این موضوع را کاملاً ادراک نماید.



۳. تشخیص و ارائه اهداف متناسب با فرد از بین اهداف و دیدگاه‌ها به‌گونه‌ای که اهداف، روشن و واضح، گویا، قابل وصول، ارزشمند و متعالی باشد.

۴. بیان اهداف ویژه‌ی فرد با شاخص نمودن آیات و احادیث برگزیده^۱ به عنوان محورهای زندگی برای وی (نحوه‌ی تعیین اهداف)

۵. ارتباط همیشگی با هدف با یادآوری و تبیین دائمی آن.

۶. ملاک قراردادن اهداف در زیست عرضی و یا تبدیل اهداف کلی و مرحله‌ای به اهداف رفتاری.

مثال: با حرکت فکر فراگیر و ایجاد زمینه‌ی مناسب، آیه‌ی (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)^۲ برای وی شاخص شده و فرد به عنوان محور زندگی آن را ادراک و پذیرش می‌نماید.

* اهداف کلی اتخاذ شده از این آیه:

۱. آفرینش انسان هدفدار است. (من هدفمند هستم) (تشکیل دیدگاه)
۲. هدف خلقت عبادت است.

* هدف مرحله‌ای:

۱. رشد دادن و بالفعل نمودن استعدادها برای نیل به هدف خلقت.
۲. قبل از هر عملی خدا را در نظر می‌گیرم اگر او راضی است انجام می‌دهم. (تشکیل عقیده)

* اهداف رفتاری:

۱. انتخاب حرفه‌ی مناسب به منظور درآمد حلال جهت امرار معاش. (طبق عقیده)

۱. بر اساس اصول اداره کلاسهای تربیتی که در فصل ۳ ذکر شده است.

۲. ذاریات / ۵۶



۲. انجام تحصیلات (رشته‌ی دانشگاهی متناسب با علاقه و استعداد فرد)
۳. انجام فعالیت‌های اجتماعی و تلاش فرد در جهت بهبود اوضاع محیط و اجتماع.
۴. مطالعه پیرامون موضوعات مشخص با هدف رشد فکری و ... (مانند مطالعه‌ی نحوه‌ی تربیت فرزند توسط مادران).
۵. کسب مهارت‌های فردی در جهت استفاده‌ی بهینه از فرصت‌ها (مانند کسب مهارت‌های خیاطی، کامپیوتر، آشپزی، گلدوزی، مربی‌گری یا معلمی ... در دختران و کسب مهارت‌هایی نظیر نجاری، لوله‌کشی، مکانیکی، کامپیوتر و ... در پسران).
۶. تفکر در مفاهیم فرازهای نماز هنگام نمازخواندن.
۷. گرفتن روزه‌ی واقعی و مواظبت از نگاه، زبان، گوش و ...

۷-۱. ارزشگذاری

۷-۱-۱. تعریف

ارزشگذاری یعنی انتخاب چیزی (راهی، فردی، عاملی) بر اساس ملاک‌ها و معیارها، یا انتخاب یک چیز بین دو یا چند چیز دیگر. مثال: کدام راه در زندگی انتخاب شود؟ کدام مشی سیاسی و یا جناح انتخاب شود؟ کدام نوع حجاب؟ و یا بین چند چیز درست و صحیح، کدام انتخاب شود؟ کدام خواستگار؟ کدام همسر؟ کدام شغل؟

۷-۱-۲. ارزش‌شناسی

از آنجا که ارزش‌ها در زندگی افراد از جایگاه مهم و حساسی برخوردار است و شخصیت و هویت مطلوب را، ارزش‌های والا می‌سازند، برای هر فرد در زیست طولی و عرضی اصل ارزش‌شناسی و ارزشگذاری به طور دائم مطرح بوده، نقش مهمی را ایفا می‌نماید و آنچه که به ارزشگذاری منتهی می‌گردد، ارزش‌شناسی است.

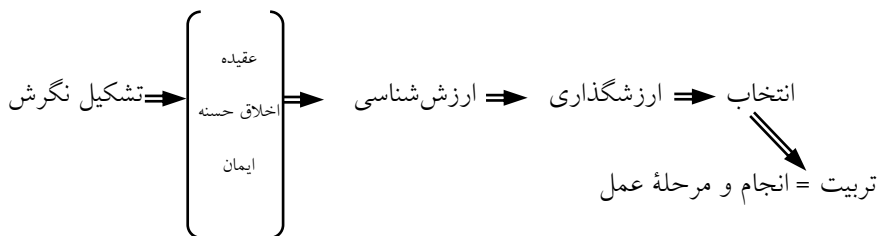


به عنوان مثال انتخاب تماشای تلویزیون و موقوف نمودن نماز به بعد از آن، که در این صورت فرد در ارزشگذاری و انتخاب عمل، برای نماز ارزش پایین تری را قائل است، لذا تا فرد ارزش‌ها را نشناسد یا به مرحله ارزشگذاری نمی‌رسد و یا فاقد ارزش‌های والا خواهد شد.

منشأ ارزشگذاری و ارزش‌شناسی تشکیل نگرش بوده، هر دو از تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه بدست می‌آیند و این چهار محور، فرد را در شناخت ارزش‌ها، ارزشگذاری، انتخاب و عمل کمک می‌نمایند.

* ملاک و زیربنای کلی ارزش‌شناسی و ارزش‌ها، تشکیل نگرش می‌باشد.

زمانی ارزشگذاری به صورت مشخص و بر مبنای اصول واقع گشته و با ارزش می‌شود و همچنین هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که دیدگاه فرد تشکیل شده، عقیده شکل پیدا کرده، در فرد شاکله ایمان بوجود آمده، در مدار کسب اخلاق حسنه نیز واقع شده باشد. بنابراین وظیفه مربی آن است که بدون هیچگونه دخالتی در انتخاب‌های فرد (مثلاً توصیه نمودن به انجام نماز در اول وقت و پس از آن پرداختن به تماشای تلویزیون و ...) به ایجاد این شاکله‌های مناسب یاد شده در فرد اقدام نماید تا فرد بر اساس این شاکله‌ها، ارزشگذاری نموده، بهترین رفتار را انتخاب نماید. مثلاً در بین دوستان خود ارزش قائل شده، ارزشگذاری کرده، دست به انتخاب بزند و با دوستانی که اهل رفتارهای ناپسند مانند کشیدن سیگار و ... هستند بر اساس ملاک‌های صحیح خود قطع ارتباط نماید.





۳-۷-۱. کاربرد ارزشگذاری در تعلیم و تربیت فراگیر

۱. ضروری است مربی در تعلیم و تربیت فراگیر، وی را ابتدا به ارزش‌شناسی رسانده و سپس به مرحله ارزشگذاری برساند، چرا که تبلور و نمود تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه و مهمتر اینکه نوع آنها (نوع تشکیل عقیده، نوع تشکیل اخلاق حسنه و نوع تشکیل ایمان) در ارزشگذاری مشخص می‌گردد.

۲. لازم است مربی شاکله‌ی ارزشگذاری را در فرد بدین صورت بوجود آورد که فراگیر به طور آگاهانه، عادت کند قبل از ارتکاب هرگونه رفتار، ابتدا دیدگاه، عقیده، ایمان و اخلاق حسنه را دخالت داده و بر مبنای آنها رفتارهای خویش را تنظیم نماید و نه بر اساس آنچه که خود می‌خواهد (سلیقه و ذائقه = هوای نفس) و یا دیگران می‌خواهند (محیط اطرافیان، عوامل بیگانه و ...)

* مفهوم ارزش‌ها در بخش تشکیل نگرش برای فرد، درونی، عینی و مشخص شده و سپس در ارزشگذاری تبلور پیدا کرده و انتخاب می‌گردند. (دقت شود)

۴-۷-۱. ارزشگذاری و ارزش‌شناسی در قرآن

در بسیاری از آیات قرآن بطور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع ارزشگذاری و ارزش‌شناسی تصریح شده و با واژه‌ها و مفاهیم مختلفی به آن پرداخته شده است:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۱ «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (وپذیرا گردد) یا کفرانکند.

ارزشگذاری و انتخاب یکی از دو راه.



وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^۱

«و بگو (به آنان) که حق از سوی پروردگارتان برای شما ارائه شده هر کس

خواست ایمان بیاورد و هر کس خواست انکار ورزد.»

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَأَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۲

«کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند هرگز به خدا زیانی

نمی‌رسانند و برای آنها مجازات دردناکی است.»

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا^۳

«بگو: ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو

آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود

گمراه می‌گردد ...»

... فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ...^۴ «... آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند...»

... مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...^۵

بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت ...

* قرآن گاهی، با واژه‌هایی چون عزت به این موضوع پرداخته است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۶

۱. کهف/۲۹

۲. آل عمران/۱۷۷

۳. یونس/۱۰۸

۴. فصلت/۱۷

۵. آل عمران/۱۵

۶. فاطر/۱۰



«کسی که خواهان عزت و توانایی است (باید از خدا بخواهد؛ چرا که) تمام عزت و

توانایی برای خداست؛»

... أَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...^۱

«آیا عزت و سربلندی را نزد آنان می‌جویند با این که همه‌ی عزت‌ها از آن

خداست؟!»

... إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...^۲ «تمام عزت (و قدرت)، از آن خداست؛»

... وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ^۳ «... عزت مخصوص خدا و پیامبر او و مؤمنان است؛ ...»

۵-۷-۱. دست‌یافته‌گان به ارزش‌ها

قرآن افراد مختلفی را بعنوان دست‌یافته‌گان به ارزش‌ها معرفی می‌کند:

... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ

الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۹۵﴾ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً...^۴

«و (خداوند) مجاهدین را بر کسانی که از جهاد خودداری کرده‌اند، با پاداش

مهمی برتری بخشیده است. درجات (والا) و آمرزش و رحمت از ناحیه خود

(نصیب آنان می‌کند) ...»

... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...^۵ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ ...

... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...^۶

۱. نساء/۱۳۹

۲. یونس/۶۵

۳. منافقون/۸

۴. نساء/۹۵ و ۹۶

۵. حجرات/۱۳

۶. مجادله/۱۱



«... خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده

شده، درجات عظیمی می‌بخشد؛ ...»

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّحِينَ^۱

«و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را پیا دارند، (پاداش بزرگی

خواهند داشت؛ زیرا ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.»

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا^۲

«و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، (در روز رستاخیز)، هم‌نشین کسانی

خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و

صالحان؛ و آنها هم‌نشین خوبی هستند.»

۶-۷-۱. ارزشگذاری در نماز

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ»: ارزش دانستن خداوند و انتخاب او از میان تمامی معبودها.

«إِيَّاكَ تَسْتَعِينُ»: انتخاب او از میان یاورها و معین‌ها

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»: درخواست هدایت به سمت بهترین راه از میان راهها.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»: نفی تمامی اله‌هایی است که برای انسان متصور می‌شود به جز

خداوند. (اله درونی، اله مادی، اله فکری و ...) این اقرار و ارزشگذاری نفی تمامی اله‌ها و

شرط مسلمانی است، سعادت و فلاح نیز در نفی اله‌هاست. «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا».

۱. اعراف/۱۷۰

۲. نساء/۶۹



۸-۱. روش محبت نمودن

انسان در هر سن و موقعیتی که باشد نیاز به محبت یکی از احتیاجات اساسی او می باشد. محبت در ایجاد تعادل درونی و تثبیت شخصیت افراد نقش تعیین کننده ایفا می نماید. عدم تأمین محبت باعث برهم خوردن تعادل درونی، آشفتگی های روحی - روانی، بیقراری، بیماری های عصبی، عدم سازش اجتماعی، عدم توان برقراری ارتباط با محیط و عوارض مختلف دیگری می شود.

یکی از مهم ترین ویژگی های انسان که او را از دیگر جانداران متمایز می سازد، موضوع محبت و عشق و علاقه می باشد. در جانداران به جز انسان اگر دلبستگی و وابستگی بین دو موجود مشاهده می شود به صورت غریزی و برای مدتی مشخص می باشد مانند علاقه به فرزند که در انسان ها به طور متکامل و دائمی و اثرگذار بوده ولی در جانداران دیگر به صورت غریزه و پس از مدتی تأثیر خود را از دست می دهد. در بین انسان ها محبت و عاطفه گاه به قدری شدید است که خود را ممکن است، فدا کنند و هم چنین پس از مرگ نیز پیوند عاطفی در انسان ممکن است، تداوم یابد.

در فقدان یکی از بستگان تا مدت ها و سال ها و تا پایان عمر این احساس تداوم داشته و احساس پیوستگی و دلبستگی محبت همچنان باقی است.

«محبت نیاز اساسی و طبیعی انسان است. یکی از عللی که آدمی را از تنهایی گریزان و در جمع سرخوش می سازد، این است که در تنهایی محبت جایی ندارد و تمایلات آدمی در آن برآورده و ارضا نمی شود.

محبت مهم ترین عامل سلامت روح و عدم آن موجب ناهنجاری های روانی است. کمبود محبت مشکلاتی را پدید می آورد که نه تنها زیان بخش است، بلکه زمینه را برای آشفتگی های اجتماعی فراهم می سازد»^۱.

۱. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)، ص ۱۱۸.



۱-۸-۱. نکات کاربردی روش محبت

۱. محبت لازم است ابراز شود. در جریان تربیت، خواه در برانگیختن بر انجام پاره‌ای از اعمال یا بر ترک پاره‌ای از آن‌ها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت‌آمیز بهره جست. این بهره‌وری به دو گونه میسر است: یکی با بذل محبت و دیگری با حرمان آن.

ابراز محبت مربی به دلبستگی متربی جهت و سمت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مربی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت. به زبان آوردن مهر، مایه‌ی تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه‌ی تأثیرگذاری مربی و متربی است. از این رو در توصیه‌های اسلامی، بر به زبان آوردن مهر تأکید شده است. مربی با بیان محبت پیشی جوینده‌ی خویش نسبت به متربی، او را دلبسته‌ی خویش می‌گرداند. این دلبستگی، بسیار قدرتمند و کارساز است و می‌توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب دوش گرفتن تکالیف ساخت. خداوند خود در موضع تربیت، این شیوه را به کار بسته است. نمونه‌ای از این گونه اظهار محبت را درباره‌ی حضرت موسی علیه السلام ملاحظه می‌کنیم:

وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي^۱ و من محبت خویش را شامل حال تو کردم تا

تحت نظر من ساخته شوی.

ائمه اطهار علیهم السلام نیز در برانگیختن شاگردان خود برای تن دادن به تکالیف و کسب خصایل مطلوب تربیتی، از قدرت دلبستگی بهره جست‌ه‌اند و خشنودی و سرور خویش را در گرو تلاش آنان برای اصلاح خود قرار داده‌اند.

بیان قهر نیز همچون مهر قدرتمند است، زیرا قهر، منع مهر است و اگر مهر نافذ باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. و «الانسان حریصٌ علی ما منع». به زبان



آوردن قهر و ابراز بی‌مهری، ترس از حرمان را در مخاطب (مخاطبی که دل‌بسته است) دامن می‌زند و همین ترس، عامل بازدارنده‌ی نیرومندی است که تخطی را مهار می‌زند. نباید از این نیرومندی و تعیین‌کنندگی غافل شد و به روش‌هایی چون زجر و تنبیه روی آورد؛ چه، این شیوه‌ها از حیث تأثیر بسی فروترند.^۱

۲. نسبت به مخاطب متناسب با او ابراز شود. انواع محبت: محبت بین والدین و فرزند، محبت بین همسران، محبت بین بستگان و ارحام (خواهر، برادر، پدربزرگ، مادربزرگ، عمو، عمه، خاله، دایی و ...)، محبت بین دو دوست، محبت نسبت به افراد جامعه اعم از مؤمن و کافر و ...، محبت بین مربی و فراگیر.

۳. محبت همگانی باشد. یعنی به کودک و نوجوان، جوان و بزرگسال اعم از آشنا یا غریبه یا دیگر افراد محیط.

۴. در تعامل با کلیه افراد در همان تماس اولیه با لحن عاطفی، گرم و صمیمی برخورد شود.

۵. محبت مشروط نباشد. در قبال محبتی که می‌شود توقع و انتظاری مطرح نباشد.

۶. میزان محبت متناسب با نیاز، سن، جنس و موقعیت فرد باشد.

۷. عدم افراط و تفریط محبت نسبت به مخاطب.

۸. رعایت عدالت در محبت در محیط یا کلاس.

۹. خالصانه باشد. محبت ساختگی و تصنعی ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق مربی به دو شیوه این روش را به کار می‌بندد:

الف) با تک‌تک فراگیران ارتباط عاطفی برقرار نماید و با آن‌ها با محبت برخورد نموده و ارتباط دوستی برقرار نماید.

ب) فضای عمومی کلاس یا جلسه را با حالت و جو عاطفی تنظیم و اداره نماید.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۲۲۳ - ۲۲۹.



۲-۸-۱. محبت در قرآن و روایات

در معارف اسلامی مسائل عاطفی با واژه‌های محبت (حب)، مودت (ود)، رحمت و میل ذکر گردیده است.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يُرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ^۱

بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند، برای خود انتخاب می‌کنند، و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند، اما آنها که ایمان دارند عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهایشان) شدیدتر است، و آنها که ستم کردند (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب خدا را مشاهده کنند خواهند دانست که تمام قدرت به دست خدا است، و او دارای مجازات شدید است (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند).

... وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...^۲ و در میانتان محبت و رحمت قرار داد

... وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا...^۳ و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده.

گرچه بعضی از مفسران مفهوم این جمله را محدود به کسانی کرده‌اند که بعد از پیروزی اسلام و فتح مکه به مسلمانان پیوستند، ولی هیچ دلیلی بر این محدودیت نیست، بلکه تمام مسلمین را تا دامنه قیامت شامل می‌شود، و به فرض که آیه ناظر به آن گروه خاص باشد از نظر ملاک و معیار و نتیجه عمومیت دارد، و به این ترتیب آیات ۱۰-۸ سوره حشر تمام مسلمین عالم را که در سه عنوان "مهاجرین" و "انصار" و "تابعین" خلاصه می‌شوند شامل می‌گردد.

۱. بقره/ ۱۶۵

۲. روم/ ۲۱

۳. حشر/ ۱۰



یکی از اوصافی که در این آیه برای تابعین ذکر شده اینکه آنها می‌کوشند هر گونه کینه و دشمنی و حسد را از درون دل خود بیرون بریزند، و از خداوند رؤوف و رحیم در این راه یاری می‌طلبند، و به این ترتیب "خودسازی" و "احترام به پیشگامان در ایمان" و "دوری از کینه و حسد" از ویژگیهای آنها است.

"غل" (بر وزن سل) در اصل به معنی نفوذ مخفیانه چیزی است، و لذا به آب جاری در میان درختان "غلل" می‌گویند، و از آنجا که حسد و عداوت و دشمنی به طرز مرموزی در قلب انسان نفوذ می‌کند به آن "غل" گفته شده، بنا بر این "غل" تنها به معنی "حسد" نیست بلکه مفهوم وسیعی دارد که بسیاری از صفات مخفی و زشت اخلاقی را شامل می‌شود.

تعبیر به "اخوان" (برادران) و استمداد از خداوند رؤوف و رحیم در پایان آیه همه حاکی از روح محبت و صفا و برادری است که بر کل جامعه اسلامی باید حاکم باشد و هر کس هر نیکی را می‌خواهد تنها برای خود نخواهد، بلکه تلاشها و تقاضاها همه به صورت جمعی و برای جمع انجام گیرد، و هر گونه کینه و عداوت و دشمنی و بخل و حرص و حسد از سینه‌ها شسته شود و این است یک جامعه اسلامی راستین.^۱

این آیه در حقیقت به جنبه سلبی روابط عاطفی می‌پردازد.

... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...^۲ خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد.

أَيُّ عَبْدٍ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَحَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتَبْتُ لِمَوَدَّةٍ بَيْنَكُمَا.^۳

امام جعفر صادق علیه السلام: «چون مردی را دوست داری، او را به این خبر ده؛ زیرا که آن،

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، صص ۵۲۳ - ۵۲۲.

۲. مائده/ ۵۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۹۹.



بیشتر دوستی را ثابت می‌دارد».

۹-۱. روش ایجاد جو حُسن و قبح

جو «حسن و قبح» از مسائل مهم و مبنائی در تدریس و کلاس‌داری می‌باشد و آن فضایی است (بین مدرس و فراگیر - فراگیران با هم - والدین و فرزند - بین همسران - در کل فضای آموزشی) که در آن خوبی‌ها، پاکی‌ها، مطلوب‌ها، هنجارها، و ... زیبا و حُسن شمرده شده و در مقابل بدی‌ها، پلیدی‌ها، نامطلوب‌ها، ناهنجارها، گناهان و ... زشت و قبیح تلقی می‌گردند و در صورت ایجاد این فضا فراگیر از درون، ملزم می‌شود، از اعمال و گفتاری که صحیح و جایز نیست و خلاف عقل، ادب و نزاکت بوده، قبیح و زشت شمرده می‌شوند، خودداری کند و در مقابل، به اعمالی که خوب و زیبا و مثبت می‌باشند گرایش می‌یابد.

مدرس (معلم، مربی، همسر، مادر) لازم است فراگیران را بین جو عاطفی و حسن و قبح قرار داده تا اهداف تربیتی تحقق یابند. لذا یکی از روش‌های تعلیم و تربیت، ایجاد این فضا است. این دو فضا شرایط و محیط را برای یادگیری، تدریس، ادراک و عملکرد، ساخت، رشد و تربیت به خوبی آماده می‌سازند.

۱۰-۱. روش ایجاد شرایط و محیط

۱۰-۱-۱. مفهوم‌شناسی

به جو و فضایی که بر فراگیر حاکم شده و او باید در آن تربیت شود، شرایط و محیط تربیتی گفته می‌شود.

معمولاً، رفتار، افکار و حالات هر فرد تابع شرایط و محیطی است که در آن قرار دارد. فضا و شرایط فراگیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود آمادگی پذیرش برنامه تربیتی را پیدا نموده، روند تعلیم و تربیت به راحتی به جریان افتاده در نتیجه از



رفتارهای تربیتی مطلوبی برخوردار می‌گردد و از ناهنجاری‌های رفتاری، بطور جدی جلوگیری می‌نماید. به گونه‌ای که فراگیر بر خود مسلط شده، خویش را کنترل نموده، و در عمل مراعات می‌نماید و مراقب اعمال خویش می‌باشد. انتخاب و تنظیم شرایط و محیط مطلوب در شکل دهی (برای مربی و دیگر عوامل تربیتی) و شکل‌پذیری حالات و رفتارها (برای فراگیر) نقش تعیین‌کننده دارد. لذا باید فضا و شرایط تعلیم و تربیت بطور مناسب و مطلوب بر عوامل تربیتی و فراگیر حاکم باشد. فضای مناسب مانند بستری است که گیاه برای رشد به آن احتیاج دارد و در حقیقت تربیت افراد بدون وجود جو و فضا ممکن نیست. (منظور از فضا، فضای بین فراگیر و مربی است)

۲-۱۰-۱. انواع شرایط و محیط

۱- شرایط فکری یا درونی ۲- شرایط محیطی یا بیرونی

«اللَّهُمَّ غَيْرِ سَوْءٍ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكُ» «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» درخواست تغییر شرایط درونی از خداوند

ابتدا لازم است شرایط فکری مطلوبی را بطور مناسب ایجاد نمود تا بتوان فراگیر را در مدار تعلیم و تربیت قرار داد.

تغییر شرایط درونی و فکری، بستری است برای تشکیل نگرش و ایجاد تفکر صحیح. در حقیقت خودفراموشی نوعی شرایط فکری نامناسب درونی است که با تغییر این شرایط، تربیت فرد حاصل می‌شود.

لازمه‌ی ایجاد شرایط فکری تشکیل نگرش و محصول آن، تفکر صحیح است. محیط سالم بر فرد اثر مطلوب می‌گذارد و انجام تربیت را ممکن می‌گرداند. در غیر این صورت محیط ناسالم بر فرد اثرات سوئی خواهد داشت. شرایط محیطی و بیرونی، در خانواده



با توافق و تنظیم والدین ایجاد می‌شود و در مدرسه و گروه همسالان نیز این شرایط لازم است به صورت مطلوب حاکم شود تا با ایجاد آن برنامه تربیتی اجرا شده، به جریان افتد.

۳-۱۰-۱. عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب

۱ - جو عاطفی ۲ - جو حسن و قبح

امام: رضایه: **التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ**^۱

«محبت با مردم نیمی از خرد است.»

ارتباط قلبی و عاطفی ایجاد کننده جو عاطفی، شرایط مناسب عقلی و فکری و ارتباط فکری نیز، باعث ایجاد جو حسن و قبح می‌شوند. انواع جو حسن و قبح عبارتند از: الف) انسان با خود ب) انسان با محیط (خانواده، همسر، دوستان، بستگان، محیط کار و محیط‌های اجتماعی دیگر) ج) انسان با خداوند (ارتکاب انواع گناهان؛ معمولاً؛ هنگامی است که این جو یا وجود ندارد و یا ضعیف و کم‌رنگ می‌باشد). عدم وجود یکی از این دو جو، که باید بین مربی و فراگیر، برقرار باشند باعث ناکارآمد شدن امر تعلیم و تربیت خواهد شد.

زشت و زیبا با عقل معنا می‌یابند. فضای حسن و قبح، بسان منظوفی است برای عقل انسان. قوای عقل در مدار تعلیم و تربیت باید به چیزی به نام حسن و قبح تبدیل شود. روابط عاطفی و جو عاطفی، مربوط به درون انسان می‌شود. تعلیم و تربیت لازم است بر دو پایه جو عاطفی و جو حسن و قبح استوار باشد زیرا این دو پایه ایجاد کننده شرایط بطور مطلوب هستند و بدون وجود یکی از آنها هرگز مربی به اهداف تعلیم و تربیت نخواهد رسید. اگر جو حاکم بر خانواده‌ها فقط جو حسن و قبح باشد (بدون

۱. حرانی، ابن شیععه، تحف العقول، ص ۴۴۳



روابط عاطفی) زندگی کردن در این فضا برای فرزندان دشوار گشته و در نتیجه فرزندان به بیرون از محیط خانواده پناه می‌برند.

وجود این دو جو در بین اعضاء خانواده و بین همسران در سالم ماندن روابط بین والدین و فرزند - زن و مرد نقش اساسی داشته و خلل در آن باعث می‌شود فرزند و یا همسران درصدد تأمین نیازهای خود در خارج از محیط خانواده باشند. در کلاسی که از جو و فضای مطلوب برخوردار باشد فراگیران صحبت‌های مربی را کاملاً پذیرا می‌شوند و در غیر آن هرگز حاضر به پذیرش وی نیستند. مثلاً دو مربی در دو فضای متفاوت به فراگیری موضوعی را متذکر می‌شوند، و وی سخن آن مربی را می‌پذیرد که در جو و فضای مطلوب اقدام به تربیت وی نموده است.

۴-۱۰-۱. کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر

۱. مربی لازم است فضا و شرایط حاکم بر فرد را بشناسد.

بداند فراگیر در چه سنینی از رشد قرار دارد؛ نوع برنامه تربیتی، افراد تربیت کننده و فضای ارتباطی خانواده وی را بشناسد؛ آیا در جو استبداد یا آزاد گذارنده قرار دارد یا متعادل؟ جو عاطفی بر خانواده حاکم است یا جو خشک و بی روح و سرد یا جو بی تفاوت؟ از نوع ارتباط اعضای خانواده با وی آشنا شود، دیدگاه، نوع عقیده و نحوه تفکرات او و خانواده‌اش را بشناسد.

در مجموع مربی لازم است کلیه عواملی را که اثر مطلوب یا نامطلوب بر فرد گذاشته یا عوامل و افرادی را که بر دیدگاه و فکر وی مسلط شده و مورد پذیرش او هستند را بشناسد و سپس با توجه به اطلاعات و شناخت حاصله، برنامه تربیتی و موضع تربیتی را اتخاذ نموده و جریان تعلیم و تربیت را برای آن فرد به جریان اندازد.

۲. مربی لازم است فراگیر را از سن نوجوانی نسبت به شرایط و فضایی که در آن



قرار دارد آگاه سازد(به ادراک رسیدن)، تا خود شرایطی که بر خویش حاکم است را ادراک نماید. یعنی از فرد یا افراد ذی‌نفوذ بر او، تأثیرپذیری وی از شرایط سنی، نوع فضای فکری، نوع روابطش با اطرافیان و ... اطلاع یابد.

به عنوان مثال بد خلقی یک عضو خانواده را در نظر او مجسم و تشریح نموده تا او خود از بد خلقی در خانواده دوری نماید. یا نسبت به مضرات سیگار در خانواده ای که پدر معتاد به آن است، فرد را آگاه نماید. همچنین لازم است فرد یا افراد ذی‌نفوذ به وی شناسانده شوند ممکن است یکی از اقوام فراگیر به آسانی بر او اثر بگذارد(مانند دایی، عمو، استاد، همسایه و یا حتی یک فیلم و یا یک کتاب). این موارد را به وی تفهیم نماید تا فرد بدون بکارگیری قوه‌ی شناخت، خود را تماماً در اختیار آن فرد یا عامل قرار نداده و سریعاً تسلیم عقاید افراد ذی‌نفوذ نگردد.

۳. مربی لازم است فراگیر را به این نتیجه رساند قبل از آنکه به محیطی وارد شود، نسبت به آن محیط و تأثیر احتمالی آن بر خود شناخت کافی پیدا نماید و بداند آن محیط خاص، ممکن است چه تأثیراتی بر وی بگذارد و او با آن محیط چه برخوردی انجام دهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ بِمَجْلِسٍ يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ»^۱.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند که در آن نافرمانی خداوند می‌شود و او نمی‌تواند مانع شود.»

مثال: از آنجا که بروز حالت های جدید در سن بلوغ در بین پسران و دختران ایجاد نگرانی و وحشت می‌نماید و به دنبال آن فرد را دچار نوعی عدم تعادل و ثبات درونی می‌نماید(مانع درونی)، مربی لازم است:

الف) تغییرات جسمی و روحی دوران بلوغ و نقش هورمون‌ها را برای وی تشریح نماید.

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۱.



ب) تأثیر فضای دانشجویی و سخن استاد بر او، جدید بودن جلوه‌های دانشگاه را برای او بازگو کند.

ج) حال و هوای سربازی و آسایشگاه و پُست و پادگان را برای او تشریح نماید.

د) مسائل ازدواج و پیامدهای آن و احساس جدیدی که به او دست می‌دهد را بیان نماید.

۴. مربی لازم است به زمینه‌سازی و سالم‌سازی محیط تربیتی (محیطی که فراگیر در آن تربیت می‌شود) اقدام نماید، گروهی را برای وی انتخاب، تا به عضویت آن در آید و نهایتاً شرایط فکری مطلوبی را بر فرد حاکم کند تا فرد در مدار تعلیم و تربیت قرارگیرد.

مثال: والدین و مربی لازم است از شرکت فراگیر در محیط‌های مبهم، مشکوک و ناسالم اجتماعی نظیر رفتن وی به جشن تولد و میهمانی‌های نامناسب و... شدیداً جلوگیری نمایند و به بهانه‌ی این که صله‌ی رحم امری است مؤکد و سفارش شده در اسلام، او را رها ننمایند و از شرکت فرد در یک مجلس ناسالم ممانعت نموده، وی را از آثار سوء آن در امان بدارند. همچنین در مقابل برنامه‌های نامناسب تلویزیونی، محیطی سالم و آزاد ایجاد نمایند و برای برنامه‌ی نامناسب تلویزیون بهای چندانی قائل نشوند، بدین ترتیب که همزمان با پخش آن، برنامه‌ای جذاب‌تر نظیر اردو، گردش، کوه و ... ترتیب داده، جایگزین نمایند.

۵. زمینه‌سازی شرایط و محیط تربیتی: جو و فضایی که فرد در آن قرار می‌گیرد عامل بسیار مهم، مؤثر و تعیین کننده‌ای در ثمر بخشی برنامه تربیتی بر فراگیر می‌باشد. وجود فضای تفاهم، دوستی، محبت، جو عاطفی و برادری و معنویت نقش بسیار مهمی را در انجام و وقوع تعلیم و تربیت بر عهده گرفته و تا حد زیادی آن را امکان‌پذیر می‌سازد. مثلاً اگر در محیطی مانند خانواده یا کلاس یا جامعه، التهاب، تنش، اختلافات و ناامنی وجود داشته باشد امکان تربیت نمودن فراگیر ضعیف و مشکل و گاهی غیرممکن خواهد بود و در برخی مواقع نیز نتایج معکوسی به بار می‌آورد.



همانگونه که بیان شد فضا و شرایط مناسب در تشکیل هویت و شخصیت فرد نقش بسزایی دارد و در ابتدا لازم است زمینه‌سازی گردد یعنی شرایط را برای تربیت فرد مساعد نموده و عوامل مخل و باز دارنده را خنثی و دفع نمود، تا موانع برطرف گردیده و فضای مناسب فراهم آید؛ این فضا لازمی تعلیم و تربیت است لذا ضروری است علاوه بر ایجاد شرایطی که باعث بروز حالات و رفتارهای مطلوب می‌شود، از ایجاد شرایطی که در شکل‌دهی رفتار و حالات نامطلوب مؤثر است جلوگیری به عمل آورد (پیشگیری به منظور عدم بروز انواع رفتارهای نامطلوب). در فرهنگ قرآن برای زمینه‌سازی و این نوع پیشگیری واژه‌هایی از قبیل «ولاتقربوا» به کار رفته است مانند: «وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ»^۱ نزدیک کارهای زشت نروید.

۶. تغییر در شرایط و موقعیت: گاهی اوقات مربی برای ایجاد تغییر، ساخت و تربیت فراگیر، بدون توجه به شرایط، فضا و محیط حاکم بر وی، تمام تلاش خود را بر رفتار وی معطوف داشته و او را با انواع اوامر و نواهی تربیتی مواجه می‌سازد ولی حاصل آنکه به نتیجه‌ای دست نیافته، و از اصلاح و تربیت وی مأیوس می‌گردد. بین والدین و فرزند، مربی و فراگیر، بین دو همسر، بین مدیران و کارکنان، بین مجریان و برنامه‌ریزان و بین رهبران جامعه و مردم ممکن است این حالت روی دهد، در حالی که با تغییر در شرایط، محیط و موقعیت فراگیر به راحتی می‌توان اعمال، گفتار، طرز تفکر، ارزش‌ها و حتی مهم‌تر از آن دیدگاه و نگرش وی را تغییر داد، لذا مربی لازم است از تغییر موقعیت در شرایط زمانی و مکانی و تغییر در شرایط اجتماعی استفاده نماید.

فلسفه‌ی هجرت، سفرهای زیارتی، سفر حج، عتبات عالیات (کربلا و نجف اشرف) و مشهد مقدس، مسافرت‌های فصلی دور و نزدیک، تغییر محیط‌های شغلی، تغییر مدرسه، تغییر منزل، تغییرات در فضای منزل، تغییر دوستان و هم‌نشینان، تغییر برنامه روزانه، تغییر



در ساعات خواب و بیداری و برنامه‌های چهل روزه برای خود سازی در علم اخلاق، تغییر مشی اجتماعی حاکمان، همگی در این راستا می‌باشند.

۵-۱۰-۱. عوامل مؤثر بر شرایط و محیط تعلیم و تربیت

۱. عامل زمان: به عنوان مثال در طول سال ایامی وجود دارند که برای هر فرد با دیگر ایام تفاوت دارند (ایام الله) مانند روز عید غدیر، روز تولد امام زمان ع، ایام عاشورا، شروع بهار، ایام پائیز، ایام ماه مبارک رمضان، شبهای قدر و... این ایام ممکن است فرد را دست خوش احساس خاصی نموده و بر وی تأثیر گذارد.

۲. عامل مکان: در حرم ائمه اطهار علیهم السلام، مساجد، فضای زیبای جنگل، کنار دریا و تماشای آبشاری در کوه نیز ممکن است در انسان احساسی ویژه ایجاد نموده و به نوعی تحت تأثیر قرار دهد. بدین جهت است که در روایات زیادی توصیه بر حضور در مشاهد شریفه شده است.

۳. عامل محیط‌های اجتماعی: مانند محیط خانواده، محیط کلاس و یا جلسه، محیط مدرسه، محیط همسالان و ...

۴. عامل وراثت: بسیاری از رفتارها و انتخاب های فرد تابع حالات درونی اوست که این حالات به وی منتقل شده و آن را به ارث برده است. مانند بدبینی و یا خوش بینی که فراگیر در مجاورت و یا تعامل با فرد خوش بین و یا بدبین تحت تأثیر قرار گیرد.

۶-۱۰-۱. موضع تربیتی

۱. هدف تربیتی^۱: عمل یا رفتار تربیت شده‌ای است که فراگیر باید به آن دست یابد مانند تبدیل حرف زشت زدن به حرف خوب زدن یا بدحجابی به حجاب مطلوب.

۱. انواع اهداف تربیتی عبارتند از: ایجاد، کاهش (تقلیل)، افزایش (تقویت)، محو، جلوگیری و نگهداری یا حفظ یک عمل و یا رفتار



۲. ارتباط تربیتی: رابطه‌ای است که مربی، پس از پذیرش وی توسط فراگیر، برای رسیدن به یک هدف تربیتی برقرار می‌کند.

۳. جوّ تربیتی: وجود جوّ عاطفی مطلوب، و جوّ حسن و قبح لازم.

۴. برنامه تربیتی: مجموعه اعمال و اقداماتی است منظم، با هدف که والدین، مربی، دیگر عوامل اثرگذار بر فراگیر و خود برای تغییر، ساخت، رشد و نهایتاً تربیت فرد با هماهنگی هم انجام می‌دهند.

* موضع تربیتی: نوع جوّ تربیتی و ایجاد آن و ارتباط تربیتی برای تربیت هر فرد موضع تربیتی نامیده می‌شود.

ارتباط تربیتی مربی با فراگیر عامل تعیین کننده در میزان موفقیت او می‌باشد. برنامه تربیتی برای همه یکسان، ولی موضع تربیتی برای هر فرد متفاوت می‌باشد، در حقیقت جمع بین ارتباط تربیتی و نوع جوّ تربیتی، موضع تربیتی است و مربی لازم است در مقابل هر فرد موضع تربیتی خاص وی را اتخاذ نماید. مثلاً مادری ممکن است برای دو فرزند دوقلوی خود، دو موضع تربیتی متفاوت اتخاذ نماید و مطابق با هر موضع تربیتی و بر اساس آن یک نوع رابطه (صمیمی، عاطفی، احساسی، رابطه‌ی فکری و یا حتی قلبی و...) با فرزند خود برقرار نماید. (با توجه به رعایت اصل تفاوت‌های فردی)

۱-۱۱. روش ایجاد شاکله تفکر صحیح

۱-۱۱-۱. مفهوم‌شناسی تفکر صحیح

هرگاه نیروی فکر هر فرد بر مبنای صحیح (نگرش مطلوب تشکیل یافته - فطرت - شرع) و به طور اصولی، یعنی بر اساس نیات صادق و پاکی و راستی بالفعل گردد، وی به تفکر صحیح دست یافته است. هر فرد در هر موقعیت سنی، در زیست روزانه خود و در تعاملات و گُنش‌های اجتماعی نیاز شدید به «عاملی» دارد که به واسطه‌ی آن هر چه



مطلوبتر زندگی نموده، در صحیح برقرار نمودن ارتباط با عوامل اجتماعی (خانواده، محیط زندگی، مدرسه و ...) موفق شده، رعایت حقوق آنها را نموده، قوانین و ضوابط اجتماعی را نیز در عمل رعایت نماید.

لازم به ذکر است حقوق اجتماعی با قوانین اجتماعی متفاوت است؛ قوانین اجتماعی مقررات و قوانینی است که در یک جامعه جهت برقراری نظم و مشابه آن، وضع و رعایت می‌شوند مانند مقررات راهنمایی و رانندگی و ...، حقوق اجتماعی، که در اسلام به آن اهمیت بسیاری داده شده، نظیر حقوق اطرافیان و اعضای جامعه، حق والدین، حق استاد، حق همسایه و ... می‌باشد.

برای اینکه فراگیر به اهداف زیست عرضی خود رسیده، با تماس و برخوردهای صحیح و صداقت و راستگویی و گفتگوی صحیح (زیبا صحبت نمودن، عدم بکار بردن الفاظ زشت، رعایت عفت کلام) چهره‌ی مطلوبی از خود بسازد، به یک عامل و محوری قوی نیازمند است و آن، تفکر صحیح است.

تفکر صحیح یکی از عوامل مهم در ساخت و شکل‌گیری شخصیت مطلوب فردی و اجتماعی برای هر فرد و نیز منشأ برخورداری از انواع رفتارهای مناسب و صحیح خواهد بود.

اهداف و غایت نهایی آیات قرآن و دستورات ائمه علیهم‌السلام ایجاد یک شاکله‌ی فکری در فرد است تا او به تفکر صحیح دست یافته و این طرز تفکر یاری دهنده‌ی فرد در زیست روزانه‌ی او باشد. کلام و فقه شیعه بر مبنای تفکر صحیح، بایدها و نبایدها، حسن و قبح عملی و فکری را تنظیم نموده است.

در مجموع در مبانی شیعه تربیت هر فرد مستلزم وجود انگیزه، نیرو و عامل قوی درونی در فرد است تا خود آن چه صحیح بوده را تشخیص و سپس انجام دهد و از خطا و اشتباه و انحراف اجتناب ورزد؛ این اصل و عامل و نیروی درونی کار آمد



(ایمان و تعقل) در تفکر صحیح تبلور و شکل‌بندی می‌شود، در نتیجه می‌توان گفت با ایجاد تفکر صحیح در فرد، وی به نحو احسن تربیت شده است.

تفکر صحیح در صورتی که با نیت صادق همراه شد، در نهایت فرد را به زیستی مطلوب و صحیح رهنمون می‌نماید. (نیت صادق بر خاسته از ایمان و اخلاق حسنه است).

از تفکر گاهی به لفظ تدبیر و اندیشه و در قرآن از آن به، لُب، هم تعبیر می‌شود که نهایتاً به تعقل ختم خواهد شد، در مرحله تعقل، هنگامی که قوه‌ی عاقله با دستورات قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام همراه شده، در صحنه وجودی انسان نمودار گردد، تفکر صحیح تشکیل و به کارآیی می‌رسد.

۲-۱۱-۱. فواید تفکر صحیح

تفکر صحیح به انسان‌ها ارزش و بها داده، به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد. اگر فرد (فراگیر) واجد تفکر صحیح شود، واجد رفتار و گفتار صحیح هم خواهد شد. (کسب تفکر صحیح = صحت رفتار و گفتار)

در نتیجه تفکر صحیح یک محور تربیتی است که فرد با کسب آن خود به خود حقوق و قوانین اجتماعی و مهم‌تر دستورات فقهی و دینی را به نحو مطلوب رعایت خواهد نمود (یعنی حدود و حقوق شرعی اعم از انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات و گناهان، خود به خود رعایت می‌گردد). فقدان شاکله‌ی تفکر صحیح، ضعف و یا از دست دادن آن ریشه‌ی انواع جرائم و تخلفات اجتماعی و فکری و رفتاری است. ایجاد و گسترش تشکیلات قوه قضائیه یا انواع دادگاه‌ها و زندان‌ها و نیروی انتظامی با بودجه‌ی عظیم آن، در هر مملکت، مربوط به این تخلفات و جرائم می‌باشد.

کج خلقی، کج فکری، کج سازگاری، ناسازگاری، خطاکاری، بزهکاری و ... همگی مربوط به عدم تفکر صحیح است.



از نظر فقهی و اخلاقی، اعمالی مانند: انواع سرقت‌ها (سرقت اموال دیگران، کوتاهی معلم نسبت به تربیت فراگیران یا عدم مطالعه قبل از ورود به کلاس، خالی گرفتن پیمانہ توسط فروشنده و...)، تقلب، رشوه، ربا و نزول‌خواری، انواع نزاع‌های خانوادگی، اختلافات زناشویی و اکثر طلاق‌ها، ابتلا به انواع اعتیادها، انواع مفسد، ریاکاری، نفاق، کبر و خودخواهی، تخلف در امانت و وعده، غضب انواع حقوق فردی و اجتماعی، تبعیضات (# عدالت) و... معلول فقدان، ضعف و یا از دست دادن تفکر صحیح می‌باشد. تفکر صحیح می‌تواند مانع صرف بودجه و هزینه‌ها، آسیب‌ها و زیان‌های مادی و انسانی و به هدر رفتن استعدادها و توانایی‌ها گردد. تفکر صحیح راه صحیح تأمین نیازها را می‌نمایاند و وصول به انواع این نیازها را تسهیل می‌نماید. با تفکر صحیح، استعدادها به خوبی بالفعل می‌شوند و این فعلیت همان ایجاد توانایی‌ها در فرد می‌باشد.

* به طور کلی، تفکر صحیح، به نوع اعمال، از نظر صحیح بودن می‌پردازد.

۳-۱۱-۱. کاربرد ایجاد تفکر صحیح در تعلیم و تربیت فراگیر

دقت در زبان عمومی قرآن نشان می‌دهد قرآن گاهی به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم به تفکر صحیح، فواید آن و نتایج حاصل از عدم آن می‌پردازد. تأثیر و حاصل بسیاری از آیات قرآن ایجاد شاکله‌ی تفکر صحیح در فرد است و معمولاً بدین صورت است که:

قرآن از طرفی فرد را به مبدأ توجه عمیق داده (روحیه توحید) و از سوی دیگر مقصد و معاد را مقابل وی قرار می‌دهد. (دقت شود)^۱

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۲ - وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ

۱. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللّٰهَ يَرَى (علق / ۱۴) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران / ۱۸۵)

۲. بقره / ۱۵۶

۳. حدید / ۴



زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ^۱ - إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا - وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظَاهَرُ
نَفْسٌ شَيْئًا^۲

حالت درونی و فکری فردی که بین این دو مدار (مبدأ و معاد) قرار گرفته و با تمام وجود این دو را حس نموده و آن دو را مبنای عقیده‌ی خود قرار می‌دهد، چگونه خواهد بود؟ یعنی از طرفی خداوند را در همه حال حاکم بر خود و اعمال و گفتار و افکار خویش دانسته و او را با تمام وجود بر خود حس می‌نماید (= او را علیم می‌داند، هُوَ مَعَكُمُ) و از سوی دیگر به سرای آخرت و پاداش و مجازات اعمال کاملاً پایبند و معتقد می‌باشد (= مرحله ادراک) لذا در این حالت قبل از انجام هرگونه عملی رضایت او را دخالت می‌دهد (وجود روح توحید، صِبْغَةَ اللَّهِ) در نهایت این حالت به وجود آمده (از توجه عمیق به آن دو)، شاکله‌ای را در فرد به وجود می‌آورد که همان تفکر صحیح است.

عامل مهم در تربیت فرد و جامعه، وجود «روح توحید» است و کم‌رنگ شدن این روحیه باعث تشدید جرایم و مفساد خواهد بود. علت اصلی عقب ماندگی مسلمانان ها و نبود تفکر صحیح در جوامع اسلامی، فراموشی مفاهیم قرآن و مطرح نبودن قرآن در زیست عرضی و طولی آنان می‌باشد.

قرآن زمانی با موضوع هدایت و گاه با طرح صراط مستقیم فرد را به تفکر صحیح گرایش داده و مواقعی برای این موضوع واژه‌ها و مفاهیم ضلالت و اعمی (نابینایی دل) را در مقابل تفکر صحیح مطرح می‌سازد. گاهی با طرح کسب سعادت و زمانی هم با ایجاد سؤال (روش بسیار مؤثر) و اندیشه نمودن و تعقل ورزیدن، او را برای کسب این مهم

۱. حج / ۱

۲. زلزله / ۱

۳. انبیاء / ۴۷



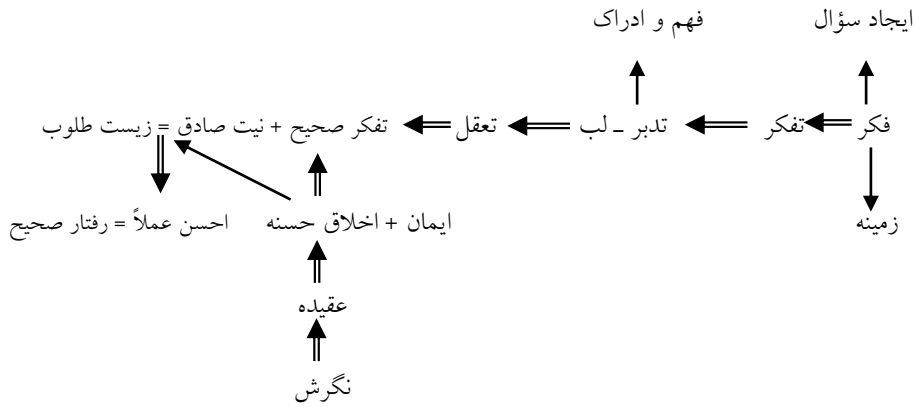
یاری می‌دهد. و بسیار دیده می‌شود که قرآن کریم خصوصیات و ویژگی‌های افرادی که واجد یا فاقد تفکر صحیح هستند را بیان می‌دارد. (محصول هدایت یافتن و اثر آن و تأثیر به دنبال سعادت بودن، حصول تفکر صحیح است.)

در قرآن اولوالالباب، یعنی صاحبان خرد، به همین افراد اشاره دارد. برای هدایت و مشتقات آن حدود ۳۱۳ آیه آمده و صراط مستقیم در ۳۴ آیه بطور صریح ذکر شده و حداقل حدود ۱۱ آیه بطور غیرمستقیم به صراط مستقیم اشاره دارد. واژه سویاً به معنی صحیح و سالم و بی نقص و راه راست، نیز به تفکر صحیح اشاره دارد.

۴-۱۱-۱. منشأ تفکر صحیح

منشأ تفکر صحیح در نوع برقراری ارتباط فرد با خداوند و نوع اعتقاد و پذیرش عملی ولایت ائمه اطهار علیهم السلام است (پذیرش ولایت پس از مرحله‌ی حبّ باشد) به عبارت دیگر منشأ و ریشه‌ی تفکر صحیح به نوع نگرش، عقیده، ایمان و اخلاق در فرد مربوط می‌شود. می‌توان گفت علت و نیروی انجام اعمال متوجه ایمان است و تفکر صحیح به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد.

هدف نهایی علم اخلاق نیز ایجاد شاکله تفکر صحیح در افراد بوده تا وی واجد خلق حسنه یعنی متّصف به صفات و رفتار شایسته گردد. تفکر صحیح که بر اثر نظام تربیتی خانواده و جامعه است، در بدو تولد انسان وجود نداشته و لازم است با تربیت او در محیط خانواده شکل‌گیری شود. خانواده در سال‌های اولیه‌ی پس از تولد کودک در ایجاد تفکر صحیح نقش مهم و تعیین‌کننده را داشته و با قدم گذاشتن وی به اجتماع و محیط آموزشی مدرسه، عوامل تربیتی دیگر از قبیل معلم، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، صدا و سیما و ... نقش تداوم و تکمیلی آن را بعهدہ خواهند داشت.



۵-۱۱-۱. تفکر صحیح در متون اسلامی

الف) خصوصیات و ویژگی‌های افراد واجد یا فاقد تفکر صحیح (از دیدگاه

قرآن و احادیث)^۱

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ^۲

«چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که برخدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی

الهی) را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران

نیست؟!»

در این آیه با طرح سؤال، به عدم تفکر صحیح تصریح شده است.

۱. وَالَّذِينَ اتَّقَوْا - وَالَّذِينَ ءَامَنُوا - قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (مؤمنون/۱) و آیات بعدی آن که ویژگی‌های متعددی را بیان می‌دارد... و لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (اسراء/۳۶) - فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (زمر/۱۸) - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب/۷۰) - هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۹) - هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرَ (انعام/۵۰) یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا امْنُوا (نساء/۱۳۶) قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (یونس/۱۰۸) بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم.» امام صادق (ع): «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ» (اصول کافی/ج ۳، ص ۹۱) «بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.» تداوم تفکر باعث ایجاد تفکر صحیح می‌شود.

۲. زمر/۳۲



وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^۱

«اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند».

در این آیه نیز به تفکر صحیح تصریح شده است.

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ^۲

«(توکل کنندگان بر خدا) همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب

می‌ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند».

واژه «سَلِمَ» در حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^۳ مسلمان کسی است که دیگر

مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، حاکی از تفکر صحیح است.

واژه «سَلِمَ» اختصاص به تعاملات اجتماعی دارد در صورتی که فرد در پی سلامت

تعاملات اجتماعی باشد، لازم است شاکله‌ای در وجود خود ایجاد نماید که همیشه و هر

زمان از دست و زبان خود مراقبت نماید. بدینگونه بر طبق فرمایش امام صادق علیه السلام ازینت

ائمه باشد.^۴

در مجموع، تفکر صحیح در قرآن حداقل در ۹ محور مطرح شده است:

۱. مبدأ و معاد که روح توحیدی می‌دهد.
۲. هدایت
۳. صراط مستقیم
۴. کسب سعادت
۵. ضلالت
۶. اعمی
۷. ایجاد سؤال
۸. بیان خصوصیات افراد

۱. زمر/ ۳۳

۲. شوری/ ۳۷

۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۹۲.

۴. «كونوا لنا زیناً و لا تكونوا علينا شیناً» - إن الله لا ينظر إلى صوركم و أعمالكم إن الله ينظر إلى نیاتكم و قلوبكم» خداوند به

شکل ظاهری و اعمالی که نشان می‌دهید نگاه نمی‌کند، آنچه مورد پذیرش خداوند است نیات پاک و سالم است.



۹ . اولوالالباب

ب) نماز - روزه و تفکر صحیح

می‌توان گفت یکی از فلسفه‌های وجودی نماز، ایجاد و مهمتر از آن، حفظ تفکر صحیح می‌باشد. لفظ و نفسِ درخواست هدایت و سمت‌گیری برای صراط مستقیم، یعنی درخواست و سوگیری برای تفکر صحیح.

با دقت در نماز و فلسفه‌ی آن، متوجه خواهیم شد که عموم افعال و اذکار و فرازهای نماز (اقدامات قبل، حین و بعد از نماز)، در راستای ایجاد، حفظ و تقویت تفکر صحیح است. مانند غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار (غصب # تفکر صحیح) وقت شناسی برای نماز، قبله و جهت‌یابی، فلسفه تکبیرة الاحرام، رکوع، سجود، تشهد و ...

اگر زندگی و گذر روزها و هفته‌ها و ماههای آن، برای ما «عادت» شود و غرایز و خواهش‌ها محور شوند، برای آنها، بمانی و تلاش کنی، در این گذرها، ارزش‌ها، محو و یا بی‌اثر خواهند شد که در نتیجه، از حقایق یا نامی می‌ماند و یا شکل (نماز خواننده می‌شود ولی عادت است و بی‌اثر = شکل نماز). سخن گفته می‌شود، بدون اینکه در کلام، جایگاه ارزشی و یا غیر ارزشی برای راست و دروغ آن وجود داشته باشد، از حقایقی چون وفای بعهد، مروّت، حرّیت، اخوّت، گذشت، رحم و ... نامی مانده و حضور چندانی در زیست عرضی ندارند، در نتیجه محور بودن می‌شود «عادت»، و این عادت مقدمه «ضعف نفس»، و سپس «انحراف و سقوط» (= محو تفکر صحیح)

از روزه و فلسفه آن می‌توان چنین برداشت کرد که:

رسالت روزه، بازسازی، تقویت (به‌سازی) و استمرار تفکر صحیح است. حالت عمومی رمضان، مواظب بودن است و سپس ایجاد و حالت توجه به وجود



خود(خود یابی)، محیط و خداوند می باشد.

* عادت یعنی ابتدا ضعف و سپس فقدان تفکر صحیح. و از رسالت های مهم روزه خروج از عادت ها و ورود به تفکر صحیح است.

در رمضان باید روزه را شروع کنی، از سحر تا مغرب (= موقعیت شناس شدن) و در روز آن همه «چیزها» را نخور (= امساک).

انجام ندادن، گاهی، توانایی برتر می خواهد تا انجام دادن و این «نه، خور» یعنی ایجاد توانایی «نه، به خود» گفتن است، که حاصل آن، بر هم خوردن «عادت» است، در هنگامی که همه ی شب ها معمولاً می خوابیدی (سحر) و نمی خوردی، حال بیدار شو و بخور (استحباب سحری خوردن).

* به مبطلات روزه توجه کن:

«نه» گو و نه «بند»، به خداوند (به عنوان مبدأ و مقصد تو، اِنَالله ...) به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام (بعنوان راهنما)، دروغ را (که نفسِ دروغ، نمود اسارت درونی است، که منشأ آن از بدترین اسارت ها - اسارت فکر - است و هم اوست که اسارت زبان را نتیجه دارد، که زبان سخنگوی فکر است و این سخنگوست که به این و آن «بند» می بندد).

لذا این «نه گفتن» «تو» یافتن «خود» بود. که اگر خود را یافتی، آنگاه، توانسته ای جایی برای استقرار تفکر صحیح بیابی.

توجه کن که گرد و غبار نخوری (=توجه به محیط)، لذا مواظب هوا (توجه به فضایی که در آن هستی) باش، چشمت را باز کن و درست ببین که آن، چگونه است (صاف است و پاک؟، یا آلوده به غبار؟).

عامل دیگری که روزه ات، (این عامل و جو معنا دادنت، در روزت) را نگه می دارد، عدم آمیزش (= کنترل و تنظیم این غریزه) با دیگری (کنترل تمایل به غیر) است. لذا این عامل، کنترل



گریزه شهوت کند که آن از قوی‌ترین غرایز است و سیری ناپذیر، و اگر قوی‌ترین کنترل شود، توان سلطه بر بقیه‌ی را خواهی داشت. که حالت شهوت، نمود هوای نفس است.

از انجام ندادن‌های دیگر استمناء (استشهاد در زن) است، که آن عارضه‌ی «ضعف اراده» و «عدم تعادل روحی» است، با خود این ارضای غیرطبیعی و انحراف را انجام نده و بر خود این حرام را تحمیل مکن که اگر چنین کنی، معترف به ضعیف‌النفس بودن شده‌ای.^۱

* تا اذان صبح (نقطه شروع عرفان روزه)، بر جنابت باقی نمان و آلوده وارد بر روزهت مشو، که ورود به روزه، حالت پاک می‌خواهد، لذا برای پاکت، قبل از ورود، غسل کن. که اگر چنین کنی محیط درونت را مطلوب کرده‌ای. (همان ایجاد شرایط و محیط مطلوب درونی است که در قسمت قبل مطرح گردید).

۱۲-۱. روش تربیت دینی

۱-۱۲-۱. مفهوم

بسیاری از خانواده‌ها و مریبان و معلمان، مذهبی هستند ولی فراگیران یا فرزندان خود را تربیت دینی نمی‌کنند. یعنی شخصیت فرد مذهبی بوده ولی هویت او التقاطی و بر مبنای دستورات اسلامی شکل‌یابی نشده است. با تربیت دینی به طور واقعی، تربیت انسانی میسر می‌شود و آن تربیتی که مورد نظر و مطلوب قرآن و ائمه علیهم‌السلام می‌باشد و به آن بسیار سفارش نموده‌اند، تربیتی دینی است.

۱. از عوارض جسمی و روانی این انحراف مخوف، در زنان، با عث سرد مزاج شدن، عدم تمایل به ازدواج، آسیب رسیدن به بنیان خانواده بر اثر سوء روابط جنسی با همسر و... شده و در مردان آسیب‌های فراوانی برجا می‌گذارد. از قبیل: ترسو شدن، درون‌گرا شدن و اماندن، احساس ندامت مداوم، ضعف اراده مزمن، ضعف اعصاب و ...
۲. غسل، حالت مطلوب روحی و روانی و عصبی ایجاد می‌نماید.



۲-۱۲-۱. تربیت دینی چگونه حاصل می شود؟

۱. در تربیت دینی شالوده و تاروپود و مبنای برنامه تربیتی، فقط نگرش توحیدی و عقیده‌ی توحیدی به طور کامل می باشد.

نگرش توحیدی کامل، نگرشی است که قرآن و ائمه علیهم السلام معرفی می کنند و عقیده‌ی توحیدی نیز بایدها و نبایدهایی است که قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام ارائه می نمایند.

۲. نگرش توحیدی و عقیده‌ی توحیدی لازم است اساس زیست طولی و عرضی مربی و فراگیر و خانواده باشد.

۳. عامل تعیین کننده در موضع تربیتی و روش های تربیتی، نگرش و عقیده توحیدی می باشد.

۴. اساس ارزشگذاری و تعیین کننده‌ی اهداف، نگرش و عقیده‌ی توحیدی می باشد.

۵. تفکر صحیح بر مبنای نگرش و عقیده توحیدی مفهوم و عینیت یافته، بدون آن دو کسب ایمان و اخلاق حسنه میسر نمی باشد.

* در مجموع در تربیت دینی فقط به دستورات و انتظارات قرآن و ائمه علیهم السلام عمل می شود. لذا جامعه‌ای که دارای تربیت دینی شود، نه تنها می تواند از رشد و ترقی و تکنولوژی برخوردار باشد، بلکه انواع مفساد و انحرافات در آن کنترل می شود، در نهایت آنچه که از تربیت دینی نصیب فرد و خانواده و اجتماع و مربی خواهد شد آرامش و سعادت واقعی و خوشبختی همه جانبه است. تربیت دینی راه گمشده‌ی ملت های دینی، اسلامی و علل عقب ماندگی آنان و همچنین عاملی جهت کسب فضائل و ارزش های انسانی در جوامع غربی و صنعتی محسوب می گردد.



۲. بخش دوم: روش‌های رفتاری

این روش‌ها بیشتر ناظر به اصلاح، ایجاد یا محو یک رفتار است. می‌توان گفت این روش‌ها زود اثر می‌گذارند ولی با تغییر شرایط، ممکن است تأثیر آن کم گردیده و یا بی‌اثر شوند. این روش‌ها معمولاً در محدوده یک رفتار مشخص، انتخاب و بکارگیری می‌شود. مانند بکارگیری روش تشویق که برای راستگویی، درس خواندن یا مسواک زدن کودک و یا نوجوان بکار برده می‌شود.

۱-۲. روش «ایجاد رفتار تازه»

* برای ایجاد رفتارهای تازه معمولاً از روش‌های مبنایی و اصولی باید استفاده نمود.

از این روش‌ها نیز می‌توان استفاده کرد:

الف) تقلید و سرمشق:

این روش برای تربیت رفتارهای ساده و اولیه، (بویژه در کودکان) کارایی بیشتری دارد. در این روش، الگویی شاخص شده و آن با رعایت شرایط و بطور مطلوب، در محیط فرد، وارد می‌شود و فراگیر با مشاهده رفتار الگو آن را عیناً تکرار می‌کند، که پس از تکرار رفتار مطلوب، آن رفتار را باید تقویت نمود.

ب) روش‌های تفکیک پاسخ:

مربی به تقویت اجزایی از رفتار فراگیر می‌پردازد که مفید تشخیص داده شود و به اجزای نامربوط توجهی نمی‌کند.

ج) شکل دادن:

ابتدا اجزای رفتار مورد نظر را در فرد ایجاد کرده، سپس رفتار مورد نظر شکل دهی

می‌شود. (مانند آموزش نماز)



د) زنجیره کردن: انتخاب رفتارهایی که قبلاً در خزانه رفتار فرد وجود داشته‌اند و ترکیب آنها با یکدیگر و ایجاد یک رفتار جدید و پیچیده‌تر.

۲-۲. روش «افزایش رفتار موجود»^۱

برای افزایش رفتار موجود می‌توان از راه‌های ذیل استفاده کرد:

الف) «تقویت مثبت»

روش تقویت مثبت یعنی این که بعد از پاسخ، محرکی وارد شود و آن محرک پاسخ را افزایش دهد. هر تقویت کننده می‌تواند یک پاداش باشد، اما هر پاداشی نمی‌تواند تقویت کننده باشد.

ب) «تعمیم» و «تمیز»

«تعمیم» یعنی اینکه گسترش پاسخ از محرک‌های اولیه، که در حضور آنها پاسخ داده می‌شود، به محرک‌های مشابه، در شرایط دیگر. به منظور جلوگیری از افراط در تعمیم و یا تعمیم نامناسب می‌توان از «تمیز» استفاده کرد، یعنی به فراگیر کمک نمود تا بین یک محرک و محرک‌های دیگر تمیز و تفاوت قائل شده، بداند که در مقابل چه محرکی باید پاسخ مقتضی را ارائه، و در مقابل چه محرکی نباید پاسخ دهد.

ج) «تقویت منفی»

یعنی خارج کردن محرک از موقعیت، به منظور افزایش رفتار مطلوب و بر خلاف تقویت مثبت یک محرک بیزار کننده از موقعیت خارج و یا تقلیل داده می‌شود.

مثال: فراگیر با فردی دوست شده و او از وی تأثیر پذیرفته، حرکات زشت وی را تکرار می‌کند. مربی در این حالت رابطه فراگیر را با آن فرد قطع و در حقیقت این

۱. در تنظیم این بخش از کتاب‌های «مهارت‌های آموزشی و پرورشی»، دکتر حسن شعبانی؛ «شیوه‌های تغییر رفتار»، ریموند میلتن برگر؛ تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه‌ها و روش‌ها - دکتر سیف و ... استفاده شده است.



محرک را از موقعیت (مدار تربیتی فراگیر) خارج می‌کند.

۲-۳. روش «نگهداری رفتارهای مطلوب»

روش «تقویت متناوب»

هرگاه رفتاری مطلوب و یا رفتاری تازه بر اثر تقویت مداوم ایجاد شود و یا افزایش یابد، لازم است مربی - والدین عامل تقویت را به تدریج کم کند، زیرا در مدار تربیت، تقویت متوالی یک رفتار نه جایز است و نه امکان‌پذیر. از طرف دیگر اگر رفتاری برای مدتی تقویت نگردد، آن رفتار کاهش یافته و یا از بین می‌رود یا به عبارت دیگر خاموش می‌شود. روشی را که برای جلوگیری از خاموشی یا نگهداری رفتار بکار می‌برند تقویت متناوب نامیده می‌شود.

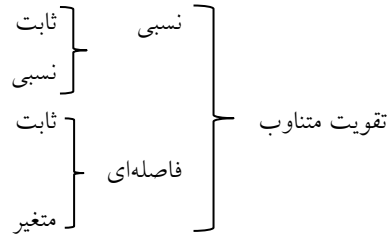
تقویت متناوب را به صورت **تقویت نسبی** و **تقویت فاصله‌ای** می‌توان بکار برد. هر یک از این انواع نیز ممکن است به صورت **ثابت** و **متغیر** بکار گرفته شوند.

در **تقویت نسبی ثابت**، عمل تقویت پس از تکرار تعداد معینی از پاسخ انجام می‌گیرد، مثلاً اگر مربی - والدین به فراگیر در ازای هر چند مرتبه نماز خواندن، امتیازی یا جایزه‌ای بدهد در واقع برنامه نسبی ثابت را بکار برده است، اما در **نسبی متغیر** از پیش معلوم نیست رفتار پاسخ دهنده در ازای چند پاسخ (نماز) تقویت می‌شود، در این روش، رفتار پاسخ دهنده، گاهی پس از انجام مقدار زیادی از رفتار و زمان دیگر پس از چند رفتار کم، تقویت می‌شود.

در **تقویت فاصله‌ای ثابت**، بجای تعداد پاسخ معین، پس از طی مدت زمان ثابتی، رفتار تقویت می‌شود. مثلاً ممکن است مربی - والدین در پایان هر هفته به خواندن نماز پاداش و جایزه دهد اما اگر او بجای پایان هفته، متناوباً در هر یک از روزهای هفته از



فراگیر نماز خواندن را بخواهد، در این صورت او از فاصله‌ای متغیر استفاده کرده است. معمولاً تأثیر تقویت نسبی متغیر و تقویت فاصله‌ای متغیر، در نگهداری رفتار، از تأثیر تقویت نسبی ثابت و تقویت فاصله‌ای ثابت بیشتر است.



برای نگهداری رفتارهای مطلوب از روش‌های دیگری هم می‌توان استفاده نمود.

۲-۴. روش «تقلیل یا محور رفتارهای نامطلوب»

برای این هدف از این روش‌ها می‌توان استفاده کرد:

الف) «خاموشی»:

رفتارهای نامطلوبی را که به هر دلیل در فراگیر شکل گرفته شده است با تلاش مربی

تقلیل و یا به کلی از بین بروند (با انواع تشویق‌ها، پاداش و ...)

ب) «تقویت رفتارهای مغایر»:

رفتار مطلوبی که مغایر با رفتار نامطلوب است تقویت می‌شود. مثلاً فراگیری که به

دروغگویی و یا صحیح نخواندن نماز عادت کرده است، هر وقت که راست بگوید و یا

صحیح نماز بخواند بلافاصله مورد تقویت قرار می‌گیرد. اما در مقابل دروغگویی و یا

صحیح نخواندن نماز، ابراز نارضایتی شود.

ج) «سیری» یا «اشباع»:

گاهی اوقات این روش کاربرد مؤثری دارد در این روش رفتار نامطلوب (اصرار بر

مصرف یک نوع خوراکی مانند کمپوت آناناس) برای مدتی تقویت می‌شود تا اشباع گردد که



معمولاً این تقویت، موجب کاهش فراوانی یا نیرومندی آن شده، پس از مدتی فرد به سیری می‌رسد. این روش بر خلاف روش تنبیه، معمولاً دارای عوارض جانبی نامطلوب نمی‌باشد.

البته به این نکته مهم باید توجه کرد که در این روش، یک رفتار مطلوب باید جایگزین رفتار نامطلوب شود.

د) «تنبیه»:

در این روش، معمولاً یک محرک بیزارکننده و عامل نامطلوب بلافاصله پس از یک پاسخ نامطلوب، یا عمل ناهنجار، ارائه شده تا موجب کاهش، یا ترک و محور رفتار نامطلوب گردد.

هدف تنبیه: آگاه کردن فراگیر از زشتی کاری که انجام داده است. تنبیه و مجازات برای توقف، کنترل و جلوگیری از نامطلوب‌هاست به عکس، پاداش که برای تحریک و اکتساب و ایجاد رفتارهای مطلوب است.

عوامل مؤثر در انتخاب چگونگی تنبیه:

شخصیت مربی، شخصیت فراگیر، روابط مربی با فراگیر، روابط مربی با دیگر افراد آن محیط، میزان سن و نوع فراگیر.

با توجه به این ۶ مورد، نوع و شیوه بکارگیری تنبیه بگونه‌ای باید انتخاب شود که به آنها آسیب وارد نشود، گاهی عوارض تنبیه غیر قابل جبران است.

تنبیه بدنی:

از تنبیه بدنی باید پرهیز نمود.

قال ابی الحسن موسی علیه السلام: لَا تَضْرِبْهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْلِ. ۱

او را نزن بلکه با او قهر کن ولی نه به مدت طولانی»

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹.



مسائل مورد توجه در تنبیه:

۱. وجه به نیازهای فراگیر که عامل رفتار نامطلوب شده و تأمین آنها.
 ۲. تفاوت های فردی .
 ۳. استفاده به ندرت تنبیه توسط مربی و پس از استفاده از روش های مثبت.
 ۴. هنگام خشم اجتناب شدید مربی از تنبیه.
 ۵. تفهیم علت تنبیه (که معمولاً علت تنبیه، دور شدن فراگیر از اهداف تعلیم و تربیت و یا عدم انجام وظایف، تکالیف، انتظارات و توقعات مربی و یا والدین، محسوب می شوند).
- * معمولاً تنبیه آخرین طریق تربیتی است. چرا که عدم رعایت موارد فوق توسط مربی - والدین، ممکن است فراگیر - فرزند را به سکوت، کناره گیری، دور شدن، تنفر و مبارزه گرایش دهد. در مجموع آثار و عواقب تنبیه مثل تقویت قابل پیش بینی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع تنبیه، باعث محو رفتار فراگیر نشده، بلکه ممکن است سبب واپس زدن آن گردیده و رفتار نامطلوب تری جایگزین رفتار تنبیه شده، بشود و رفتار پرخاشگرانه ای را از خود بجا بگذارد. البته این هشدار به این معنی نیست که هرگز نباید از تنبیه استفاده کرد.

* تنبیه صحیح از هنرهای یک مربی است.

ه) «محروم کردن»:

مربی، فراگیر را به خاطر انجام دادن رفتاری نامطلوب از دریافت تقویتی (مانند محبت، توجه، پول توجیبی و بطور کلی چیزی که برای فراگیر اهمیت دارد و آن را دوست می دارد) محروم می سازد. مثل بیرون کردن فراگیر از کلاس (اگر فضای کلاس برای فراگیر مطلوب باشد).



و) «جریمه کردن»:

این روش یعنی کسر کردن مقداری از تقویت کننده بخاطر رفتار نامطلوب مانند: کسر کردن نمره از فراگیر به علت عدم رعایت مقررات کلاس یا محیط آموزشی، کم کردن از پول توجیبی و....

ز) «اعمال انزوا»:

اگر فراگیر، حقوق، امنیت و وحدت محیط را به مخاطره انداخت یکی از شیوه‌های مقابله با آن منزوی نمودن فرد است و مهم این که برای استفاده از آن باید به تفاوت‌های فردی توجه نمود.

محاسن اعمال انزوا:

توجه به زشتی عمل خود که او را مستوجب کیفر انزوا کرده است، رفع عامل مخل از محیط، رفع حالت تعرض و تنش درونی بر اثر دوری از محیط و جمع.

معایب اعمال انزوا:

بریدگی از محیط (بوئژه خانواده)، طرد شدن و فرار، شدیدتر شدن حالت تعرض به رشد اجتماعی فرد توسط محیط، خلل وارد شدن. پس از وصول به اهداف روش اعمال انزوا معمولاً فرد سومی باید واسطه شده، فرد را به محیط، برگرداند و پیوند دهد. لذا وجود فرد سوم (که خود از عوامل تربیتی است) در اعمال انزوا ضروری می‌باشد.

۵-۲. روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»

نادیده گرفتن اعمال و حرکات غیرحاد مانند رفتارهای عادی و معمولی. بعضی رفتارها نامطلوب هستند ولی ناهنجار نیستند و هنوز به مرز رفتارهای غیرعادی نرسیده‌اند و در طبقه خطا و اشکال و اشتباهند و نه در طبقه انحراف و شکستن هنجارهای اجتماعی، و به مرحله ضد ارزشهای فکری و فقهی نرسیده‌اند.



گاهی توجه به این رفتارها، باعث حریص شدن به تکرار شده و به «حسن و قبح‌ها» آسیب رسانده، ممکن است تثبیت شوند، در این حالت ضمن نادیده گرفتن این نوع رفتارها، لازم است به تقویت تفکر صحیح، اصول ارزشی و انگیزه‌های درونی پرداخت. (استفاده از روش عفو)

در مجموع، مربی لازم است در این روش به چهار نکته توجه داشته باشد:

۱. اشکالات، اشتباهات و خطاهای فراگیر نادیده گرفته شده و اغماض گردد. (روش مبالغه در عفو)

۲. سریعاً نسبت به خطا مجازات صورت نگیرد، بلکه به فراگیر فرصت داده تا به اشتباه خود پی برده و نسبت به اصلاح و رفع آن اقدام نماید و در حقیقت زمینه برای تربیت درونی مهیا شود.

۳. ضمن بررسی علت رفتار، رفع اشکال شود. یعنی تقویت تفکر صحیح گردد (چرا که منشأ اشکال در این رفتارها را معمولاً باید در تفکر صحیح جستجو نمود).

۴. عمل و یا عکس‌العمل مربی نباید مساوی و برابر رفتارهای فرد قرار گیرد و مربی و والدین فراگیر را با اولین اشتباه، مجازات نمایند و به هرگونه تغییر، پیشرفت و تحرک مطلوب فرد پاسخ مثبت داده شده و نسبت به بعضی از رفتارهای نامطلوب واکنش نشان دهد یعنی اینکه مربی با فراگیر با فضل برخورد نماید (بیش از رفتار، پاداش داده و کمتر از رفتار مجازات کند) و نه با عدل و ظلم (عدل یعنی به میزان رفتار پاداش و مجازات نمودن و ظلم یعنی کمتر از رفتار مطلوب پاداش داده شود).

لازم است یادآوری شود که برای جلوگیری از رفتار نامطلوب معمولاً از روش‌های مبنایی و اصولی استفاده می‌شود. همچنین روش‌هایی چون «ساختن ظاهر»، «ساختن باطن» که در ادامه روش‌های رفتاری ذکر شده است، نیز برای این هدف تربیتی کاربرد دارند.



۶-۲. روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»

*تشویق لازمه تربیت است.

الف) کاربرد انواع تشویق‌ها (اعم از تشویق زبانی، احترام به شخصیت افراد و درک آنان و اهداء جوایز که پایین‌ترین حد آن است) از ملزومات تربیت است. استفاده به موقع از تشویق، در نظر گرفتن عامل زمان و مکان در آن، به کاربردن میزان لازم و رعایت شرایط سنی در تشویق باعث ایجاد اطمینان درونی در افراد، همچنین حاکم شدن روحیه نشاط بر فرد و ترغیب فراگیر در روند تربیت می‌گردد. بنابراین مربی و معلم لازم است برای تغییراتی چون: کاهش، رفع، جلوگیری، ایجاد و نگه‌داری و تقویت رفتارها از تشویق به عنوان عاملی مؤثر و ضروری در تربیت استفاده نمایند.

ب) همچنین عامل مهم دیگر تمجید و توجه به فراگیران است، تمجید، وصف عامل و موضعی است که جنبه‌ی پذیرش و تأیید مربی را داشته باشد. توجه نمودن به فراگیر و رفتارهایش او را مورد تمجید، تعریف و تحسین قرار داده، نتیجه این توجه و تمجید آن است که فراگیر حس کند توسط مربی درک شده است، لذا ارتکاب اعمال ناپسند را قبیح و زشت محسوب خواهد کرد.

ج) پاداش عامل و محرکی است بعد از پاسخ و گاهی مربی - والدین لازم است در پاداش مبالغه نموده و از این روش استفاده نمایند.

... وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۱

« ... البته پاداش کسانی را که صبر پیشه نموده‌اند، بهتر از آنچه عمل کرده‌اند، خواهیم

داد.»



در روش مبالغه در پاداش، در مقابل عمل مطلوب فراگیر، لازم است اقدامات کاربردی زیر انجام شود:

۱. دادن پاداش بیش از عمل و استحقاق فراگیر.
 ۲. ملاک قراردادن اعمال برجسته و شاخص، برای اعطاء پاداش.
 ۳. نادیده گرفتن ضعف‌ها.
- نتایجی که از این اقدامات حاصل می‌شود:
- الف) ایجاد انگیزه و رغبت در فراگیر.
 - ب) ایجاد تلاش در فراگیر برای اصلاح خود و انجام عمل بیشتر و بهتر.
 - ج) مطلوب واقع شدن مربی در نظر فراگیر (پذیرش).
 - د) ماندن در راه تربیت (مهم‌ترین نتیجه).

۲-۷. روش «استفاده از مقررات»

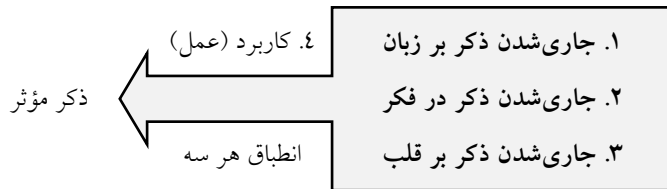
یکی از راه‌های مقابله و اصلاح مشکلات رفتاری این است که مربی با ایجاد جو مطلوب در کلاس، قوانین و مقرراتی را در نظر گرفته و آنها را تبدیل به اصل نموده و با تشویق به رعایت کردن فراگیران و ترغیب آنها، اصلاح تدریجی حاصل نماید. در زمینه کاربرد مقررات و قوانین، توجه به این موارد ضروری است:

۱. وضع مقررات به طور گویا، کوتاه، ساده و مثبت.
۲. تفهیم مقررات و اعلام یا در معرض دید قرار دادن آنها.
۳. مشارکت فراگیران در وضع آنها.



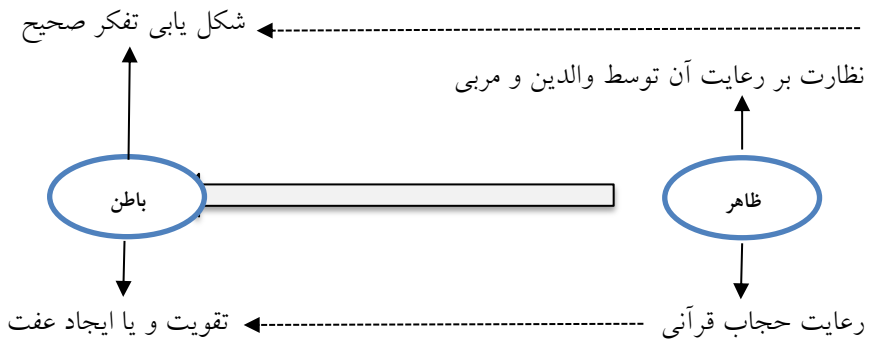
۸-۲. روش «ساختن ظاهر»^۱

یکی از روش‌های تغییرات درونی و باطنی این است که از ساختن ظاهر استفاده شود. مانند نوع لباس (برهنگی- پوشیدگی) و آرایش مو و صورت (فرهنگ اسلامی- فرهنگ غربی) که بر احساسات و درون اثرگذار است، و یا ذکر زبانی که بر درون تأثیرگذار است.



دست آورد ساختن ظاهر، این است که درون و باطن انسان تغییر یافته، شکل یابی می شود مانند: مواظبت بر نگاه، خوب حرف زدن، کلیه اعمال و آداب و معاشرت اگر به شکل خوب و صحیح تنظیم شوند در مؤدب شدن فرد اثر می گذارند. در همه‌ی ادوار، بویژه در دوران کودکی و تا پایان دوران نوجوانی، این اصل کاربرد زیادی دارد.

دروغ بد است، لذا دروغ نگو و راست بگو



در مجموع در این روش، انواع رفتارها و گفتارهای فراگیر بطور مطلوب و صحیح

۱. برگرفته از کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، دکتر خسرو باقری - با تصرف و تلخیص.



تنظیم می شوند تا پس از مدت زمانی، درون فرد (افکار و عقاید و نگرش او) نیز مطلوب می شود، یکماه روزهی ماه مبارک رمضان تمرین برای این منظور است.

* این روش، برای ساختن ظاهر، روش مستقیم بوده، و برای ساختن درون، غیرمستقیم محسوب می شود.

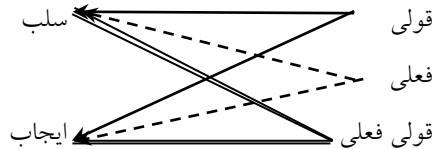
در این روش با تشویق و ترغیب می توان به «ساختن ظاهر» کمک نمود. البته باید مواظب بود که پاداش حالت باج خواهی و یا عادت پیدا نکند، بهتر است فرد را نسبت به مطلوب بودن عمل و فواید آن توجیه نمود و به او بیش داد.

* از این روش «ساختن ظاهر»، در علم اخلاق و تهذیب نفس، زیاد استفاده می شود.

کاربرد این روش به اشکال مختلف زیر امکان پذیر است:

الف) روش تلقین به نفس

این روش دارای سه جزء «قولی»، «فعلی»، «قولی - فعلی» بوده و از حیث سلب و ایجاب مطرح می گردد.



- در تلقین قولی از جهت سلب (تلقین منفی یا نهی کردن) مانند: پرهیز از نزاع با مردم و پرهیز از زور گویی به دیگران. در این روش تربیتی، وادار نمودن خود به سکوت در مواقع نزاع، محور عملی می باشد.

- در تلقین فعلی از جنبه ی سلبی، هدف، محو نمودن فعل نامطلوبی است که در درون تأثیر گذاشته است مثل با تکبر راه نرفتن.



- در تلقین قولی - فعلی از جهت سلبی، انجام ندادن نماز به قصد رضایت غیر خدا.
 - در تلقین قولی و از جنبه ایجاب، امر نمودن فراگیر به تلقین مثبت و یا اینکه به خودگفته شود: «من می‌توانم.» مانند: جاری نمودن ذکر خداوند در صحنه‌های مختلف و هنگام وسوسه شدن و بروزحالات شهوانی و یا حالات منفی دیگر، ذکر گفتن و استفاده از آن با توجه به زمینه مورد ابتلا و نیاز.

- در تلقین فعلی و در جنبه ایجاب، فعل مطلوب بدون ثبات، بر جوارح و ظاهر فرد جاری می‌شود تا در وی تثبیت شده، پایدار گردد مانند: با تواضع برخورد نمودن و تباکی کردن در ذکر مصائب.

- در تلقین قولی- فعلی و از جهت ایجاب، باید گفت فرازهای نماز، ایستادن(قیام) - خم شدن (رکوع) و ... آمیخته‌ای از تلقین قولی و فعلی است. مثلاً ذکر تشهد در نماز، تلقین قولی است و نشستن در پیشگاه خداوند تلقین فعلی می‌باشد و کل تشهد تلقین قولی - فعلی است.

* این روش برای خودسازی مفید بوده و برای فراگیر هنگامی از آن باید استفاده نمود که زمینه برای پذیرش تلقین وجود داشته باشد و در مکالمات، بهتر است قبل از پیام اصلی، در جمله لفظ: «آیا می‌توانی؟» بکارگیری شود مانند: «آیا می‌توانی زیبا سخن بگویی؟» «آیا می‌توانی صحیح نماز بخوانی؟»

ب) روش تحمیل به نفس

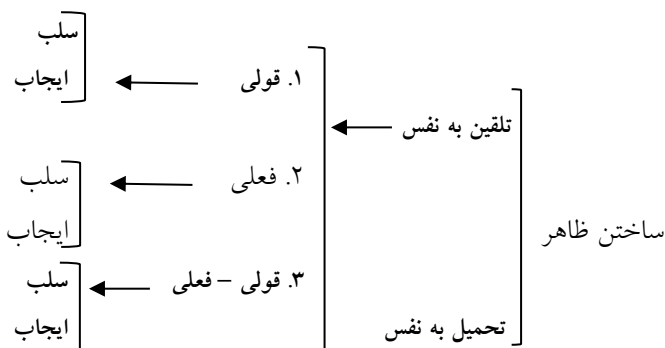
در این روش، واگذاری عمل به فراگیر است بطور مداوم، تا پس از تکرار آن، درون به کنترل درآید. زمانی که نوعی عدم تمایل و اکراه درونی در فرد نسبت به یک موضوع خاص، وجود داشته باشد و در حقیقت زمینه‌ی خواستن در فرد فراهم نباشد، مربی اعمالی را به طور مداوم به فرد واگذار می‌نماید تا بعد از تکرار عمل، فرد تحت کنترل



درآمده و به موازات کنترل، در او رغبت ایجاد شود. مانند روزه. میل به تحمل گرسنگی در انسان وجود ندارد اما روزه وضع گردید تا انسان توان کنترل نفس خود را یافته و در ورطه گناه و آلودگی نیفتد و یا مانند: نماز صبح یا اول وقت که فراگیر به آن عقیده دارد ولی نمی خواند که باید آنرا به شکل مناسب به او تحمیل نمود.

* دامنه این تحمیل بر اعمال بوده و بر عقیده، افکار و ایمان نمی توان از روش تحمیل استفاده نمود. به طورمثال، بدون عقیده به نماز نمی توان آن را بر فرد تحمیل نمود. پس از ایمان آوردن، و اعتقاد به نماز، عمل عرضه شده و تحمیل می گردد. مانند: در مدارس ابتدایی و راهنمایی برگزار کردن نماز جماعت، تا افرادی که در خانه نماز نمی خوانند، نماز خوان شوند و یا بردن فراگیر به مسجد برای اقامه نماز تا اهل مسجد رفتن گردد.

* در این روش اگر تحمیل، مطلوبیت درونی نسبت به عمل را از بین ببرد، از آن نباید استفاده کرد چرا که ممکن است، فرد تغییر جهت کلی داده و به ضدیت برسد. مانند: بعضی مریبان و خانواده های مذهبی که بر اثر تحمیل رفتارها (قبل ازتشکیل نگرش و عقیده) فراگیر و فرزندان خود را بی تفاوت، ضد دین و ... می سازند. هنگام دعا و عبادت پس از خسته شدن، تحمیل دیگر جایز نیست. گاهی هنگام دعا و زیارات، صرف ساعت های زیاد، باعث زدگی شده و روحیه نشاط اولیهی دعا و زیارت از بین رفته، این دعا و زیارت دیگر محرک نخواهد بود. یا بردن کودکان، برای مدت طولانی، در جلسات مذهبی بزرگسالان.





۹-۲. روش «ساختن درون و باطن»

همانگونه که در روش‌های مبنایی و اصولی تبیین شد در این روش سعی مری بر آن است که طرز تلقی فرد را از امور دگرگون کرده تا به موازات آن رفتارهای متناسب با تغییر نگرش از او ظاهر شود. آنچه در این روش لازم است مدنظر قرار گیرد، این است که مری به دادن علم اکتفا نکند که آنچه باعث تغییر در رفتارها خواهد شد، ایجاد نگرش است نه دادن آگاهی صرف.

و در مجموع تغییر باطن، باعث تغییر ظاهر می‌شود. اگر ظاهر اشکال دارد (گفتارها خوب نیستند، حجاب ایراد دارد، فساد دیده می‌شود و...) علت را باید در درون جستجو کرد (رنگ رخساره نشان می‌دهد از سرّ درون).

*موضوع بسیار مهم این است که این روش با روش قبلی، ساختن ظاهر، موازی هم هستند و نه مخالف، و از هر کدام باید در جای خود استفاده نمود و این دو روش در تربیت کاربرد زیادی داشته و مفید هستند.

لازم به ذکر است در این راستا سه نظریه مهم وجود دارد:

نظریه اول: فقط ظاهر و رفتار باید مورد پسند و مطلوب شوند و بیشترین تلاش طرفداران این نظریه به ظاهر پرداختن و زیبا جلوه دادن رفتارهاست و در صورت غفلت از درون معمولاً فراگیر به: نفاق، بی‌هویتی و کسب لذات و ... گرایش می‌یابد.

نظریه دوم: ظاهر، هر طور که باشد مهم نیست، رفتار بر هر شکلی که باشد اهمیتی ندارد، حتی در عمل فساد هم بود اشکالی ندارد، مهم اینست که فقط باطن، با صفا باشد که در این حالت، پس از مدتی، فساد ظاهری، درون را هم فاسد می‌کند، یا اینکه فرد التقاطی می‌شود، و یا در نهایت راه را اشتباه می‌رود (= ضلالت، مانند: سیره و شعار فرقه‌های صوفیه و دراویش و ...)



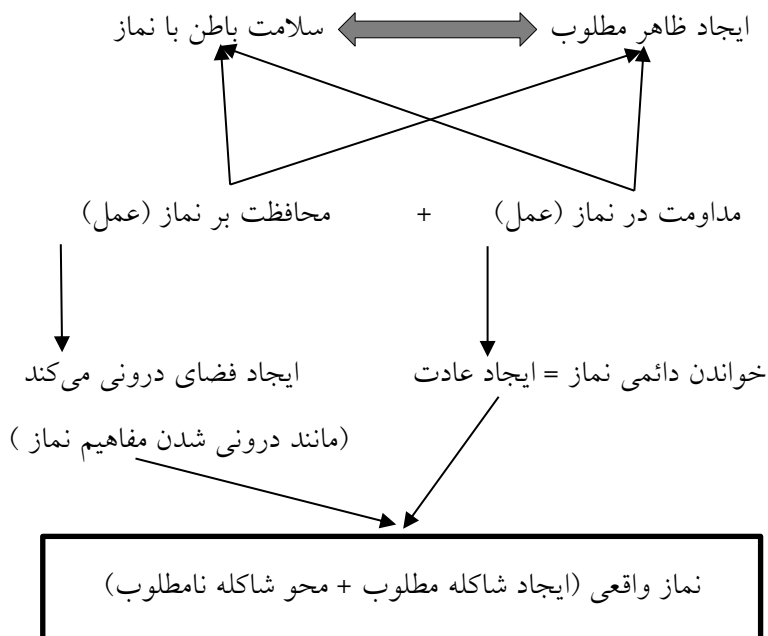
نظریه سوم: به هر دو باید پرداخت و با طرح و برنامه مشخص و در این حالت است که تربیت انسان کامل می شود.

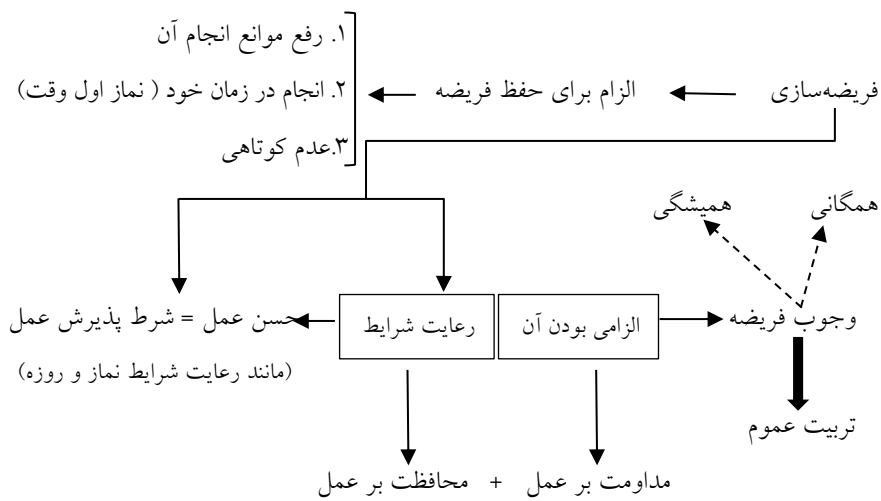
برای ساختن درون و باطن لازم است از روش های مبنایی مذکور در بخش اول استفاده شود.

۱۰-۲. روش «فریضه سازی»

فریضه از دو جنبه ی «الزامی بودن» و «رعایت شرایط» برخوردار است. الزامی بودن حکم باعث مداومت بر عمل شده و هدف آن تربیت عموم می باشد و از آن رو که واجبات همیشگی و همگانی هستند، رعایت شرایط باعث محافظت بر عمل می شود و شرط پذیرش عمل، حسن عمل است. این دو جنبه به موازات هم باعث حسن رفتارها و تربیت در فرد می شوند.

مثال در مورد نماز: در نمودار ذیل مشخص می باشد:

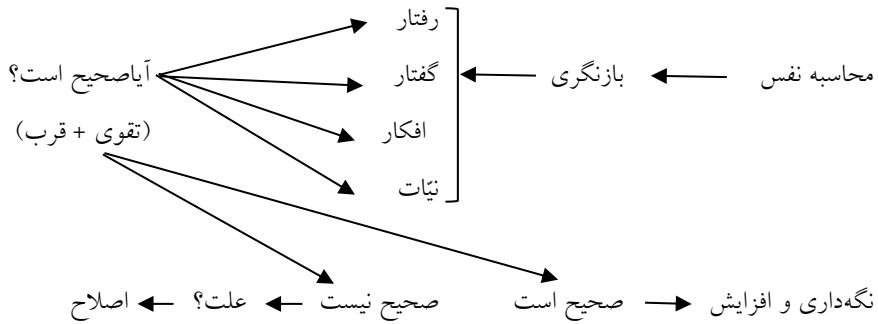




۱۱-۲. روش «محاسبه‌ی نفس»

فرد در روش محاسبه‌ی نفس، صحت گفتار، نیت، اعمال و رفتار خود را مورد بازنگری قرار می‌دهد. این بازنگری اگر به عنوان محور زیست روزانه قرار بگیرد، فرد همیشه در حال خودیابی است و این نقطه‌ی آغاز تعلیم و تربیت است و خروج از خود فراموشی و موفق شدن در زیست روزانه.

اصل وجود نماز و روزه با هدف بازنگری در اعمال است. در محاسبه‌ی نفس ملاک محاسبه تقواست و انجام اعمال به نیت تقرب به او. انجام اعمال برای او و دخالت دادن او در زندگی با نیت صادق، فرد را به حسن عمل می‌رساند. ملاک دیگر، دوام عمل است و به پایان بردن یک عمل. حسن عمل و دوام آن باعث می‌شود فرد عمل نیک خود را استمرار بخشد و از آنجا که ملاک و مبنای آن تقوی است، استمرار در عمل و کثرت آن برای فرد دوری از خطا را نیز حاصل نموده و نهایتاً تربیت حاصل می‌شود. در این راستا و به موازات کثرت عمل، فرد لازم است از زیاد شمردن خوبی‌ها پرهیز نموده و بدی‌های خود را کم نیند.



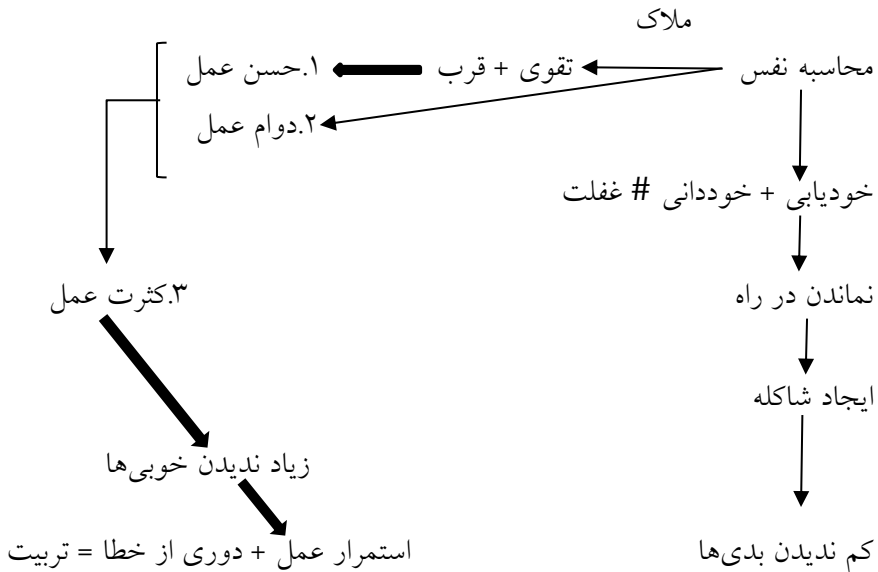
(... إِنَّهُمُ اللَّهُ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ ...)

... تقوای الهی پیشه کنید، و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش

فرستاده؛ و تقوای الهی داشته باشید ... (حشر/۱۸)

امام صادق علیه السلام: «لَيْسَ مِنْ أَمْرِ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^۱

نیست از ما، کسی که هرروزه حساب خود رسیدگی نکند.



۱. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.



۱۲-۲. روش «آراستن ظاهر»

در این روش مربی در افعال تربیتی، روابط خود را با فراگیر به صورت مطلوب و آراسته تنظیم می‌نماید. در این صورت در فراگیر ایجاد میل نموده، پس از آن، نهایتاً باعث پذیرش مربی از سوی فراگیر شده و بستری لازم برای تربیت فراهم می‌شود.

در این روش، در روابط و آداب معاشرت، حفظ جذابیت مربی در نظر فراگیر لازم است. (جذابیت در نظر فراگیر مطرح است نه در نظر مربی).

*جذابیت‌های (مربی - والدین) یاد شده موجب نشاط و سرور در فرد شده و از سوی دیگر ایجاد کننده رغبت در فراگیر می‌شود، که در نتیجه مربی - والدین «مطلوب» فرد شده و مورد «پذیرش» فراگیر قرار می‌گیرند و پذیرش باعث قبول و به جریان افتادن روش‌ها و افعال تربیتی مربی و والدین است و عدم پذیرش برابری با بی‌تفاوتی، سرپیچی، تمرد، مقابله، ضدیت و یا باعث فرار فراگیر از مربی و والدین می‌شود.

*در مجموع برای استفاده از این روش باید مربی - والدین:

الف) از نظر برخورد، روابط، آداب و معاشرت در دیدگاه فرد، خوب و جذاب بنظر برسند.

ب) ظاهر و اندام آنان ناهنجار نبوده و آراسته و زیبا و تمیز جلوه کنند.

۱۳-۲. روش «تزیین کلام»

کلام و ادبیات مربی وسیله و ابزار افعال تربیتی اوست و نمود شخصیت و هویت او و الگو بودن برای فراگیر. کلام مربی نه تنها وسیله‌ی افعال تربیتی است بلکه وسیله‌ی رسیدن به اهداف تربیتی نیز می‌باشد. با توجه به این نکته، کلام مربی لازم است از دو ویژگی مهم برخوردار باشد:

۱. مربی کلامی بگوید که اثربخش بوده و از طرف فراگیر زیبا جلوه و پذیرش شود.

در حقیقت کلام زیبا برای اثرگذاری زیبا در فراگیر است و باعث حرکت فکر در وی



می‌شود. همانطور که خداوند تزیین کلام را در قرآن کریم بسیار به کار برده است. (با ایجاد سؤال و ...)

۲. استراتژی مربی در انتخاب نوع کلام علاوه بر آن که در آن خوشایند بودن فرد رعایت می‌شود، باید با توجه به اهداف تربیتی او تنظیم گردد. (دقت شود)

۱۴-۲. روش «توبه»

توبه یعنی بازگشت. عده‌ای به گناه ارتکاب معاصی و گناه، پشیمان و از آن رویگردان می‌باشند خداوند نیز آنگاه که بنده به زشتی عمل خود واقف می‌شود، توبه‌ی وی را می‌پذیرد و او توأب است و قابل التوب.

از مفهوم لغوی توبه برای تعلیم و تربیت فرد دو نکته را می‌توان اقتباس نمود:

الف) بازگشت مربی به سمت فراگیر هنگام خطا و انحراف و همراه همیشگی او بودن

ب) بازگشت دادن فراگیر به سمت مسیر اصلی و رها نکردن او

در این روش پنج موضوع قابل طرح می‌باشد:

۱. مربی والدین به فراگیر توجه کرده و ارتباط خود را با وی قطع ننمایند بویژه ارتباط عاطفی خود را.

۲. رفتن او به سمت فراگیر به منظور آگاه کردن وی نسبت به زشتی رفتارش، بدین منظور که زشتی عمل را به او نشان داده و عواقب آنرا برای وی تشریح کنند.

۳. فراگیر را به مسیر برگردانده و از تکرار عمل جلوگیری نمایند. (یعنی برقرار بودن ارتباط تربیتی)

۴. پس از بازگشت فراگیر، قبول خطا و عذر نموده و رابطه مربی - والدین با وی

هم‌چون قبل باشد.

۵. مربی - والدین پس از بازگشت، فراگیر را سرزنش و ملامت ننمایند.



۱۵-۲. روش «تبشیر»

خداوند مربی مطلق است و مبشّر. پیامبر اکرم ﷺ نیز یک مربی است و مبشّر. قرآن در آیات زیادی به این موضوع پرداخته است. معلم نیز چون یک مربی است، مبشّر است. لازم است در محور تربیت فراگیر (بایدها و نبایدها) ایجاد تکلیف نموده که آن باعث کراهت نفس می‌گردد و کراهت نفس عدم رغبت در فراگیر را در پی خواهد داشت. حال، فراگیری که بایدها و نبایدها و تکالیف را پذیرفته و آماده‌ی پذیرش تربیت گردیده، باید به بشارتی پاداش داده شود تا تمایل و رغبت او در طی مسیر تربیت افزوده شده، به طی مسیر امید پیدا نماید.

بشارت فراگیران باید متناسب با میزان درک و فهم آنها باشد، همانگونه که خداوند نیز متناسب با درک انسان‌ها آنها را تبشیر می‌نماید. تبشیر قبل از انجام اعمال تربیتی و یا همراه آنها است و اثر آن عمیق بوده به خلاف تشویق که معمولاً بعد از عمل است و در برابر انجام عمل، و سریع‌الاثربوده، و بخاطر عمل در گذشته است، در سنین کم بشارت‌ها باید عینی، مشخص و کوتاه مدت باشند و در سنین بزرگسالی مفهومی و بلند مدت. (مانند وعده بهشت)

۱۶-۲. روش «تعلیم حکمت»

مربی لازم است ابتدا نیروی عقل فراگیر را با وقایع، اشیاء، رویدادها، مفاهیم و حقایق مواجه نموده و آنها را زمینه‌ای برای تفکر وی قرار دهد. سپس بستری فراهم آورد تا اندیشه‌ی فراگیر به جریان افتد. سپس نوع نگاه و اندیشه‌ی وی به مفاهیم و حقایق مورد ارزیابی مربی قرار گیرد. و در گام بعد، مربی با استدلال، اندیشه‌های غیر صحیح وی را به اندیشه و فکر صحیح تبدیل نماید. در نتیجه، از تکرار این روند، نیروی عقل در فرد شکوفا و ثابت و به صورت یک نهاد کارساز، در می‌آید.



*نتیجه این اقدام و تکرار این روند آن است که نیروی عقل در فرد شکوفا شده سپس ثابت گردیده و به شکل نهادی کارساز در می آید.

۱۷-۲. روش «موعظه حسنه»

اثر موعظه گاهی ممکن است باعث تشدید شدن رفتار نامطلوب، و عناد و مخالفت شود و لذا در تعلیم و تربیت اسلامی مربی در محور موعظه‌ی حسنه یا موعظه‌ی اثرگذار، مواردی را لازم است مدنظر داشته باشد:

۱. موعظه باید بر مبنای عقیده سالم مربی و فراگیر باشد.
۲. مربی خود از عمل صالح برخوردار بوده و الگوی صحیح از نظر عملی باشد.
۳. فراگیر از موعظه به حسن نیت مربی پی ببرد.
۴. بیان موعظه، نرم، زیبا و مثبت بوده و متناسب با ادبیات فراگیر ارائه شود.
۵. پس از فراهم آوردن شرایط لازم، موعظه صورت گیرد تا باعث پذیرش آن از سوی فراگیر گردد.
۶. در غیر موارد ضروری موعظه در جمع صورت نگیرد.

۱۸-۲. روش «یادآوری نعمت‌ها»

مربی لازم است فراگیر را به خودنگری رسانده و وی را از غفلت خارج نماید. تا نعم الهی و مواهب او و مجموعه‌ی داشتن‌های خود را دیده و شکر نعمت کند. شکر مقدمه‌ای است برای بهره‌وری بیشتر از نعمت‌ها و مواهب موجود و بهره‌مندی از آنها.

۱۹-۲. روش «عبرت آموزی»

در این روش ایجاد نگرش صحیح نسبت به پدیده‌های پیرامون، اقوام، تاریخ و ملل گذشته ضروری است. حاصل این نگرش، اندیشه در عمق مسائل و کشف رموز نهفته



در آنها و دریافت حقایق می‌باشد. (داستان‌های قرآن نیز برای عبرت‌آموزی است).

۲۰-۲. روش «تزکیه»

در این روش مربی باید توجه فراگیر را به کنترل امیال و تسلط برهوی و هوس‌ها نماید (بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها و ... بر خلاف این روش می‌باشند) چرا که بر عقل اثر نامطلوب گذاشته می‌توانند آن را در تشخیص به اشتباه اندازند و فرمان به انتخاب باطل دهند، لذا تزکیه ضامن سلامت عقل است. در این روش مربی باید آفات عقل را بیان دارد. مانند: عجب (که همان خود برترینی و کمتر دیدن دیگران است و بر نگاه فرد نسبت به خودشناسی اثر سوء می‌گذارد)، خشم و غضب (که ایجاد عدم تعادل می‌کنند، بر خلاف عقل، که کار آن ایجاد تعادل است).

۲۱-۲. روش «ابراز توانایی‌ها»

در این روش مربی - والدین، نهادهای درونی، استعدادها و توانمندی‌های فراگیر را به او نشان می‌دهد که در اثر آن فرد در خود احساس عزت خواهد کرد و در نتیجه فرد بخود خواهد گفت: «من مجموعه‌ای از توانمندی‌ها دارم، پس می‌توانم»، و لذا در این رهگذر نیروی رشد دادن به خود، در فراگیر ایجاد می‌شود، که این دست آورد بسیار مهمی است.

در این راستا فراگیر توانمندی‌هایش را از خدا دانسته، آنها را نعمت می‌شمرد و در بالفعل کردن آنها تلاش نموده، احساس عبد بودن به وی دست داده، شکر خداوند کرده، در خود احساس «عزت» می‌نماید و در مقابل شکر، عجب است و آن بر اثر از خود دانستن توانمندی‌هاست و نتیجه‌اش جاه‌طلبی و ظلم است که در نهایت فرد به «ذلت» می‌رسد. (ذلت # عزت)



۲۲-۲. روش «انذار»

انذار یعنی آگاه نمودن فراگیر نسبت به احتمال عواقب سوء رفتارش در آینده. که در این روش مربی قبل از مجازات نسبت به نوع رفتار فراگیر، او را آگاه می کند و چنانچه فراگیر آگاهانه و از روی تعمد، خطا کند، آنگاه مجازات می شود و نسبت به رفتارهایی که به فراگیر آگاهی داده شده و فراموش کرده، مجازات می شود.

۲۳-۲. روش های دیگر:

در این فصل مهم ترین روش ها بیان شد، مربیان و والدین برای اطلاع از روش های دیگر مانند: روش تغافل، مجازات به قدر خطا، روش تکلیف به قدر وسع، روش ابتلاء، روش تحریک ایمان، روش مواجهه با نتایج اعمال، روش اسوه سازی و ... می توانند کتب تألیف شده در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی را مطالعه نمایند.

فصل سوم

اصول اداره کلاس‌های تربیتی

آنچه در فصل سوم می‌خوانیم:

۱. توان تربیتی
۲. نحوه و شیوه بکارگیری یک روش تربیتی
۳. شناخت فراگیر
۴. ارتباط
۵. جریانات حاکم بر مدار یک کلاس
۶. آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر
۷. رعایت نظم
۸. معارفه
۹. آماده‌سازی
۱۰. محتوای تدریس
۱۱. جذابیت‌ها
۱۲. محرک‌ها
۱۳. شکل‌دهی ذهن فراگیر با نماد
۱۴. مشارکت فراگیر
۱۵. ایجاد روحیه نشاط در کلاس
۱۶. بازنگری



۱. توان تربیتی

۱-۱. تعریف

به وجود آمدن مجموعه‌ی توانایی‌ها در مربی تا به وسیله‌ی آن بتواند همراه با نظام تربیتی خویش که قبلاً مشخص نموده، و با برنامه‌ی تربیتی تعیین شده، موضع تربیتی مناسب را اتخاذ نموده، فراگیر را در مدار تعلیم و تربیت خود قرار داده، او را در راستای اهداف تعلیم و تربیت جهت داده تا در نهایت، تغییرات، ساخت، رشد و تربیت حاصل شود؛ در نتیجه مربی برای به اجرا در آوردن روند تعلیم و تربیت و به کاربردن روش‌های تربیتی به توان تربیتی نیازمند است.

اگر مربی از توان لازم برخوردار نباشد، نمی‌تواند از روش‌های تربیتی به طور صحیح استفاده نموده (مانند بسیاری از والدین)، آنها را به کارآیی برساند و نتایج مطلوب نیز حاصل نخواهند شد.

۱-۲. عوامل مؤثر در توان تربیتی:

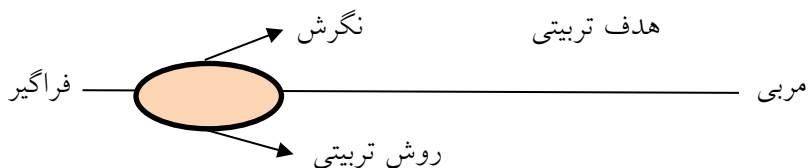
۱. برخوردار بودن از مجموعه ویژگی‌های درونی از نظر عقیدتی، فکری، اخلاقی و ...
۲. آگاهی از علوم و فنون تعلیم و تربیت و اطلاع کافی از علوم تربیتی مؤثر در تعلیم و تربیت فراگیر مانند: علوم اخلاق، کلام، فقه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی.
۳. توان برقراری ارتباط عاطفی، جو عاطفی و جو حسن و قبح.



۴. توان مطلوب و مقبول نمودن خود و مورد پذیرش واقع شدن در نظر فراگیر.

۲. نحوه و شیوه بکارگیری یک روش تربیتی

مربی ابتدا یک موضوع یا مفهوم و یا بطور کلی آنچه فراگیر باید انجام دهد را مشخص می‌کند. (مانند نماز، حجاب، تحصیلات، فرهنگ، آداب معاشرت یا ...) سپس یک هدف تربیتی را انتخاب می‌کند. (اهداف تربیتی عبارتند از: ایجاد، افزایش یا تقویت، نگهداری یا حفظ، جلوگیری، تقلیل یا کاهش یا محو یک رفتار) و در مرحله سوم نسبت به آنچه فراگیر باید انجام دهد (مانند نماز)، در وی نگرش لازم ایجاد می‌کند. مرحله چهارم بکارگیری روش انتخاب شده است که با توجه به موقعیت و شرایط مناسب وی را برای رفتار مورد انتظار ترغیب و تحریک می‌نماید.



۳. شناخت فراگیر^۱

۳-۱. یکی از ضروری ترین وظایف مدرس شناخت فراگیر است، لذا در تدریس باید سطح فهم و توانایی های ذهنی، علاقه و نیازهای فراگیر و ... را در نظر گیرد.

۳-۲. زمینه های شناخت:

برای مدرسین، دبیران، معلمان، مربیان و ... شناخت فراگیر در زمینه های مختلف، لازمه تعلیم و تربیت است، این زمینه ها عبارتند از: برنامه تربیتی و سیر رشد فراگیر،

۱. مراحل شناخت (برای ازدواج نیز جاری است): الف) مقدمات آشنایی ب) آشنایی کلی ج) شناخت کلی د) شناخت اجمالی ه) شناخت اصولی و) شناخت تکمیلی



تمایلات، نیازها، خواسته‌ها، استعدادها، توانایی‌ها، خصوصیات و خصلت‌های اخلاقی، سوابق اجتماعی و

۴. ارتباط

بعضی از مدرسین (دبیران، مربیان و معلمان) به تأثیر فرآیند ارتباط در یادگیری اهمیت نداده و رسالت خود را به حاضرشدن در کلاس، بیان محتوا، امتحان و نمره‌دهی پایانی محدود نموده، به میزان و نوع یادگیری فراگیر، پرورش استعدادها و تربیت فراگیر در جنبه‌های مختلف، توجه لازم را ندارند. در صورتی که هرچه بر دانش بشر افزوده شده بهره‌مندی از فرآیند ارتباط برای نظام‌های آموزشی و مدرسین (دبیران، مربیان و معلمان) بیشتر ضرورت یافته است و آن بعنوان یک اصل و عامل تعیین‌کننده در یادگیری و تربیت تلقی می‌گردد.

۴-۱. مفهوم‌شناسی فرآیند ارتباط

ارتباط در لغت یعنی پیوند دادن و ربط‌دادن و در اصطلاح یعنی برقراری رابطه بین دو فرد (در شبانه‌روز در تعامل با دیگران بطور فراوان، ارتباط برقرار می‌کنیم) و تعریف ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال و تبادل افکار، اندیشه‌ها، احساسات و عقاید در دو فرد یا بیشتر، با استفاده از علائم و نماد مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر.

۴-۲. ارتباط در فرآیند تدریس

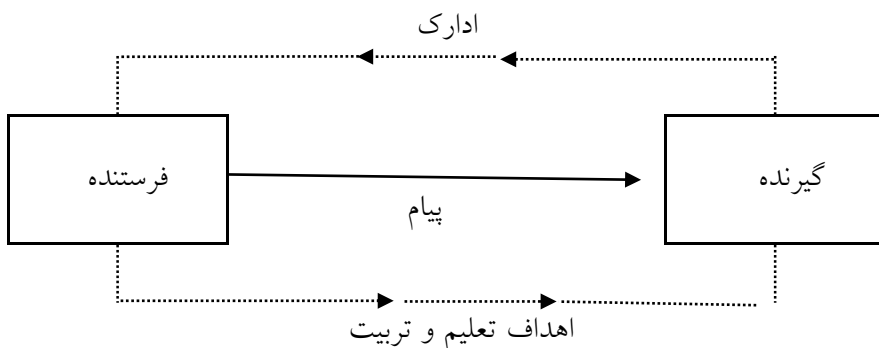
منتقل شدن پیام از فرستنده‌ی آن (مربی) به گیرنده (فراگیر) به طوری که مفاد پیام ادراک شود، مشروط به اینکه محتوای پیام مورد نظر فرستنده، به گیرنده پیام، منتقل شود و بالعکس.



۳-۴. تحلیل ارتباط در فرآیند تدریس

- ارتباط، یک مدار و مجموعه اعمال است.
- فرآیند انتقال، جریان دارد.
- مفاهیم منتقل می‌شوند.
- منظور مشترک از مفاهیم بین طرفین بوجود آید.
- هدف ارتباط تأثیر، هدایت و تعلیم برای تربیت صحیح می‌باشد و آن تعیین‌کننده نوع و روش ارتباط است.
- پیام دارای محتواست و آن درسی است که تدریس می‌شود.
- در ارتباط، وجود ۳ عنصر لازم است: فرستنده، گیرنده، پیام
- پیام وقتی منتقل می‌شود که توسط گیرنده ادراک شده باشد.
- آغازگر و برقرارکننده ارتباط، مدرس است.
- مربی «دبیر، معلم و مدرس» در جریان ارتباط، لازم است جوّ و فضا را برای پذیرش و روند ارتباط مساعد نماید.
- فضای عاطفی و محبت‌نمودن می‌تواند زمینه‌ساز خوبی برای شروع ارتباط و موفقیت آن باشد.

*ارتباط کامل = انجام رسالت الهی *تدریس صحیح = برقراری ارتباط





۴-۴. روش‌های ارتباطی

۱- ۴-۴ - ارادی و غیرارادی

ارادی: با طرح و برنامه‌ریزی قبلی و حساب‌شده، مانند تهیه طرح درس قبل از رفتن به کلاس.

غیرارادی: بدون طرح و برنامه‌ریزی قبلی.

۲- ۴-۴ - رسمی و غیررسمی

رسمی: در محیط‌های رسمی مانند سازمان‌های اداری و آموزشی با ابلاغ آیین‌نامه و مقررات برقرار می‌شود.

غیررسمی: بین دو نفر یا دو گروه بطور عادی و غیررسمی برقرار می‌شود، این نوع ارتباط معمولاً صمیمانه‌تر و عمیق‌تر از ارتباط رسمی است.

۳- ۴-۴ - کلامی و غیرکلامی

کلامی: انتقال پیام با استفاده از «رمزهای کلامی» مانند بحث و گفتگو، تعریف یا توضیح شفاهی یک مطلب.

غیرکلامی: انتقال پیام با استفاده از رمزهای غیرکلامی مانند حرکات (حرکات دست و چشم)، صدا و زنگ (آژیر آمبولانس)، علائم و نماد (علائم راهنمایی و رانندگی) و ...

* در تعلیم و تربیت ارتباط غیرکلامی مطلوب فراگیران بوده و باید به آن اهمیت ویژه داد.

۴- ۴-۴ - مستقیم و غیرمستقیم

مستقیم: حضوری و بدون واسطه بین فرستنده و گیرنده، این ارتباط می‌تواند صمیمانه‌ترین و کامل‌ترین نوع ارتباط باشد. (زیرا ارتباطی است که انواع روش‌های ارتباطی دیگر در آن بکار گرفته می‌شود).



غیرمستقیم: غیرحضورى و باواسطه است و معمولاً برای همدیگر ناآشنا هستند مانند ارتباط بین نویسنده و خوانندگان یک کتاب.

مدرس، در جلسات و کلاس‌های خود از این نوع ارتباط برای تعلیم و تربیت مطلوب، لازم است استفاده نماید.

۵ - ۴ - ۴ - فردی و جمعی

فردی: معمولاً بین دو نفر است و بیشتر جنبه‌ی حضورى و شخصى دارد.

جمعی: بین یک نفر با یک گروه یا گروهی با گروه دیگر است که یا مستقیم مانند سخنرانى در مجالس پرجمعیت بوده و یا غیرمستقیم مانند مطبوعات و صدا و سیما.

۶ - ۴ - ۴ - یک طرفه و دوطرفه

یک طرفه: پیام از فرستنده به گیرنده ارسال می‌شود و گیرنده عکس‌العملی به فرستنده منتقل نمی‌کند. مانند ارتباط توسط صدا و سیما و مطبوعات.

دوطرفه: نقش فرستنده - گیرنده دائماً در جریان ارتباط عوض می‌شود و ارتباط بعدی بر اساس عکس‌العمل گیرنده و فرستنده تعیین می‌شود. مانند ارتباط مستقیم مدرس «دبیر، معلم و مربی» و فراگیر در کلاس و جلسات که مؤثرتر از ارتباط یک طرفه است.

۵. حاکم بر مدار یک کلاس

۵-۱. رابطه و جریان آموزشی و یادگیری

در فضای یک کلاس ممکن است کلیه فعالیت‌های آن، فقط بر مبنای تعامل آموزش و یادگیری استوار بوده و هدف، یادگیری یک علم و انتقال اطلاعات پیرامون آن باشد (که معمولاً بر مبنای منبع و سرفصل درس است).



۲-۵. ارتباط عاطفی

فراده علاوه بر انتقال مطلب علمی و اطلاعات، ممکن است با فراگیران خود ارتباط عاطفی برقرار نموده، بین آنها مطلوبیت برقرار گردد و این خود زمینه‌ساز انتقال انتخاب‌ها، ارزش‌ها و معیارهای فراده به فراگیر خواهد شد.

۳-۵. رابطه فکری

ممکن است بین فراده و فراگیر رابطه فکری برقرار شود. فراگیر در این حالت، به نوعی، مجموعه افکار فراده را پذیرش نموده، به عنوان اصول فکری خود مورد مقبولیت قرار می‌دهد. در نتیجه، این رابطه فکری، در انتخاب‌ها و ارزشگذاری‌های فراگیر، شخصیت او و ... تأثیرگذار خواهد بود.

* مقبولیت و مطلوبیت مساوی است با پذیرش مدرس.

۴-۵. جریان تربیتی

در این حالت، در کلاس، فراده یا بهتر است گفته شود مربی (تنها جایی که می‌توان به فراده نام مربی اطلاق کرد در این حالت است) کلیه فعالیت‌های آموزشی، یادگیری، انتقال مطلب و ... خود را با هدف تربیت فراگیر، تنظیم می‌نماید.

۵-۵. «تعامل احساسی - شناختی»

یکی از جریان‌های دیگر بین مدرس و فراگیر، «تعامل احساسی - شناختی» است که عمیق‌تر و هدفمندتر از جریان تربیتی است و آن رابطه و تأثیر متقابلی است بین مدرس و فراگیر که در آن وی از نظر احساسات، افکار، ذائقه‌ها و حالت‌های درونی، توسط مدرس درک شده است و فراگیر این موضع مدرس را به خوبی متوجه شده، احساس می‌کند که افکار، حالات درونی و استعداد‌های وی، توسط مدرس کشف و فهمیده شده



است. این حالت برای فراگیر مطلوب بوده، او نیز واکنش مثبتی از خود بروز می دهد. «تعامل احساسی - شناختی» می تواند سرمایه مؤثری برای اهداف تربیتی مدرس و نظام آموزش و پرورش باشد و زمینه ساز بسیار خوبی برای به جریان درآوردن اهداف تعلیم و تربیت در کلاس است.

در حقیقت «تعامل احساسی - شناختی» ابزاری است برای مدرس، زمانی که هدف او، رشد، ساخت و تربیت می باشد. (تربیت فکری، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و درونی) معمولاً مراجع و بزرگان حوزه های علمیه با بهره مندی از این جریان، چهره های برجسته ای را همواره تربیت نموده اند.

*جریانات فوق الذکر «جریانات پنجگانه تعلیم و تربیت» نامیده می شوند.

۶-۵- جریان های دیگری نیز ممکن است در یک کلاس یا محیط های آموزشی

برقرار شود. از قبیل جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.

۶. آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر

فراگیر با استفاده از ادبیات روز جامعه، ممکن است به ادبیات جدید و مغایر با مدرس «دبیر، معلم و مربی» دست یابد، لذا مدرس باید با ادبیات هر نسل آشنا باشد تا با رعایت این ادبیات، توسط فراگیر، پذیرش شود. سپس مدرس می تواند بر او احاطه یافته، وی را به سوی اهداف تعلیم و تربیت حرکت دهد. سن بلوغ گرایش به طغیان گری داشته و ادبیات متفاوتی را می طلبد.

۷. رعایت نظم

یکی از اصول مهم تدریس و کلاس داری رعایت نظم است. رعایت نظم در کلیه امور، امری بدیهی و از موضوعات بسیار مهم، ارزشمند و تعیین کننده در همه



زمینه‌هاست. با اندک توجه درمی‌یابیم که آفرینش و بقای موجودات در نظام خلقت و پدیده‌های آن همواره بر اساس نظم بوده است.

رعایت نظم برای مدرس (دبیر، معلم و مربی) از الزامات تدریس و کلاس‌داری است. آرامش خاطر، نشاط و شادابی، صرفه‌جویی در وقت و امکانات، بهره‌وری بیشتر، وصول به اهداف تعلیم و تربیت و ... از فواید نظم است.

منشأ نظم معمولاً تفکر صحیح است. مدرس با رعایت نظم می‌تواند در ساخت فکری فراگیر نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند. لذا فراگیران لازم است در تعامل با مدرس، نظم در امور را مشاهده نمایند و کلیه فعالیت‌ها، برنامه‌های آموزشی مدرس، بر اساس نظم و ترتیب به فراگیران و مرکز آموزشی و ... ارائه گردد.

۸. معارفه

در جلسه اول هر دوره لازم است به معارفه پرداخته شود. لذا به آن «جلسه معارفه» نیز گفته می‌شود.

ساخت ذهنی فراگیر و نگرش او در دقایق اولیه شروع اولین جلسه، شکل‌یابی می‌شود. لذا جلسه اول در قضاوت مطلوب یا نامطلوب فراگیر و همچنین در تشکیل نگرش مثبت و منفی فراگیر و مدرس بسیار مؤثر می‌باشد. در نتیجه مدرس باید به گونه‌ای رفتار نماید تا فراگیران از عنوان درس، کتاب، مدرس و فضای کلاس، نگرش مطلوبی را به دست آورند.

انواع معارفه:

الف) معارفه مدرس با فراگیر: بخشی از این معارفه قبل از شروع نیمسال و جلسه اول با کسب اطلاعات از منابع ذیربط و یا در جلسه‌ی اول، قابل انجام است، (از نظر دوره، رشته و نیمسال تحصیلی و...)



ب) معارفه فراگیر با مدرس: با تحصیلات، سوابق، تواناییها، تخصص مدرس آشنا می شوند.

ج) معارفه فراگیر با درس و موضوع، کتاب و منبع، شرایط و قوانین کلاس و مدرس و

۹. آماده سازی

هدف از آماده سازی تمرکز حواس فراگیر، ایجاد تفکر، علاقه و انگیزه برای یادگیری است.

قبل از شروع تدریس، مدرس (دبیر، معلم و مربی) باید فراگیران را برای یادگیری درس روز آماده سازد. توجه و افکار هر کدام از فراگیران ممکن است تحت تأثیر عاملی باشد و یا متوجه مسائلی که قبل از ورود به کلاس به آن فکر می کرده و یا پس از پایان یافتن کلاس، قصد انجام دادن آن را دارد، معطوف باشد. لذا، مدرس لازم است، توجه فراگیران را به درس، فضای آموزشی کلاس و مدرس، جلب نماید.

مرحله آماده سازی می تواند ایجاد جذابیت ها و روحیه نشاط نماید. لذا مدرس لازم است با سلیقه و ذوق و هنر خود، بطور جالب، فراگیران را برای تدریس آماده سازد. آماده سازی زمینه ساز برقراری ارتباط صحیح آموزشی و ایجاد ارتباط عاطفی بین مدرس و فراگیر است.

۱۰. محتوای تدریس

۱۰-۱. محتوای تدریس چیست؟

مفاهیمی است که باید به نوعی نیازهای فراگیران را تأمین نماید و متناسب با درک و شرایط آنان باشد، لذا ابتدا باید مشخص شود که چه باید یاد گرفته شود، سپس بر مبنای آن محتوی تنظیم گردد.^۱

۱. مبانی تهیه و تنظیم محتوا: - با توجه به اهداف تعیین و تنظیم گردد. - میزان علاقه و رغبت فراگیران در نظر گرفته شود. - متناسب با توانایی ها و استعداد های فراگیران باشد (= قابلیت فهم). - عامل ساخت و رشد فکری باشد، نه ارائه مقداری اطلاعات و محفوظات. - تازگی، جذابیت مطلب، مرتبط با مسائل روز و منطبق با زمان آموزش بودن، از دیگر اصول مهم تهیه و تنظیم محتواست.



۲-۱۰. نحوه ارائه محتوا:

۱ - ۲ - ۱۰. مدرس لازم است به «بیان» محتوا اکتفا ننموده، بلکه محتوا را «انتقال» دهد.

تفاوت بین «بیان» و «انتقال»:

الف) بیان: محتوا توسط مدرس بیان و ارائه می‌شود. در این حالت ممکن است فراگیر همه‌ی محتوا را ادراک ننموده و مضمون آن ادراک نشده و یا بخشی از آن را ادراک نماید.

ب) انتقال: با برقراری ارتباط توسط مدرس و با ایجاد شرایط لازم، کلیه محتوا توسط فراگیر ادراک شده و مضامین محتوا به او انتقال می‌یابد.

۲ - ۲ - ۱۰. اصل نمودن موضوع:

یکی از عوامل مهم که در اثرگذاری محتوا بر فراگیر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند اصل نمودن یک موضوع کلی، و سپس ارائه مبحث مورد نظر است و آن بدین شکل قابل اجراست که مدرس در گام اول، ابتدا یک موضوع و یک اصل غیرقابل انکار را ارائه می‌نماید و فراگیر آن را بعنوان مبنا و اصل مورد قبول و پذیرش قرار می‌دهد.

در گام دوم مدرس مبحث مورد نظر، که هدف اصلی اوست را ارائه می‌نماید و بر آن اصل منطبق می‌نماید. مانند: اصل نمودن توحید برای مبحث نماز، اصل نمودن قرآن برای مبحث حجاب، اصل نمودن حلال و حرام برای مبحث مسائل مالی، معاملات و ربا، اصل نمودن حسن خلق برای مبحث معاشرت با مردم.

۳-۱۰. اجزای محتوا

محتوای درس معمولاً از قسمت‌های مختلف تشکیل می‌شود که مدرس برای هر قسمت، لازم است آن را در سه بخش تدریس و به فراگیران منتقل نماید.

الف) طرح عنوان: این بخش معرفی عنوان به صورت سؤالی و یا بطور مثبت طرح



می شود و برای انتقال آن لازم است، از اصل گویایی استفاده شود. (بدون ابهام و برداشت های متفاوت).

ب) نماد: علائم و قالب هایی هستند که برای انتقال مفاهیم بکار می روند و در کاربرد آنها باید به سطح دانش و ادبیات متناسب با فراگیر توجه شود، مانند: استفاده از مثال ها، نمودارها، جداول، اشعار، حکایات کوتاه، ضرب المثل ها، آیات و احادیث و ...

ج) مضمون: مهم ترین و با ارزش ترین بخش محتوا مضمون است و «طرح عنوان» و «نماد» وسیله انتقال مضمون هستند و آنچه باید ادراک و عمل شود مضمون است نه «طرح عنوان» و «نماد».

* برای انتقال محتوا لازم است، مطلب درس روز به واحدهای کوچک تقسیم شود. همچنین متناسب با مطلب روز، از تمرین و تکرار یا سؤال و جواب یا مباحثه و یا تلفیقی از آنان استفاده گردد. این مهم «فعالیت تکمیلی» نامیده می شود.

۱۱. جذابیت ها

یکی از اصول مهم اداره کلاس های تربیتی وجود جذابیت ها است. جذابیت ها برای هر مدرس، نقش بسیار حساس و مهمی را در موفقیت او، اداره کلاس، وصول به اهداف آموزشی و تربیتی او، ایفا می نمایند. همچنین آنها نقش تعیین کننده ای را در موارد ذیل بر عهده دارند:

الف) جذب فراگیران

ب) حفظ آنان و ماندن در روند آموزشی

ج) ایجاد تغییرات، ساخت، رشد و تربیت فراگیران



انواع جذابیت‌ها

- الف) روش تدریس
- ب) فضای آموزشی (فضای فیزیکی و فضای عاطفی)
- ج) موضوع و مطلب
- د) جاذبه‌ها و گیرایی خصوصیات مطلوب اخلاقی، اجتماعی، رفتاری و فکری مدرس

۱۲. محرک‌ها

یکی دیگر از اصول اداره کلاس‌های تربیتی استفاده از محرک‌هاست. اگر بر اثر عاملی، آرامش و روند کلاس با اختلال روبرو شود، مدرس باید محرک قوی‌تری از آن عامل، به محیط وارد کند. او باید به مجموعه‌ای از محرک‌ها مجهز شده تا هرگاه لازم شود یکی از آنها را وارد محیط نموده، تأثیر تحمیل آن عوامل را برطرف و خنثی کرده، بر کلاس استیلا یابد.

چنانچه عامل بازدارنده و مخل، از سوی یکی از فراگیران باشد، مدرس نباید از خود واکنش و عکس‌العمل منفی بروز دهد، بلکه باید مراقب رفتار و گفتار خود و دیگر فراگیران بوده تا آنان، فراگیر مخل را زیر سؤال نبرند و به شخصیت و جایگاه او در کلاس، همچنین به روابط مدرس با آن فراگیر، خدشه وارد نشود. محرک‌های عاطفی از همه قوی‌تر و بقای بیشتری دارند. بعضی از محرک‌ها عبارتند از: حکایات، مثال‌ها، عکس‌العمل‌های جهت‌دار و اختیاری مدرس مانند سکوت و ...

* محرک‌ها می‌توانند عامل «حصول کانون توجه» نیز باشند.

۱۳. شکل‌دهی ذهن فراگیر با نماد:

این فعالیت مدرس از اصول مهم در حین تدریس می‌باشد و او لازم است هر مطلبی را که انتقال می‌دهد آن را با نماد متناسب با موضوع مربوطه، همراه کرده، مضمون را در قالب نماد، شکل‌دهی نماید. متن حدیث و یا آیه، بیان حکایت و داستان جالب، مثال‌های



روشن و اشکال مختلف، توزیع محتوا با نمودارهای منظم و ... می‌توانند نماد برای مضمون باشند. این مهارت باعث سهولت در یادگیری شده و بقاء و تثبیت آموخته‌ها و مطالب یادگیری شده را به دنبال دارد.

*یکی از عوامل مهم موفقیت مدرس، استفاده از روش تدریس مناسب با موضوع و محتوای مورد تدریس می‌باشد.

لذا مدرس (دبیر، معلم، مربی) لازم است با انواع روش‌های تدریس به خوبی آشنا شده و بر آنها تسلط یافته، متناسب با اهداف آموزشی، موضوع، جنس، سطح سنی و سطح دانش فراگیران روش تدریس هر جلسه را انتخاب نماید.

لذا توصیه می‌شود کتاب‌های مهارت‌های آموزشی و پرورشی دکتر حسن شعبانی، کلیات روش‌ها و فنون تدریس و روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس آقای امان‌الله صفوی، راهنمای روش‌های نوین تدریس دکتر محرم آقازاده مطالعه گردد.

۱۴. مشارکت فراگیر

در دهه‌های اخیر نظام آموزشی کشور، بسان بعضی از کشورهای پیشرفته، به این نتیجه رسیده که مشارکت فراگیران نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در فرآیند تدریس دارد، لذا این اصل مهم در اداره کلاس‌های تربیتی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

مدرس (دبیر، معلم، مربی) در هنگام تدریس لازم است بطور مداوم، فراگیران را در روند تدریس خود و مدار کلاس، نگه داشته، هرچه گام به گام جلو می‌رود فراگیران را مشارکت دهد. این مشارکت به اشکال مختلفی ممکن است حاصل شود، از قبیل: پرسش‌های پیگیر (مدرس از فراگیر، فراگیر از فراگیر)، ارائه مسئولیت‌های کلاس به عهده آنان، واگذاری حل مسأله بعهد فراگیران، تمرین و تکرار، انواع مباحثه‌ها و ... ، نتایج این فعالیت مهم مدرس عبارتند از: ایجاد روحیه نشاط، جذابیت روش تدریس و



فضای آموزشی کلاس، غلبه بر خستگی زودرس، اتمام کلاس در زمان مقرر، رعایت سقف حد نصاب جلسات (۱۶ جلسه) و زمان کلاس (حداقل ۱۰۰ دقیقه)، یادگیری مؤثرتر و بیشتر، بقای بیشتر یادگیری‌ها و کاربرد آنها در موقعیت‌های زندگی و

۱۵. ایجاد روحیه نشاط در کلاس

ممکن است بین مدرس و فراگیران تفاوت سطح سنی وجود داشته باشد، برای رفع بازدارندگی این موضوع و همچنین به دلایل متعدد دیگر، ایجاد روحیه نشاط اصل مهمی در تدریس و یادگیری محسوب می‌شود و می‌توان گفت:

ایجاد روحیه نشاط در کلاس، لازمه کلاس‌داری است و از اصول مهم اداره

کلاس‌های تربیتی می‌باشد.

عوامل ایجادکننده روحیه نشاط در کلاس و فراگیر:

- ۱- جذابیت‌های چهارگانه
- ۲- جو عاطفی
- ۳- تعامل احساسی - شناختی
- ۴- انواع تشویق‌ها
- ۵- مشارکت فراگیران
- ۶- محرک‌های مطلوب قوی
- ۷- تبدیل فکر به تفکر در حین تدریس
- ۸- کاربرد نماد در تدریس هر ریز موضوع
- ۹- استفاده از حکایت‌ها و داستان‌ها در ضمن ارائه محتوا
- ۱۰- تبدیل ارائه مطلب به انتقال مطلب (یعنی رسیدن فراگیر به مرحله ادراک مطلب)



۱۶. بازنگری

۱۶-۱. مدرس (دبیر، معلم و مربی) و هر نظام آموزشی لازم است، هر مدت یکبار فعالیت های خود را، جهت اصلاح و بهبود، مورد بازنگری قرار داده تا از خلل در کیفیت برنامه های آموزشی جلوگیری بعمل آید.

یکی از مواقعی که بازنگری ضرورت می یابد ناآرامی هاست، ناآرامی فراگیر یا فراگیران در کلاس پیامی است برای مدرس. لذا برای رفع اشکالات و خطاهای احتمالی خود باید بازنگری نماید.

۲ - ۱۶. انواع بازنگری

۱ - ۲ - ۱۶. الف) بازنگری توسط مدرس: نداشتن طرح کلی یا طرح درس روزانه، عدم تسلط بر مطلب، بیان مطلب بجای انتقال مطلب، عدم تنوع در تدریس، عدم استفاده از تشویق، فقدان جذابیت ها، تهدیدهای مداوم، تنیدی و سوء رفتار مدرس، تبعیض ها، عدم امنیت لازم و ... ممکن است از اشکالات احتمالی مدرس باشد.

ب) بازنگری علمی: تطبیق فعالیت ها با اصول و قوانین کلاسداری و تعلیم و تربیت و ...

۲ - ۲ - ۱۶. بازنگری توسط کارشناس.

۳ - ۲ - ۱۶. بازنگری توسط فراگیران بطور کتبی یا شفاهی.

فصل چہارم

برنامہ تربیتی

آنچه در فصل چهارم می‌خوانیم:

۱. برنامه تربیتی

مراحل برنامه تربیتی: (کاربرد برنامه تربیتی در مراحل مختلف زندگی)

مرحله اول: انتخاب همسر

مرحله دوم: قبل از انعقاد نطفه

مرحله سوم: انعقاد نطفه

مرحله چهارم: پس از انعقاد نطفه

مرحله پنجم: تولد و نوزادی

مرحله ششم: دوران کودکی

مرحله هفتم: پایان دوره کودکی - دوره اطاعت

مرحله هشتم: دوران بلوغ - دوران وزارت

مرحله نهم: ازدواج و تشکیل خانواده مطلوب

مرحله دهم: پس از ازدواج و تا پایان عمر

۲. برنامه خودسازی



۱. برنامه‌ی تربیتی

۱-۱. تعریف

برنامه تربیتی، «مجموعه اعمال و اقداماتی است منظم، با هدف که والدین، مربی، دیگر عوامل اثرگذار بر فراگیر و خود برای تغییر، ساخت، رشد و نهایتاً تربیت فرد با هم‌آهنگی هم انجام می‌دهند».

۱-۲. فواید، لزوم و اهمیت

فواید:

- می‌توان گفت سرنوشت هر فرد بستگی به وجود برنامه تربیتی، نوع و کارایی آن دارد.
- در تمام طول زندگی، فرد را اداره می‌نماید.
- در شکل‌یابی تفکر صحیح نقش مهمی را ایفا می‌کند.
- فرد را در برابر آلودگی‌ها، مفاسد و انحرافات فکری محافظت می‌کند.
- تمام ابعاد زندگی فرد اعم از اقتصادی، شخصیتی، اخلاقی، فکری، عقیدتی، روحی و روانی را در برمی‌گیرد و برای هر یک از ابعاد، دستورالعمل‌ها و بایدها و نبایدهایی را به همراه دارد.

لزوم:

۱. طریقه و راه تبدیل نیازها به خواسته‌ها، استعدادها به توانایی‌ها را تعیین و ترسیم می‌نماید.



۲. مانع صرف وقت، هزینه و منابع انسانی و مالی بیش از حد خواهد شد و در سنین بالاتر، از تنش ها و برخوردها جلوگیری می نماید.

اهمیت:

۱. برنامه تربیتی، تعیین راهبردهایی است برای پیاده نمودن نظام تربیتی، لذا باعث به حرکت افتادن آن است.
۲. عامل و ابزار تحقق اهداف آفرینش است.

۳-۱. ویژگیهای برنامه تربیتی

۱. لازم است مفاد برنامه تربیتی برگرفته از متن قرآن و دستورات ائمه اطهار علیهم السلام و توصیه های علوم مختلف نظیر کلام، فقه، زیست شناسی، پزشکی، روانشناسی و ... باشد.
 ۲. اولین بخش از برنامه تربیتی توسط والدین، دومین بخش آن توسط دیگر عوامل تربیتی نظیر رهبران فکری، رهبران جامعه، مربیان و ... و بخش سوم برنامه تربیتی را خود فرد و با کمک بخش های دیگر تهیه و اجرا می نماید. (دقت شود) مبحث برنامه خودسازی که در ادامه مباحث این فصل ذکر می گردد، مربوط به همین قسمت است و موضوع مهم اینک، علم اخلاق اسلامی بطور مبسوط به این مهم می پردازد.
 ۳. توافق والدین در تهیه و تنظیم و اجرای آن عامل مهمی در ایجاد انگیزه برای عمل و تداوم بخشیدن به آن می باشد.
- * از آنجا که بخش های دوم و سوم برنامه تربیتی به نحوه اجرای بخش اول آن بستگی دارد، توافق والدین در تهیه و اجرای آن از اهمیت زیادی برخوردار بوده و نقش سرنوشت سازی را دارا می باشد.
- مهم ترین موضوع در برنامه تربیتی توافق و همکاری والدین است.



۴-۱. مراحل برنامه تربیتی (کاربرد برنامه تربیتی در مراحل مختلف زندگی)

۴-۱-۱. مرحله‌ی اول: انتخاب همسر (ازدواج والدین)

برخلاف نظریه برخی مکاتب و اکثریت جامعه، از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام احادیث و روایات زیادی در مورد شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیات و دقت نمودن در انتخاب همسر وجود دارد. در حدیثی تصریح شده است به هنگام انتخاب همسر، مادر مناسب برای فرزندان انتخاب نمایند و این یعنی دقت و توجه به برنامه تربیتی و اهمیت دادن کافی به آن (= آینده‌نگری). لذا اولین مرحله در برنامه‌ی تربیتی به انتخاب همسر اختصاص می‌یابد و در حقیقت این اولین گام و نقطه‌ی شروع زندگی است. (خشت اول را نهد ...)

لذا افراد لازم است نسبت به این مهم توجه گردند و در این راستا ملاک‌های انتخاب همسر، صحیح و اصولی باشد.

ملاک‌های انتخاب همسر:

- نزدیکی نگرش

- نزدیکی عقیده دو فرد نسبت به مبدأ، معاد، زندگی و دنیا

- تشابه در خلق و خوی و خصلت‌ها، ایمان، تفکر صحیح و تشابه در هدفگذاری و

ارزشگذاری‌ها

حاصل تشابهات؛ آسان تأمین شدن نیازها و خواسته‌ها و سریع حاصل شدن

توافقات، گذشت و عدم بروز اختلافات، تعارضات و مقابله‌ها و در مجموع حاصل شدن

زندگی ارزشی و مطلوب است.



۲-۴-۱. مرحله دوم: قبل از انعقاد نطفه

لازم است همسران در این مرحله به موارد ذیل عمل نمایند:

۱. از نظر حالات روحی، روانی و عاطفی در شرایط مطلوب باشند، لذا لازم است والدین مدتی روح ایمان و معنویت را با ذکر، دعا(ارتباط دائمی و قوی با خداوند)، نمازهای مستحبی، نماز شب، نوافل و بویژه خواندن نماز واقعی، روزه، تفکر در مظاهر خلقت و ... بسیار تقویت نمایند.

آرامش روحی و روانی مهم ترین اقدام در این مرحله می باشد (ضمن و یا پس از سفر حج، کربلا و نجف اشرف، مشهد، پایان ماه مبارک رمضان و اوایل شوال و ... زمان خوبی برای انعقاد نطفه است).

۲. از لحاظ فعل و انفعالات و حالات اخلاقی بر خود کاملاً مسلط شوند و صفات و حالات خوب اخلاقی باید ملکه گردیده، بر اثر تمرین و تکرار درونی شوند.

۳. از تهییج عصبی و تشنج اعصاب، تنش و اختلافات شدیداً اجتناب گردد.(حتی تا دوران شیردهی)

۴. توجه به رزق حلال، بسیار واجب است و تا پایان دوران زندگی، بویژه تا پایان دوران شیردهی لازم است به این موضوع توجه زیادی نموده و از خوردن غذاهای حرام و شبهه ناک و از شرکت در مراکز یا منازل مشکوک شدیداً دوری گردد.

در روز عاشورا بی اثر ماندن اتمام حجت امام حسین علیه السلام و به شهادت رساندن آن حضرت به خاطر دادن رزق حرام بنی امیه بود.

۵. طرفین از شرایط جسمانی مطلوبی برخوردار باشند، بیماری و یا خستگی های دایم رفع و قدرت جسمانی تقویت شده و از تفریح و استراحت لازم برای مدتی برخوردار باشند.



تذکر: رعایت موارد فوق برای انعقاد نطفه‌ی سالم و خوب کاملاً ضروری است.

۳-۴-۱. مرحله سوم: انعقاد نطفه (کوتاه‌ترین مرحله، ولی بسیار مهم)

اقدامات مرحله سوم برای همسران:^۱

- با وضو بودن

- خواندن دو رکعت نماز و خواندن دعاهای وارد شده، قبل از نماز و حالت تضرع

بعد از نماز

- رعایت قبله

- ذکر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۲

- ذکر فراوان الله اکبر که در احادیث فراوانی توصیه شده است.

موارد فوق در حقیقت ایجاد شرایط و فضای مطلوب را می‌نماید. (که در فصل دوم به

آن اشاره شد).

۱. در کتب حدیثی مربوطه و منابعی از قبیل: حلیه‌المتقین بطور مبسوط ذکر شده است.

۲. امام صادق علیه السلام شریک شدن شیطان را در نطفه‌ی آدمی بیان فرموده و بسیار عظیم شمردند، لذا فرمودند: هرگاه اراده آمیزش داشته باشی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلاَّ هُوَ، بَدِیْعُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ، اللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِیْنِیْ فِیْ هَذِهِ اللَّیْلَةِ خَلِیْفَةً، فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطٰنِ فِیْهِ شِرْکًا وَ لَا نَصِیْبًا وَ لَا حَظًّا، وَ اجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصَفًّیًّا مِنَ الشَّیْطٰنِ وَ رِجْزِهِ جَلَّ تَنَاوُکُکَ.

حضرت علی علیه السلام « بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، اللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطٰنَ، وَ جَنِّبِ الشَّیْطٰنَ مَا رَزَقْتَنِی »

امام باقر علیه السلام اللهم ارزقنی ولداً واجعله تقیاً زکیاً لیس فی خلقه زیاده و لا نقصان و اجعل عاقبتہ الی خیر.

امام صادق علیه السلام فرمودند در سجده نماز، این آیات خوانده شود:

رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدَّعٰوِی. رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَ اَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ

امام سجاد علیه السلام رب لا تذرني و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیوتی و یرثنی بعد موتی و اجعله خلقاً سوياً و لا تجعل للشیطان فیہ نصیباً اللهم انی استغفرک و اتوب الیک انت الغفور الرحیم.



۴-۴-۱. مرحله ی چهارم: پس از انعقاد نطفه

اقدامات مرحله ی چهارم:

رسالت مهم پدر آماده سازی شرایط و فضای لازم برای باروری نطفه در زمینه ی موارد پنج گانه ای که در مرحله ی دوم مشخص گردید، می باشد. رعایت توصیه های پزشکی، توجه دایمی و اهمیت دادن به موارد پنج گانه (مرحله دوم)، تقویت و ادامه ی رعایت آنها و مدنظر قراردادن دستورات ائمه علیهم السلام و موارد دیگری که در تعلیم و تربیت و روانشناسی توصیه شده است، وظیفه ی مادر می باشد.

۵-۴-۱. مرحله پنجم: تولد و نوزادی (ایجاد شخصیت فردی)

اقدامات مرحله ی پنجم:

۱. نام نیکو: معمولاً لازم است نام نیکو که هویت ارزشمندی به فرد ببخشد انتخاب شده (قبل از انعقاد نطفه) و طی مراسمی و توسط فردی معنوی همراه با اذان، اقامه و ... فرزند نامگذاری گردد.

۲. عقیقه

۳. ولیمه

موارد فوق در حقیقت تعیین جایگاه پذیرش و اهمیت دادن به فرزند به عنوان یک عضو رسمی می باشد یعنی ایجاد شخصیت فردی برای فرزند و ایجاد نگاه مطلوب به فرزند به عنوان یک وجود مهم و ارزشمند، برای والدین.

۶-۴-۱. مرحله ششم: دوران کودکی

۷ سال اول زندگی (دوران طفولیت، خردسالی، کودکی یا دوران سیادت)

اقدامات لازم در این مرحله شامل ۱۰ مورد می باشد:



در طبقه‌ی اول:

۱. توجه
۲. تغذیه صحیح
۳. تحرک و بازی

در طبقه‌ی دوم:

۴. محبت
۵. امنیت
۶. ایجاد روحیه نشاط

در طبقه‌ی سوم:

۷. برقراری ارتباط عاطفی
۸. ایجاد جو عاطفی در فضای عمومی خانواده
۹. ایجاد جو حسن و قبح
۱۰. مقدمات تشکیل نگرش و دیدگاه

۷-۴-۱. مرحله‌ی هفتم: پایان دوران کودکی، نوجوانی، دوره اطاعت، ۷ تا ۱۴ سالگی

اقدامات مرحله‌ی هفتم:

لازم است اقدامات دهگانه‌ی مرحله‌ی ششم در این دوره نیز تداوم یافته علاوه بر آنان:

۱. در این دوره لازم است مقدمات تشکیل نگرش نوجوان، به ایجاد تشکیل نگرش تبدیل شده و دیدگاه‌های وی نسبت به خود، جهان هستی، خداوند، مرگ و پس از مرگ شکل‌یابی گردد.

از آنجا که تلقی صحیح نوجوان از خود، زیربنای اصلی نگرش وی در دوره‌های بعد می‌باشد، لازم است فرد نسبت به خود و هدفمند بودن خود، تصویر مطلوبی داشته



و خود را با ارزش بداند.

تذکره: در این دوران لازم است روحیه‌ی توحید در فرد بطور خوشایندی ایجاد گردد.

۲. مقدمات تشکیل عقیده

۳. ایجاد تفکر صحیح:

اگر نگرش فرد در این مرحله به خوبی شکل‌یابی شده باشد، حاصل آن، ایجاد تفکر

صحیح خواهد بود. تفکر صحیح در این مرحله در این زمینه‌ها عامل تعیین کننده است:

الف) نحوه‌ی زیست و نوع رفتار

ب) عدم گرایش به آلودگی‌ها و پلیدی‌ها و زشتی‌ها

ج) حفظ و تقویت نیات پاک درونی

۸-۴-۱. مرحله‌ی هشتم: دوران بلوغ، دوران وزارت یا تولد ثانی یا دوران

تحولات درونی

ترشحات هورمونی در این دوره باعث رشد سریع و تحولات جنسی و جسمی شده، همچنین بر اثر تحولات روحی و روانی بوجود آمده نوعی عدم تعادل روی می‌دهد. او حساس و زودرنج و گاهی طوفانی شده و قصد دوباره‌سازی باورها و یافته‌های گذشته را دارد. شک، عامل مهمی در جهت تزلزل و برهم خوردن ثبات او در این دوران است. در مجموع، فرد نامتعادل می‌شود که این عدم تعادل خود مقدمه‌ای برای ثبات جدید می‌باشد. در عده‌ای شخصیت و هویتی جدید شکل می‌گیرد. در ابتدا برای اطرافیان، فرد غیرقابل تحملی می‌شود ولی تذکر این نکته لازم است که وی را باید درک کرده و نیازهایش را تأمین نمود. این دوران سهم عمده و زیادی در تشکیل عقیده‌ی او ایفا می‌نماید.

اقدامات مرحله‌ی هشتم:

۱. به کلیه موارد مرحله‌ی ششم و هفتم (بویژه مرحله هفتم) در حد لازم توجه شده



و این توجه و سرمایه‌گذاری لازم است متناسب با سن وی انجام و افزایش یابد.
۲. در این مرحله و تا اواخر این دوره، لازم است نهایتاً عقیده فراگیر - فرزند، شکل‌یابی و تثبیت شود. همه‌ی مراحل قبلی در حقیقت مقدمه‌اند برای این مهم. برای تشکیل نگرش و عقیده‌ی فرد، باید سرمایه‌گذاری وسیعی انجام گیرد.

این موضوع مهم‌ترین اقدام در مراحل برنامه تربیتی یک انسان است.

۹-۴-۱. مرحله نهم: ازدواج و تشکیل خانواده مطلوب

تشکیل نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده

به دلیل اهمیت موضوع، حساسیت اجتماعی و «مسأله» بودن موضوع ازدواج برای عموم مردم، نحوه تشکیل نگرش دادن برای ازدواج و تشکیل خانواده، نیز بیان می‌شود:
عموم اقدامات و مسائل زندگی نیاز به مقدمات، لوازم، الزامات و شرایط دارند که اگر آنها در نظر گرفته نشده و یا به آنها توجه کافی نگردیده و یا تأمین نشوند، آن اقدام و موضوع یا اصلاً انجام نمی‌گردد، یا به خوبی انجام نمی‌شود و یا نیمه‌کاره مانده و به سرانجام نمی‌رسد و هدف آن اقدام هم، تحقق نمی‌یابد.

یکی از این مسائل و موضوعات و اقدامات، ازدواج و تشکیل خانواده است. در این زمینه مهم و سرنوشت‌ساز (هم برای فرد و هم جامعه)، فردی که قصد ازدواج دارد و خانواده‌ی او، لازم است موارد ذیل را جزو الزامات ازدواج بدانند و آنها را جزو اصول عملی دانسته و به آن عمل کنند، اگر چنین شود، ازدواج‌ها خوب آغاز شده، خوب ادامه یافته و به سرانجام خوبی رسیده، زندگی‌های خوبی وجود خواهند داشت و در نتیجه افراد و جامعه از عواقب مسائل ناشی از پاشیدگی‌های خانواده‌ها، طلاق‌ها، خانواده‌های



متزلزل و غیر سالم محفوظ و مصون خواهند ماند.^۱

۱-۹-۴-۱. اقدامات قبل از انتخاب

الف. ایجاد دیدگاه نسبت به ازدواج و زندگی مشترک (طرز تلقی صحیح نسبت به تشکیل خانواده و همسر):

فرد ازدواج کننده و خانواده‌ی او، اهمیت، فلسفه و هدف، فواید و آثار ازدواج و تشکیل خانواده را بخوبی دریافت و ادراک کرده باشند و برای این موضوع، دید مطلوب و لازم را داشته باشند. بسیاری از اختلافات و جدایی‌ها و ناهنجاری‌ها و کشمکش‌ها ریشه در این مسائل دارند.

چنانچه دید مرد به زن و زندگی، مطلوب و صحیح نباشد (و به زن بعنوان یک موجود ارضا کننده‌ی خواسته‌های جنسی و خدمتگذار و فرمانبر، نگاه کند و نه کسی که می‌تواند منشأ مودت و آرامش و رحمت باشد) و دید زن هم به مرد اصولی و صحیح نباشد (خود را مکمل و متمم مرد ندانسته دنبال مطامع خود باشد) در همان ابتدا واجد معیار و ملاک انتخاب صحیح و اصولی نبوده‌اند و از همان ابتدا، بر اثر انتخاب نامناسب از مسیر صحیح منحرف شده و مشکلات عدیده‌ای بوجود می‌آید و جالب اینجاست که زمان لازم برای حل مشکلات حادث شده به مراتب بیشتر از زمان لازم برای انتخاب صحیح است. هنگام بروز اختلافات و مشکلات، آن چه پیش می‌آید معمولاً: تهمت‌ها، بدرفتاریها، بدخلفی‌ها، تندی، تلاطم درونی، از بین رفتن آسایش، دور شدن از منطق و عقل و ... می‌باشد و در مقابل، برهه‌ی انتخاب معمولاً همراه با جذابیت‌ها و لذت‌هاست و زمان بسیار کمتری نسبت به شرایط اختلاف و مشکل لازم دارد.

۱. ۹۷/۱/۲۰ سازمان ثبت احوال ایران: نسبت طلاق‌ها به ازدواج‌های ثبت شده به ۲۹ درصد رسیده است که بالاترین آمار در تاریخ ثبت احوال ایران از سال ۱۳۴۴ است.



در مجموع دختر و پسر باید نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده به بلوغ لازم رسیده و آمادگی‌های لازم را از نظر هدف و فلسفه ازدواج بدست آورده، بتوانند قبول مسئولیت کنند و این میسر نمی‌گردد مگر این که به فرد و خانواده‌ی او، آموزش‌های لازم، برای ایجاد نگاه و دید مطلوب داده شده باشد.

ب. از دیگر اقدامات قبل از انتخاب و همسر داشتن، ملاک و معیار است. که در این زمینه افراد سه دسته‌اند:

الف) عده‌ای تقریباً فاقد معیار هستند، ب) عده‌ای هم واجد ملاک هستند ولی معیارهای اصولی و صحیح و ارزشمند ندارند و اصولاً معیارهای آنها یا بر مبنای سلیقه‌ها و ذائقه‌ها یا احساسی است و یا بر اثر مجاورت و القاء، واجد معیارهایی شده‌اند. و ج) عده‌ی سوم بر مبنای اهداف و فلسفه ازدواج، واجد معیارند.

* معیارهای کاربردی انتخاب همسر توسط مرد ۴ رکن است که عبارتند از:

۱. عفت (که زن را در بیرون از خانه و بین جامعه حفظ می‌کند و باعث اعتماد مرد می‌شود)
۲. اخلاق (که لازمه‌ی آرامش یافتن مرد در کنار زن است).
۳. فهیم بودن (که باعث اتخاذ موضع‌های صحیح در زندگی است و مانع ایجاد تنش شده، در تنظیم زندگی بسیار مؤثر است و باعث تنظیم خواسته‌های طرفین می‌شود و به این که چه موقعی؟ چه کاری؟ چه اندازه؟ باید انجام شود، پاسخ می‌دهد).
۴. نجابت (که باعث ایجاد جو حسن و قبح شده و موجب می‌شود که مرد در همه حال احترام همسر خود را نگهدارد و سبب می‌شود تا مرد رعایت حال زن را نموده، به

۱. انواع بلوغ از دیدگاه مرجع عالیقدر آیت‌الله مکارم شیرازی (در دیدار اعضای دفتر ایشان در تاریخ ۸۸/۹/۳۰) عبارتند از:
الف) بلوغ فقهی (همان ۱۵ سال در پسر و ۹ سال در دختر است، که در فرایض مانند روزه تا جایی که بدن اجازه می‌دهد، روزه بگیرد. ب) بلوغ اقتصادی حدی است که فرد بتواند تعامل اقتصادی بر قرار کند و فریب نخورد. ج) بلوغ مربوط به اجرای احکام و حدود که باید شعور و درک مجازات و حدود را داشته باشد. د) بلوغ ازدواج که باید آمادگی لازم را داشته باشد (از نظر جسمانی، اگر آسیب ببیند حرام است).



او با دید ارزشمند نگاه کند و در نتیجه، زن رفتار دون شأن مادری و خانواده به عنوان یک که نهاد مقدس را انجام ندهد).

* معیارهای کاربردی انتخاب همسر توسط زن ۴ رکن دارد که عبارتند از:

۱. ایمان (تقوا)؛ که باعث می شود مرد حقوق زن را به طور احسن رعایت کند.
 ۲. غیرت؛ که باعث محافظت زن در جامعه و خارج خانه است.
 ۳. اخلاق؛ باعث لذت زندگی در داخل خانه و آرامش زن است.
 ۴. اصالت؛ که باعث می شود در هیچ حالت به همسر خود ظلم نکند.
- مرد و زن لازم است نسبت به موارد فوق از دیدگاه لازم و مطلوب برخوردار باشند.

۲-۹-۴-۱. اقدامات لازم در حین خواستگاری

با توجه به ملاک های یادشده، لازم است هر کدام از همسران ۴ اقدام مهم را انجام دهند:

۱. اقدام برای شناخت (که در هنگام مقدمات خواستگاری و جلسات خواستگاری شروع شده و از برخوردهای اولیه و تماس آغاز گردیده با برقراری ارتباط، مقدمات آشنایی و آشنایی تداوم یافته و به شناخت کلی و اجمالی و بالاخره شناخت کامل منتهی می شود).
۲. مذاکره دو خانواده و دو فرد برای تشخیص تناسب و کفو بودن.
۳. تحقیق از همسایگان، دوستان، اقوام دور و نزدیک و کسانی که با فرد و خانواده ها و معاشرت داشته باشند برای کسب اطلاعات لازم.
۴. تفاهم که پس از طی مراحل سه گانه فوق و جمع بندی آنها، در جلساتی، همه مواردی که مبهم است مشخص شده، شرایط دو طرف بیان شده، خواسته ها بطور دقیق مطرح گردیده و ... در این زمینه ها تفاهم متقابل حاصل گردد.



۳-۹-۴-۱. اقدامات پس از خواستگاری

مواردی که پس از مراسم عقد باید هر کدام از طرفین بدون توقع از دیگری و بطور یک طرفه انجام دهند تا پیوند جدید استحکام یابد. رعایت این موارد در روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های اول توسط دو خانواده، مانع بروز اختلافات و جدایی‌ها در سالهای اولیه می‌شود.

۱. صداقت (که از اصالت و عفت و ارزش‌های درونی و فکری نشأت می‌گیرد).

۲. احترام (که منشأ آن اخلاق و ادب است).

۳. امانت (که از ایمان و نجابت حاصل می‌شود).

۴. گذشت (که از غیرت و فهیم بودن و صبر زناشویی سرچشمه می‌گیرد).

حاصل عمل به ۴ مورد فوق، محبت و مودت، آرامش و رحمت خواهد بود، که لازمه زندگی مشترک است. معمولاً عشق و محبت و مودت در مراحل اولیه است و پس از عروسی و زفاف، آرامش، نمود پیدا می‌کند و آنچه در ادامه به زندگی عظمت می‌بخشد، رحمت الهی است که به تدریج حاصل می‌شود.

و آنچه که پس از استقرار زندگی در سال‌های اولیه باعث استحکام زندگی می‌شود، خلوص در محبت به هم، تفاهم کامل، رشد و تکامل روحی دادن به همدیگر و اهتمام طرفین به تربیت فرزند صالح، می‌باشد. (بر مبنای برنامه تربیتی که با توافق هم تعیین می‌شود).

۱۰-۴-۱. پس از دوران بلوغ و تا پایان عمر

از این مرحله به بعد و تا پایان عمر، معمولاً خود فرد، برنامه تربیتی خویش (برنامه خودسازی) را تنظیم و اجرا می‌نماید. همانگونه که در قسمت ویژگی‌های برنامه تربیتی مطرح گردیده، اجرای مطلوب بخش‌های اول و دوم برنامه‌ی تربیتی در مراحل هشت‌گانه، مبنای اجرای بخش سوم برنامه‌ی تربیتی توسط خود فرد خواهد شد. در غیر اینصورت امکان القای یک برنامه‌ی تربیتی نادرست به فرد، زیاد است.



۲. برنامه‌ی خودسازی (برنامه تربیتی یا حداقل‌های خودسازی)

برنامه خودسازی که به آن برنامه‌ی تربیتی نیز گفته می‌شود. لازم است در اینجا به مبحث «واجبات خودسازی در تعلیم و تربیت اسلامی (حداقل‌های خودسازی)» پرداخته شود.

* واجبات خودسازی (حداقل‌هایی که در برنامه خودسازی فرد قرار دارد):^۱

بهتر است در سنین و سال‌های اولیه کودکی (از ۵ سالگی به بعد)، فرد را به این امورات عادت داد تا با افزایش سن، نسبت به آنها معرفت یابد.

دستوراتی که توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین دیگر بزرگان دین، جهت واجبات خودسازی سفارش شده، برای زمان‌های مختلفی است، که می‌توان موارد ذیل را توصیه نمود.

۱. مواردی که مربوط به ساعات انسان است (در طول شبانه روز باید انجام شده و از آن غفلت نشود):

توجه، ذکر و یاد دائمی خداوند. در این راستا لازم است این موارد انجام شود:

(الف) وضوی دائمی (ب) قبل و در آغاز هر کار و در همه حال، با ذکر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
امورات را انجام دادن (ج) رو به قبله بودن (حتی المقدور و در همه جا به جز دستشویی و آمیزش) و احتراز از پشت به قبله بودن. (د) در مناسبت‌های مختلف روزانه، فرستادن ذکر صلوات کامل (یعنی با وعجل فرجهم و اهلک اعدائهم). (ه) نمازهای یومیه را با حضور قلب و در اول وقت بجا آوردن.

۲. مواردی که مربوط به یک روز انسان است (در یک شبانه روز حداقل یکبار انجام شود):

۲-۱. روز را با اذکار هفتگانه‌ی ارکان ایمان شروع نمودن، که آنان عبارتند از:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ...

مَا شَاءَ اللَّهُ

۱. این موارد توسط نگارنده از متون مختلف گردآوری شده است.



فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا (وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ)

حَسْبِيَ اللَّهُ «هم عالم است وهم قادر»

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

أَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

رِضَى بِقَضَاءِ اللَّهِ

۲-۲. در شبانه روز تلاوت قرآن، با دقت در معانی آیات (هر چند کم تلاوت شود)

۲-۳. سپردن مایملک خود (ایمان، سلامتی، اموال، بستگان و ...) به یکی از چهارده

معصوم علیهم السلام.

۲-۴. زیارت امام حسین علیه السلام و لو با عبارت کوتاه (ترجیحاً زیارت عاشورا و یا

زیارت وارث)

۲-۵. سلام دادن به امام زمان علیه السلام و لو با عبارت کوتاه (ترجیحاً زیارت آل یاسین)

۲-۶. در پایان روز، محاسبه‌ی اعمال و گفتار و ... را نمودن (لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ

نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ)

۲-۷. جاری نمودن ذکر و دعای توبه (اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ ...)

۳. مواردی که مربوط به یک هفته انسان است (حداقل هفته‌ای یکبار انجام شود):

۳-۱. دعای کمیل (شب‌های جمعه)

۳-۲. دعای توسل (سه شنبه‌ها، شب چهارشنبه است)

۳-۳. روزه‌های مستحبی

۴. مواردی که مربوط به یک ماه انسان است (حداقل در ماه یکبار انجام شود):

۴-۱. زیارت جامعه کبیره



۴-۲. مناجات شعبانیه

۴-۳. دعای عرفه

۵. مواردی که مربوط به یک سال انسان است (حداقل یکبار در سال انجام شود):

۵-۱. دادن خمس (که از واجبات دین است، که ضرر و زیان را مشخص می نماید و

برای انسان هم فکر اقتصادی داده، و هم ایجاد برنامه اقتصادی می کند.)

۵-۲. رفتن به زیارت ائمه علیهم السلام و اگر مقدور نشد امامزادگان مجرب (حضرت

معصومه سما علیها السلام حضرت عبدالعظیم رضی الله عنه) و بزرگان از علماء دین (مانند: علامه مجلسی)

۵-۳. استحلال (حلالیت طلبیدن از اطرافیان)

باشد که این مطالب مورد رضای خداوند کریم، آن قادر و علیم قرار گرفته، موجب

خشنودی مهدی موعود رضی الله عنه منجی عالم بشریت، او که با ظهورش، تعلیم و تربیت انسانها را به

حد کمال می رساند، قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۱. باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه.ش.
۳. حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، ترجمه جعفری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ ه.ش.
۴. دشتی، محمد، **نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیؑ**، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنینؑ، ۱۳۸۹ ه.ش.
۵. دوان شولتز، **نظریه‌های شخصیت**، مترجمان یوسف کریمی ... [و دیگران]، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۶. راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ ق.
۷. سالاری فر، محمدرضا، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ه.ش.
۸. شعبانی، حسن، **مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰ ه.ش.
۹. شکوهی، غلامحسین، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، مشهد، شرکت به‌نشر، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۰. شکوهی یکتا، محسن، **تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)**، تهران، چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۱. صفوی، امان‌الله، **کلیات روشها و فنون تدریس (متن کامل)**، تهران، انتشارات معاصر، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه استاد ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۳. طبرسی، ابوالفضل بن حسن، **مجمع البیان**، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی، ۱۳۸۰ ه.ش.

۱۴. طوسی، محمدبن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۵. قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، ولیعصر علیه السلام، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۱۷. لویس معلوف، المنجد عربی بفارسی، مترجم: محمد بندریگی، تهران، ایران، ۱۳۸۴ هـ. ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام**، تهران، لمکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ هـ. ق.
۱۹. آیت الله مکارم شیرازی، **حلیه المتقین**، اصفهان، شهید فهمیده، ۱۳۸۹ هـ. ش.
۲۰. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن، امام امیرالمؤمنین علیه السلام**، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۲۱. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۲۲. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۲۳. آیت الله مکارم شیرازی، **کلیات مفاتیح نوین**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ هـ. ش.
۲۴. نراقی، احمدبن محمد مهدی، **معراج السعادة**، قم، طوبای محبت، ۱۳۸۵ هـ. ش.